



أَيُّهَا الْمَرْزُوقُ... جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مَرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ...

اشراق خورشید

جهان در عصر طلایی ظهور

محمد هادی ابراهیمی نژاد

سلسله تحقیقات سایت آشتی با خرد (۲)

سرشناسه	: ابراهیمی نژاد، محمدهادی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: اعجاز و کرامت از واقعیت تا پندار / محمدهادی ابراهیمی نژاد.
مشخصات نشر	: قم: موسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین (ص)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۶۲۹ ص.
فروست	: سلسله تحقیقات سایت آشتی با خرد؛ شماره ۹.
شابک	: ۱-۸-۹۳۹۳۵-۶۲۲-۹۷۸
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: معجزه (اسلام) (Islam) Miracles
موضوع	: معجزه - Miracles
موضوع	: زکرامت - * Karamat
رده بندی کنگره	: BP۲۲۰/۶
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۲۸۸۳۰۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

اشراق خورشید (جهان در عصر طلایی ظهور)

نویسنده: محمد هادی ابراهیمی نژاد

ناشر: موسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین ﷺ

چاپ اول: ۱۴۰۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک:

مرکز پخش قم: خیابان صفائیه، کوچه ۳۷، انتشارات خاتم النبیین ﷺ، تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۲۱۴۰۹

www.nashrekhatam.com

مرکز پخش مشهد: خیابان آخوند خراسانی ۲۰/۱، جنب مسجد حضرت زهرا ﷺ، کتابفروشی طالبیان

شریف، تلفن ۰۹۱۵۲۵۵۳۷۰ - ۰۵۱۳۸۵۵۵۹۴۷

فهرست

چکیده	۹
سرآغاز	۱۵
جهان در عصر طلایی ظهور چگونه است ؟	۱۷
دوران ظهور و اوج امنیت	۲۱
امنیت جانی و برطرف شدن کشت و کشتار	۲۱
امنیت جانی انسان از حیوانات درنده و گزنده	۲۲
امنیت جانی حیوانات از درندگان (رام شدن درندگان)	۲۴
امنیت اشیاء از فساد و خسارت	۲۵
امنیت بهداشتی و برطرف شدن بیماری‌ها، معلولیتها و	۲۵
امنیت غذایی (نابودی پلیدی‌ها و ...)	۲۷
امنیت ناموسی	۲۹

۳۱.....	امنیت راه‌ها
۳۱.....	امنیت اقتصادی
۳۳.....	امنیت روانی واقعی در جامعه
۳۴.....	امنیت نظامی
۳۵.....	امنیت اخلاقی (دل‌های بی‌کینه)
۳۶.....	امنیت از شیاطین (پایان حکومت شیطان)
۴۱.....	اصول اولیه دوران ظهور و اوج شکوفایی
۴۳.....	اوج پرکاری آسمان
۴۴.....	جریان رودها و جوشش چشمه‌ها
۴۵.....	اوج باروری گیاهان
۴۸.....	زیبایی زمین
۴۹.....	باران طلا از آسمان
۴۹.....	آشکار شدن گنج‌ها از دل زمین
۵۱.....	آشکار شدن تمام ثروت زمین
۵۱.....	اوج صلح و سازش تمامی موجودات
۵۳.....	تسویه همه دیون و رد مظالم عباد
۵۶.....	تقسیمی مضاعف
۵۶.....	سخاوت بی‌پایان

- ۶۰..... نعمت بی سابقه
- ۶۰..... نابودی فقر
- ۶۳..... نظام حمایتی ویژه
- ۶۳..... رودهای شگفت انگیز
- ۶۴..... تغذیه شگفت انگیز
- ۶۶..... پوشاک شگفت انگیز
- ۶۷..... شهرسازی سالم
- ۶۸.....؟؟؟ عمران و رفاه
- ۶۹..... مدیریت ازدحام جمعیت
- ۶۹..... آزادی بردگان
- ۷۰..... اوج طول عمر (امید به زندگی)
- ۷۱..... اوج باروری نسل
- ۷۲..... بدن شگفت انگیز
- ۷۲..... اوج شنوایی و بینایی
- ۷۳..... اوج توانایی های جسمی
- ۷۴..... اوج شادمانی
- ۷۵..... پر شدن قلبها از غنی
- ۷۷..... اوج توانایی های روحی

۷۸.....	شکوفایی ایمان و اخلاق (اوج یک رنگی)
۸۱.....	علم به تمام لغات
۸۲.....	اوج آگاهی
۸۳.....	سرازیر شدن همه‌ی دانش‌ها
۸۳.....	عدم نیاز به آموزش
۸۵.....	اوج شکوفایی خرده‌ها
۸۷.....	دست خدا بر سر رعیت امام زمان
۸۸.....	پرواز در آسمان و حرکت بر روی آب
۸۹.....	حضور فرشتگان در میان مردم
۹۱.....	سفر با ابر و پرواز با فرشتگان
۹۲.....	ربودن گوی سبقت از فرشتگان
۹۳.....	مرجعیت و قضاوت مؤمن بر فرشتگان
۹۴.....	دوران ظهور و عدالت حقیقی و واقعی (حکم داودی)
۹۹.....	حکومت فرازمینی
۱۰۳.....	ظهور و بی‌نیازی از نور خورشید
۱۰۵.....	فرمانبرداری نظام کیهانی از قائم ع و طولانی شدن زمان
۱۰۸.....	فخر فروشی زمین
۱۰۸.....	رضایت عمومی

- شکستن طلسم مشکلات ۱۰۹
- آرزوی بازگشت مردگان ۱۱۰
- گشوده شدن درهای آسمان ۱۱۳
- دوران ظهور، بهشت زمینیان ۱۱۳
- رمز گشایی از ویژگی‌های حکومت آسمانی قائم ۱۱۵
- مستندات روایی «اشراق الشمس» ۱۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد
و آله الطاهرين سيما بقية الله في الارضين
و اللعن على اعدائهم اجمعين

چکیده

ثمره عینی اسلام حقیقی، همان «اشراق خورشید» اسلام است که در «عصر طلایی ظهور» فعلیت می یابد.

بی هیچ تردیدی دوران دولت آسمانی و سلطنت خدایی امام «منتظر»، آن چنان که باید و شاید، شناختنی نیست و فوق درک و تصورات ماست.

دوران ظهور امام «منتظر» ویژگی های مشترکی با قیامت کبری دارد و از همین رو احیاناً دوران ظهور، قیامت صغری نامیده می شود.

همچنین زندگی در دوران امام «منتظر» عَلَيْهِ السَّلَام مشابهاتی با زندگی بهشتیان دارد. لذا دوران ظهور «بهشت زمین» هم نامیده می شود. چرا

که در دوران ظهور هم:

فِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ...^۱
در بهشت چیزهایی است که نه چشمی آنها را دیده و نه گوشی
شنیده و نه تصور آن بر قلب بشری خطور کرده.
فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ...^۲
و در آنجا است آنچه دلها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید...
ویژگی های دوران ظهور در نگاه کلان دو دسته اند:
۱) عوامل پاکسازی موانع کمال که اوج تطهیر زمین و زمینیان از همه
امور منفی را به دنبال دارد.
۲) عوامل رشد و کمال همه ابعاد حیات انسانی که زیبایی های
آفرینش را به تمام و کمال به فعلیت می رساند.
دوران ظهور با پاکسازی از عوامل فراوان پدید آورنده ناامنی، آغاز
می شود و تا به ارمغان آوردن اوج امنیت ادامه می یابد. برخی از ابعاد
امنیت عبارتند از:

۱- امنیت جانی و برطرف شدن کشت و کشتار میان انسان ها و میان
انسان ها و حیوانات و میان خود حیوانات، ۲- امنیت اشیاء از فساد

۱- بحار الانوار ج ۸۱ ص ۱۲۵

۲- زخرف ۷۱

و خسارت، امنیت غذایی (نابودی پلیدی‌ها و...)، امنیت بهداشتی و برطرف شدن بیماری‌ها، معلولیت‌ها و...، ۳- انواع امنیت‌های اجتماعی از امنیت ناموسی تا امنیت راه‌ها و امنیت روانی، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی و...، ۴- امنیت اخلاقی (دل‌های بی‌کینه) و امنیت از شیاطین (پایان حکومت شیطان) ۵-....

با پاکسازی همه عوامل مخرب حیات بشر، خواه ناخواه امنیت فراگیر و گسترده، تحقق می‌یابد و موانع کمال، مرتفع و بستر شکوفایی زمین و زمینیان آماده می‌شود.

در دوران ظهور شاهد آن چنان رشد و کمالی هستیم که زیبایی زمین و زمینیان به اوج ممکن خود می‌رسد. از جمله:

- ۱- اوج پرباری آسمان، جریان خروشان رودها و چشمه‌ها، اوج باروری گیاهان و خرمی خیره‌کننده زمین، ۲- باران طلا از آسمان، آشکار شدن گنج‌ها از دل زمین و آشکار شدن تمام ثروت زمین، ۳- اوج صلح و سازش تمامی موجودات، ۴- تسویه همه دیون و رد مظالم عباد، تقسیمی مضاعف، سخاوت بی‌پایان، نعمت بی‌سابقه، نابودی فقر و نظام حمایتی ویژه، ۵- رودهای شگفت انگیز، تغذیه شگفت انگیز، پوشاک شگفت انگیز، ۶- شهرسازی سالم، مدیریت ازدحام جمعیت، ۷- آزادی بردگان، ۸- اوج طول عمر (اوج امید به زندگی)، اوج باروری نسل، بدن شگفت انگیز، اوج شنوایی و بینایی و اوج

توانایی‌های جسمی، ۹- اوج شادمانی، پر شدن قلبها از غنی، اوج توانایی‌های روحی و شکوفایی ایمان و اخلاق (اوج یک رنگی) ۱۰- علم به تمام لغات، اوج آگاهی، سرازیر شدن همه‌ی دانش‌ها، عدم نیاز به آموزش و اوج شکوفایی خردها، ۱۱- دست خدا بر سر رعیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرواز در آسمان و حرکت بر روی آب، حضور فرشتگان در میان مردم، سفر با ابر و پرواز با فرشتگان، ربودن گوی سبقت از فرشتگان و مرجعیت و قضاوت مؤمن بر فرشتگان، ۱۲- عدالت حقیقی (حکم داودی) ۱۳- حکومت فرازمینی، بی نیازی از نور خورشید، فرمانبرداری نظام کیهانی از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن زمان و فخر فروشی زمین، ۱۴- رضایت عمومی، شکستن طلسم مشکلات، آرزوی بازگشت مردگان و گشوده شدن درهای آسمان، ۱۵-...

در توصیف دوران ظهور امام زمان، همان به که به تعبیر «بهشت زمینیان»، بسنده کنیم، البته درک این بهشت اسرار آمیز، هرگز آسان نیست. اما با درنگ شایسته در روایات اهل بیت علیهم السلام، بخشی از این اسرار رمزگشایی می‌گردد.

از یک سو سخن از سلطنت جهانی به میان آمده است.
از یک سو سخن از دولتی گفته شده که ظلمتی در آن متصور نیست.

از یک سو ویژگی‌های شگفت آن دوران بیان شده است.
همه امور یاد شده نتیجه یک عامل مهم است و آن آسمانی بودن
دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
اگر حقیقت دعوت آسمانی شناخته شود، دیگر هر چه از بهشت
زمینی و حکومت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته شود باز هم کم است.
همچنان که هر چه از بهشت آخرتی گفته شود باز هم کم است.

سرآغاز

«منتظر» یکی از نام‌ها و صفات امام زمان علیه السلام است، کسی که چشم به راه اویند.

منتظر کیست؟ و صفاتش چیست؟ و دوران‌هایش کدام است؟
این نوشتار نگاهی کوتاه به یکی از دوران‌های امام «منتظر» علیه السلام دارد.

از حوادث ۱- دوران پیش از ولادت، ۲- دوران ولادت و ۳- دوران پیش از امامت که بگذریم، ۴- دوران غیبت آغاز می‌شود، دورانی که خورشید در پس ابر است.

در انتهای دوران غیبت، ۵- طلوع فجر آغاز می‌گردد و نشانه‌های ظهور یکی پس از دیگری تحقق می‌یابد.

تا این که دنیا شاهد ۶- طلوع خورشید می‌گردد و حوادث ظهور رقم می‌خورد.

با طلوع خورشید امام زمان علیه السلام ۷- ظهور یا قیامت صغری بر پا می‌شود.

بخشی از قیامت صغری به شکستن شاخ شیاطین سپری می‌گردد
که راه عدالت را سد کرده‌اند.

و بخشی به التیام زخم‌هایی که منافقان بر پیکر اسلام وارد
ساخته‌اند می‌گذرد.

و بخشی به بیان اسلام حقیقی می‌پردازد.

ثمره اسلام حقیقی همان ۸- اشراق خورشید اسلام است که عصر
طلایی ظهور را رقم می‌زند.

هدف نوشتار پیش روی شما نگاهی کوتاه به روایات مرتبط با عصر
طلایی ظهور است.

جهان در عصر طلایی ظهور چگونه است؟

آشنایی با زندگی در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، آشنایی با یکی از ادوار مهم دوران مهدوی است.

بی هیچ تردیدی دوران دولت حقه و سلطنت خدایی امام «منتظر»، آن چنان که باید و شاید، شناختنی نیست و فوق درک و تصورات ماست.

ظهور امام «منتظر» ویژگی‌های مشترکی با قیامت کبری دارد و از همین رو احیاناً دوران ظهور، قیامت صغری نامیده می‌شود.

همچنین زندگی در دوران امام «منتظر» علیه السلام مشابهاتی با زندگی بهشتیان دارد. لذا اگر دوران ظهور را «بهشت زمین» بنامیم، گزاف نگفته‌ایم.

درک بهشت آخرتی برای زمینیان میسر نیست، لذا گاهی با آوردن مثل توصیف می‌گردد و گاهی با بیان کلیات.

از این رو از یک سو بهشت این گونه توصیف می‌گردد که :

فِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ...^۱
در بهشت چیزهایی است که نه چشمی آنها را دیده و نه گوشی شنیده و نه تصور آن بر قلب بشری خطور کرده.
این گونه جملات بیانگر ناتوانی بشر دنیوی، از درک بهشت است.
و از دیگر سو بیان می شود که:
فِيهَا مَا تَسْتَهْيِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ...^۲
و در آنجا است آنچه دلها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید...
این گونه تعبیرات نشانگر اوج لذت‌های نامحدود بهشتی است.
دوران ظهور امام «منتظر» علیه السلام، نمونه‌ی همان بهشت آخرتی است، اما در روی زمین، بهشتی که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه تصور آن بر قلب کسی خطور کرده، اما هر آن چه دل بخواهد و چشم از آن لذت برد، در این بهشت زمینی وجود دارد.
درک بهشت زمینی دوران ظهور، اگر برای همگان محال نباشد، مسلماً بسیار مشکل است. لذا این دوران، همانند بهشت، با بیان کلیات و مثل توصیف شده است.

۱- بحار الانوار ج ۸۱ ص ۱۲۵

۲- زخرف ۷۱

نوشتار پیش روی شما نگاهی دارد به این فصل از ادوار مهدوی، و تلاش می‌کند برخی از ویژگی‌های دوران طلایی زندگی در زمان ظهور را، برشمارد تا که شاید با آشنایی با این دوران، دل به سوی ظهورش پرکشد و بیشتر برای ظهورش دعا کنیم.

ویژگی‌های دوران ظهور در نگاه کلان دو دسته‌اند:

۱) عوامل پاکسازیِ موانع کمال که اوج تطهیر زمین و زمینیان از همه امور منفی را به دنبال دارد.

۲) عوامل رشد و کمال همه ابعاد حیات انسانی که تمام زیبایی‌های آفرینش را محقق می‌کند.
در ادامه با این ویژگی‌ها آشنا می‌شویم.

دوران ظهور و اوج امنیت

بخش مهمی از ویژگی‌های عصر طلایی ظهور به ابعاد متنوع امنیت زندگی اختصاص دارد.

پیداست که امنیت در گرو پاکسازی عوامل فراوانِ پدید آورنده ناامنی است.

در این مجال با ابعاد امنیت، که حاصل پاکسازی این عوامل پرشمار است، آشنا می‌شویم.

امنیت جانی و برطرف شدن کشت و کشتار

یکی از شاخص‌های امنیت جانی، امنیت انسانها از کشته شدن توسط یکدیگر است.

در میان سایر عوامل مخل به امنیت، قتل از شنیع‌ترین آنهاست. با توجه به شاخصهای عدالت، برطرف شدن شر و فساد و...، در دوران ظهور، عاملی برای قتل و... باقی نمی‌ماند تا این نوع امنیت مختل گردد.

از آن جایی که تمامی عوامل دخیل در امنیت، مانند عدالت و... مستقلاً مطرح می‌گردد، برای پرهیز از تکرار به همین اندازه اشاره بسنده می‌شود.

امنیت جانی انسان از حیوانات درنده و گزنده

یکی از شاخصهای امنیت جانی، کشته شدن انسانها توسط حیوانات درنده و گزنده است.

با تصرف رحمانی امام زمان علیه السلام در طبع حیوانات، خطراتی که از ناحیه حیوانات متوجه انسان می‌شود مرتفع می‌گردد.

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) زهر هر (حیوان) جنبده‌ای گرفته می‌شود (و حیوانات گزنده آن چنان بی‌خطر می‌گردند که) کودک دستش را در دهان افعی می‌گذارد و زیانی نمی‌زند. (همچنین) کودک با شیر روبرو می‌شود بدون این که شیرزیانی به کودک بزند...^۱

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) درندگان و چرندگان با هم در صلح و صفا زندگی می‌کنند (و امنیت آن چنان گسترده

۱- تنزع حمة كلّ دابةً حتى يدخل الوليد يده في فم الحنش فلا يضربّه، وتلقى الوليدة الأسد فلا يضربّها... (روایت ۱۲)

می‌شود) تا این که زنی زنبیل بر سر، مسیر میان عراق و شام را پیاده طی می‌کند در حالی که پایش را جز بر سبزه نگذارد (با آرامش کامل به مقصد برسد و) هیچ درنده‌ای او را مضطرب نسازد و نترساند.^۱

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام آن چنان امنیت و آرامش حاکم گردد که) حیوانات وحشی و درندگان (در کنار یکدیگر آسایش) می‌چرند و زندگی می‌کنند و کودکان با آنها بازی نمایند.^۲ (در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) در روی زمین حیوان موذی و شر و گناه و فساد اصلاً نیست. زیرا دعوت امام زمان علیه السلام، دعوت آسمانی است و دعوت زمینی نیست...^۳

۱- وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ... (روایت ۱۴)

۲- حَتَّى تَرعى الْوَحُوشُ وَ السَّبَاعُ وَ تَلْعَبُ بِهِمُ الصَّبِيَانُ... (روایت ۲۳)

۳- وَ لَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٍ، وَ لَا شَرٌّ، وَ لَا إِثْمٌ، وَ لَا فَسَادٌ أَصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةٍ... (روایت ۴)

امنیت جانی حیوانات از درندگان (رام شدن درندگان)

در دوران ظهور، علاوه بر برقراری امنیت انسانها از ناحیه حیوانات (که پیش از این گذشت) در میان خود حیوانات نیز امنیت برقرار می‌گردد.

دلیل آن هم تصرف رحمانی است که بر اثر آن، طبیعت درندگی آنها از بین می‌رود.

در زمان سلطنت امام زمان علیه السلام درندگان با یکدیگر در صلح و آرامش زندگی می‌کنند.^۱

حیوانات وحشی (همچون آهو و...) آن چنان امنیت پیدا می‌کنند که همانند چهارپایان اهلی در راه‌های زمین (با آرامش) می‌چرند.^۲ (در زمان ظهور امام زمان علیه السلام آن چنان آرامش و امنیت میان حیوانات حاکم می‌گردد که) شیر در گله شتران و گرگ در گله گوسفندان، همچون سگ نگهبان است.^۳

۱- وَ تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السِّبَاعُ... (روایت ۱۳)

۲- تَأْمَنُ الْوُحُوشُ حَتَّى تَرْتَعِيَ فِي طُرُقِ الْأَرْضِ كَأَنعَامِهِمْ... (روایت

۳- تنزع حمة كل دابة حتى يدخل الوليد يده في فم الحنش فلا
للهم

امنیت اشیاء از فساد و خسارت

یکی از شاخص‌های امنیت، امنیت از ناحیه خسارت به اشیاء و اموال است. برخی روایات ناظر به نفی کلی شر و فساد است. از جمله: (در زمان ظهور امام زمان علیه السلام امنیت آن چنان فراگیر است که) بر روی زمین مودی و شر و گناه و فساد اصلاً نیست...^۱ در برخی دیگر از روایات به شمول و گستره امنیت از ناحیه خسارت به اموال، این چنین تصریح شده است: (در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) حتی موشی هم کیسه‌ای را سوراخ نکند...^۲

امنیت بهداشتی و برطرف شدن بیماری‌ها، معلولیت‌ها و...

یکی از شاخصه‌های امنیتی، امنیت بهداشتی و امنیت از اختلالات جسمی مانند بیماری‌ها، معلولیت‌ها و... است.

-
- يُضَرُّهُ، وَ تَلْقَى الْوَلِيدَةَ الْأَسَدَ فَلَا يُضَرُّهَا، وَ يَكُونُ فِي الْإِبِلِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا، وَ يَكُونُ الذَّنْبُ فِي الْغَنَمِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا... (روایت ۱۲)
- ۱- وَلَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٍ، وَلَا شَرٌّ، وَلَا إِثْمٌ، وَلَا فَسَادٌ أَصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةٍ... (روایت ۴)
- ۲- وَ حَتَّى لَا تَقْرَضَ فَأَرَةً جِرَابًا (روایت ۳۴)

این شاخصه در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به کمال و تمام تحقق می‌یابد.

آن زمان که قائم ما قیام کند خداوند عز و جل بیماری را از شیعیان ما برطرف نماید...^۱

هر بیماری که (دوران) قائم اهل بیت مرا درک کند، خوب می‌شود و هر ناتوانی که او را درک کند توانا می‌گردد.^۲

زمانی که قائم علیه السلام قیام کند خداوند بیماری هر مؤمنی را ببرد و نیروی (از دست رفته) او را باز می‌گرداند.^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مرضها و بیماری‌های مزمن برطرف می‌گردد و مؤمن... از علم پزشکی و از پزشک بی‌نیاز

۱- إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ... (روایت)

(۲۱)

۲- مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةٍ بَرَأَ وَمِنْ ذِي ضَعْفٍ قُوِيَ.

(روایت ۳۷)

۳- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَ رَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ.

(روایت ۳۸)

می‌گردد...^۱

بر روی زمین کور و زمینگیر و مبتلایی باقی نماند، جز این که خداوند به برکت ما اهل بیت، بلایش را از او برطرف سازد.^۲

امنیت غذایی (نابودی پلیدی‌ها و...)

یکی از شاخصه‌های امنیت، شاخصه امنیت غذایی است. تحقق این شاخصه به این است که نگرانی‌های بشر از ناحیه تأمین و سلامت غذا مرتفع گردد.

بخش مهمی از نگرانی‌هایی که در تأمین غذا وجود دارد، بر اثر آبادانی زمین مرتفع می‌گردد، چه با فراوانی بارندگی و چه با سرسبزی زمین.

دوران ظهور از حیث آبادانی زمین، واقعا دوران طلایی است. بخشی از مطالب مربوطه در همین نوشتار ارایه شده است. بخشی دیگر از امنیت غذایی با سلامت غذا مرتبط است.

۱- وَ تَزْفَعُ الْأَمْرَاضُ وَ الْأَسْقَامُ وَ يَسْتَعْنِي الْمُؤْمِنُ... عَنْ طِبِّ وَ

طَبِيبٍ... (روایت ۳۰)

۲- وَ لَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَ لَا مُقْعَدٌ وَ لَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ

اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ... (روایت ۳۹)

البته که هر جنبنده‌ای که خداوند گوشت آن را حرام کرده، می‌کشم، تا این که بر زمین جز پاک و پاکیزه باقی نماند...^۱
(در دوران ظهور) خوک کشته می‌شود (و از صفحه زمین نابود می‌گردد)^۲

مسلمان با نابودی پلیدی‌ها، امنیت غذایی هم جهت مادی و هم از جهت معنوی تأمین می‌گردد.

این توضیح در این جا لازم است که تمامی آن چه خداوند واجب یا حرام کرده، بر اساس مصالح و مفاسد واقعی است. مسلمان کار خداوند حکیمانه است. بخلی هم در کار نیست. بنا بر این ریشه اصلی تکالیف سود و زیان خود انسان است.

البته دایره سود و زیان محدود به سود و زیان مادی نیست، بلکه علاوه بر آن، سود و زیان معنوی هم مورد توجه است.

نابودی خبائث هم بر همین اساس است. از آن جایی که بخش بزرگی از خبائث در حوزه تغذیه قرار دارد، و تغذیه ناسالم بر جسم و روح

۱- ثُمَّ لَا قُتِلَنَّ كُلُّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ... (روایت ۳۹)

۲- فیدق الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع الجزیة و یتروک الصدقة... (روایت ۱۲ و همچنین ۳۴)

اثر منفی دارد، به همین دلیل نابودی خبائث، شاخه دوم سلامت تغذیه در امنیت غذایی را محقق می‌سازد.

امنیت ناموسی

یکی از شاخصهای مهم امنیت، امنیت زنان است. زمینه ناامنی این حوزه بیشتر تنهایی زنان، مکانهای خلوت و بی حفاظ، همچنین محیطهای مدیریت نشده جوانان است. در روایات متعددی اشاره ضمنی به این شاخص امنیتی در دوران ظهور امام زمان علیه السلام شده است. پیش از این گذشت:

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) درندگان و چرندگان با هم در صلح و صفا زندگی می‌کنند (و امنیت آن چنان گسترده می‌شود) تا این که زنی زنبیل بر سر، مسیر میان عراق و شام را پیاده طی می‌کند در حالی که پایش را جز بر سبزه نگذارد (با آرامش کامل به مقصد برسد و) هیچ درنده‌ای او را مضطرب نسازد و نترساند.^۱

۱- وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ

اما برخی از روایات در این زمینه صراحت بیشتری دارد.
 (در دوران ظهور امام علیه السلام) زنان در مورد خودشان (آن چنان) امنیت دارند که حتی اگر (تنها) در بیابان خلوتی باشند بر خودشان نگران نمی‌شوند.^۱
 (در دوران امام زمان علیه السلام) دختر نوجوان و پیر فرتوت از خانه‌اش بیرون می‌آید در حالی که بر سرش مقداری آرد یا گندم یا سویق است و (مسیرش را طی می‌کند تا) به سرزمینی که می‌خواهد می‌رسد، در حالی که نه خستگی به او می‌رسد و نه رنجی و نه امر ناگواری...^۲

السَّامُ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يَهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ... (روایت ۱۴)

۱- وَ تَأْمَنُ النِّسَاءُ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ حَتَّىٰ لَوْ أَنَّ امْرَأَةً فِي الْعَرَبَاءِ لَمْ تَخَفْ عَلَى نَفْسِهَا... (روایت ۲۳)

۲- وَ تَخْرُجُ الْفَتَاةُ الْعَاتِقُ وَ الْعَجُوزُ الْعَاقِرُ وَ عَلَى رَأْسِهَا مَكِيلٌ مِنْ دَقِيقٍ أَوْ بُرٍّ أَوْ سَوِيقٍ وَ تَبْلُغُ حَيْثُ شَاءَتْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لَا يَمَسُّهَا نَصَبٌ وَ لَا لُغُوبٌ (روایت ۳۰)

امنیت راه‌ها

مسلمانان فراگیر شدن عدالت، امنیت همه جانبه به ارمغان می‌آورد. جایی باقی نمی‌ماند، مگر این که امنیت در آن حاکم می‌شود. همچنان که پیشتر در «امنیت ناموسی» اشاره رفت، زنان حتی در بیابان و مکانهای خطرناک در آرامش هستند. از جمله جاهایی که در معرض ناامنی است، راه‌هاست که به دلیل دور بودن از مدیریت اجتماعی، در معرض انواع خطرات است. به این شاخصه مهم امنیتی نیز در دوران ظهور اشاره شده است. هنگامی که قائم ماقیام کند به عدالت حکم نماید و در روزگارش ستم برطرف شود و راه‌ها امن گردد...^۱ روشن است که امنیت راه‌ها، خود شامل شاخص‌های متعددی از امنیت است. مانند امنیت جانی، مالی، ناموسی و...

امنیت اقتصادی

یکی از سرچشمه‌های مهم مفاسد فردی و اجتماعی، طمع و حرص به مال دنیا یا همان ثروت اندوزی است.

۱- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ ... (روایت ۲۰)

ثروت اندوزی موجب می شود که فرد برای اندوختن بیشتر ثروت دست به هر کاری بزند.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) تمامی اموال اهل دنیا از درون و برون زمین نزد آن حضرت جمع می شود. سپس به مردم گفته می شود برای گرفتن آن چه (از مال دنیا که برای به دست آوردن آن) قطع رحم می کردید و خون حرام می ریختید و مرتکب محارم می شدید بیایید...^۱

در دوران ظهور ریشه تمامی عوامل ناامنی اقتصادی می خشکد. زیرا همان گونه که در سرفصلهای متعدد آینده خواهد آمد، ثروت آن چنان فراوان است که نیازمندی باقی نمی ماند و از همین رو، چشم حرص، کور می گردد.

علاوه بر این، در دوران ظهور از سایر ریشه های ناامنی اقتصادی نیز اثری نیست.

هنگامی که طمع از همه جا رخت بربندد و...، دیگر کسی چشم به مال دیگری نخواهد داشت تا بخواهد برای اموال دیگران خطری به

۱- وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلُّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا
فَيَقَالُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ
وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ... (روایت ۱۶)

وجود آید.

بر اساس همین نکته است که در دوران ظهور سایه امنیت اقتصادی بر همه جا فراگیر می‌گردد.

امنیت روانی واقعی در جامعه

یکی از مقوله‌های مهم اجتماعی، امنیت روانی یا همان احساس امنیت است.

ایجاد احساس امنیت دو گونه است: یکی این که با شگردها و ترفندهای گوناگونی، احساس امنیت کاذب را در مردم ایجاد نماییم، هر چند در واقع امنیتی در کار نباشد. ساده‌ترین شگرد، بی‌خبر گذاشتن مردم از واقعیت‌های اجتماعی است که به احساس امنیت کاذب می‌انجامد.

اما اگر احساس امنیت همراه با واقعیت بود، احساس امنیت واقعی است.

احساس امنیت واقعی در گرو دو چیز است: یکی وجود امنیت واقعی در تمامی ابعاد و دیگری اعتماد مردم به پایداری وضعیت.

با توجه به برخی از سرفصل‌های گذشته، روشن شد که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام امنیت واقعی در تمامی ابعاد آن گسترده می‌شود.

با ضمیمه شدن رابطه پدر فرزندی که بین امام زمان علیه السلام و رعیت وجود دارد و با توجه به اقتدار واقعی حضرت، فضای اجتماعی، فضایی لبالب از اعتماد به استقرار و پایداری امنیت گسترده است. در حدیثی این چنین آمده است:

(روزگار ظهور امام زمان علیه السلام آن چنان می شود که) پیرزنی ناتوان از (خانه اش در) مشرق بیرون آید به طرف مغرب (سفر) کند (آن چنان امنیت اجتماعی بر جامعه حاکم است که همگی به سلامت رسیدن او اطمینان دارند و از این رو) احدی او را از این سفر نهی نمی کند.^۱

پیش از این در سرفصل امنیت ناموسی چند روایت در مسافرت زنان گذشت که نشان از امنیت اجتماعی فوق العاده دارد.

امنیت نظامی

با توجه به امنیت فراگیر در دوران ظهور امام زمان علیه السلام (که توضیح بیشتر آن همچنان خواهد آمد) خود به خود ریشه های جنگ خشکانده خواهد شد.

۱- حَتَّى يَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ... (روایت ۴۰)

اگر آبادانی‌های مادی و معنوی و... هم ضمیمه شود، جایی برای جنگ باقی نخواهد ماند.

و اگر سایر شاخصه‌های دوران ظهور هم افزوده شود، دیگر جنگ شبه محال خواهد بود.

از این رو امنیت نظامی در دوران ظهور، امری مسلم و تردید ناپذیر خواهد بود.

امنیت اخلاقی (دل‌های بی‌کینه)

یکی از شاخصه‌های امنیت، امنیت اخلاقی است.

روزی که قائم ما قیام کند... کینه از دل‌های بندگان زدوده شود^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) کینه و دشمنی مرتفع خواهد شد^۲

مسلمانان کینه و دشمنی خود ریشه بسیاری دیگر از اخلاق ناپسند است.

با مرتفع شدن کینه و دشمنی بسیاری دیگر از اخلاق رذیله مرتفع

-
- ۱- وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطَرَهَا وَ لَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا
وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ... (روایت ۱۴)
- ۲- وَ تَرَفَعِ الشَّحْنَاءُ وَ التَّبَاغُضُ (روایت ۱۲)

خواهند شد.

آن چه مهم است برطرف شدن کینه و دشمنی، مصداق برجسته امور اخلاقی و از سرآمدان آن است. اما مسلماً مقصود این نیست که بقیه رذائل اخلاقی باقی می ماند. همچنان که در سایر روایات به ریشه کن شدن حرص، حسد، طمع و... نیز اشاره شده است.

امنیت از شیاطین (پایان حکومت شیطان)

یکی از شاخص های شگفتِ امنیت در دوران ظهور، امنیت از شیطان است.

ناگفته پیداست که بسیاری از ناامنی ها ریشه در وسوسه ها و کارهای شیاطین دارد. در نتیجه با ریشه کن شدن تحرکات شیاطین برکات فراوانی به ثمر می نشیند.

در این رابطه دو تعبیر در روایات نقل شده است.

تعبیر نخست نفی کارهای شیطانی است. اما تعبیر دوم پیچیده تر است. توجه کنید:

و در آن روزگار برای شیطان قدرت وسوسه و انجام کاری (برای تباهی) نیست. همچنین حسد و چیزی از فساد وجود ندارد... و برای ابلیس هیکلی (وجود جسمانی) که در آن ساکن باشد نیست

و مقصود از هیکل بدن است...^۱

احتمال می‌رود که مقصود از روایت این باشد که با کشته شدن شیطان، بدنی برای او در دنیا نمی‌ماند. اما روح او مانند سایر ارواح باقی باشد. احتمال دیگر هم این که آثار وجود شیطان محدود می‌شود و دیگر نمی‌تواند مانند گذشته در قلب و نفس افراد حلول و نفوذ کند. کشته شدن شیطان در دوران ظهور در روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است.

وهب بن جمیع از امام صادق علیه السلام درباره مهلتی که به ابلیس داده شده است می‌پرسد و آن حضرت چنین پاسخ می‌دهد: ای وهب آیا می‌پنداری آن روز (روز قیامت است) روزی است که خداوند مردم را مبعوث می‌کند؟ نه چنین نیست و لکن خداوند عز و جل او را تا روزی که قائم ما را مبعوث می‌کند مهلت داده است. پس آن زمان که خداوند قائم ما را مبعوث سازد از موی جلوی سر شیطان می‌گیرد و گردنش را می‌زند پس آن روز، روز

۱- وَلَا يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسةٌ، وَلَا عَمَلٌ، وَلَا حَسَدٌ، وَلَا شَيْءٌ
مِنَ الْفَسَادِ... وَلَا يَكُونُ لِابْلِيسَ هَيْكَلٌ يَسْكُنُ فِيهِ - وَ الْهَيْكَلُ الْبَدَنُ
(روایت ۴)

وقت معلوم است.^۱

نقل دیگر همین روایت اضافه‌ای دارد:

به راستی که خداوند عز و جل او را تا روزی که قائم ما را مبعوث می‌کند مهلت داده است. پس آن زمان که خداوند قائم ما را مبعوث سازد، حضرت در مسجد کوفه است که ابلیس (نزد حضرت) می‌آید تا این که (در مقابل امام) بر زانوانش بر زمین می‌افتد و می‌گوید ای وای بر من از این روز! پس حضرت از موی جلوی سر شیطان می‌گیرد و گردنش را می‌زند پس آن روز، روز

وقت معلوم است.^۲

مهدی علیه السلام ابلیس را ذبح می‌کند و همه شیاطین می‌میرند

۱- قَالَ: يَا وَهْبُ، أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمَ يَبْعَثُ اللَّهُ (تَعَالَى) النَّاسَ؟ لَا، وَ لَكِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) أَنْظَرُهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) قَائِمَنَا، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) قَائِمَنَا، فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَّتِهِ، وَيَضْرِبُ عُنُقَهُ، فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. (روایت ۶۶)

۲- إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرُهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمَنَا فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ جَاءَ ابْلِيسُ حَتَّى يَجُثُّ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَّتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. (روایت ۶۷)

سپس این آیه را تلاوت فرمود: به راستی که زمین را بندگان نیکوکار

من به ارث می‌برند.^۱

برخی از روایات، تنها پایان مهلت الهی به شیطان را بیان کرده است که هنگام ظهور امام زمان علیه السلام است. لازمه این روایات، کشته شدن شیطان در این روز نیز هست.

به حضرت گفته شد ای فرزند رسول خدا تا کی (چنین است و باید تقیه کرد)؟ حضرت فرمود تا روز وقت معلوم و آن روز روز خروج قائم ما اهل بیت است...^۲

البته باید توجه داشت که برخی روایات ناظر به کشته شدن شیطان در دوران رجعت به دست پیامبر صلی الله علیه و آله است. (روز وقت معلوم) روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله شیطان را بر صخره‌ای که در بیت المقدس است سر می‌برد.^۳

۱- يَذِيحُ الْمَهْدِي ابْلِيسَ وَيَمُوتُ كُلُّ شَيْطَانٍ ثُمَّ تَلَا: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (روایت ۷۳)

۲- فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى قَالَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ... (روایت ۶۸)

۳- قَالَ يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ- يَوْمٌ يَذْبَحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى الصَّخْرَةِ الَّتِي فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ. (روایت ۶۹)

یکی از احتمالات در جمع میان این روایت با روایات پیشین، این است که شیطان نیز رجعت دارد و کشته شدن او به دست پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از رجعت او باشد. این احتمال شواهد روایی نیز دارد.

برخی دیگر از روایات ناظر به مرگ شیطان پیش از قیامت است. روز وقت معلوم روزی است که نفخه نخست در صور (اسرافیل) دمیده می شود پس ابلیس میان نفخه اول و دوم می میرد...^۱ این روایت نیز ممکن است ناظر به مرگ روح ابلیس باشد. چرا که پیش از قیامت علاوه بر مرگ ابدان (خروج روح از بدنها) ارواح نیز می میرند.

در هر صورت مهم این است که در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، با نابودی شیطان یا محدودیت او، ریشه بسیاری از فسادها خشک شده و ناامنی ها برچیده خواهد شد.

۱- قَالَ وَ يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ يَوْمٌ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ فَيَمُوتُ إِبْلِيسُ مَا بَيْنَ النَّفْخَةِ الْأُولَى وَ الثَّانِيَةِ... (روایت ۷۰)

اصول اولیه دوران ظهور و اوج شکوفایی

با پاکسازی همه عوامل مخرب، خواه ناخواه امنیت فراگیر و گسترده تحقق می‌یابد.

پیداست که با صرف مرتفع ساختن موانع کمال، بستر شکوفایی زمین و زمینیان آماده می‌شود.

در دوران ظهور شاهد تحقق همه عوامل رشد و کمال هستیم آن چنان که اوج زیبایی زمین و زمینیان جلوه‌گر می‌شود.

در این مجال با زیبایی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام آشنا می‌شویم.

پیش از آغاز این بخش، توجه به این نکته بسیار شایسته و بایسته است که ویژگی‌های دوران ظهور، آن چنان شگفت است که ممکن است مورد انکار خُردهای خُرد قرار گیرد.

ناگفته پیداست که درک مطالب پیچیده، متکی بر اصول اولیه متناسب با آن است. این امر یک قانون عقلی بنیادین و فراگیر در همه

رشته‌های علوم است.^۱

مثلا حل کردن برخی از معادلات ریاضی، بدون در نظر گرفتن عملیات جمع و تفریق، افسانه می‌نمایاند. معارف و حیانی نیز از این قانون عقلی مستثنا نیست. لذا با درنگ بر اصول اولیه دین، ساختار دین نیز برهانی می‌گردد.

۱- اصول اولیه دارای ثبات و ارزش و اعتبار هستند، و خود به خود (مانند بدیهیات) و یا با استدلال (البته در مجال خودش) متصف به درستی می‌گردند؛ بر خلاف اصول موضوعه که خود به خود متصف به درستی و نادرستی نیستند، مانند تعریف خط و نقطه در هندسه، و عدد در ریاضیات و....

برخی از اصول اولیه دین عبارتند از: ۱- خداوند حقیقتی است واقعی و نه ساخته‌ی اندیشه‌ی بشر؛ ۲- و بی‌نیاز مطلق است و احتیاجی به چیزی ندارد؛ ۳- هرگز گرد جهل و نادانی بر دامن کبریايش ننشیند؛ ۴- ظلم، بیهودگی و بازیچه‌گری در او راه ندارد؛ ۵- هدف او از آفرینش، سود ماست و نه سود خود او؛ ۶- دین برنامه‌ای مدوّن برای رساندن بشر به آن هدف مقدس است؛ ۷- در دوران کنونی، این برنامه‌ی مدوّن منحصر به اسلام است؛ ۸- اسلام حقیقی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ و توسط اهل بیت علیهم السلام تفسیر و توسط امام زمان علیه السلام اجراء می‌شود؛ و ۹-...

به عنوان نمونه توصیفی که قرآن از جهان به شکل عمومی و از قبر، قیامت، بهشت، دوزخ و... آورده، کاملاً متکی بر اصول موضوعه است. اگر اساس و بنیادهای عقلانی دین درک شود، تکذیب و ویژگی‌های دوران ظهور نیز، نه با خرد سازگار است و نه با دین. لذا هیچ جایی برای انکار امور یاد شده باقی نمی‌ماند.

البته و صد البته باید توجه داشت که اصول اولیه بایسته است که در جای خودش اثبات و برهانی شود که قطعاً انجام شده است.

اوج پربری آسمان

از مهم‌ترین شاخصه‌های آبادانی، بارندگی است.

در دوران ظهور امام زمان علیه السلام آسمان، اوج باروری را خواهد داشت.

روزی که قائم ما قیام کند آسمان باران (رحمت) ببارد...^۱
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آسمان چیزی از بارانش را ذخیره نمی‌کند، مگر اینکه خداوند عز و جل آن را فراوان بر مردم

۱- وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطَرَهَا... (روایت ۱۴)

فرو ریزد...^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آسمان بارانش را عطا
کند...^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آسمان برکتش را فرو
ریزد...^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آسمان بر مردم فراوان
بیارد...^۴

روشن است با برکات آسمان، برکات فراوان دیگری هم جاری
می شود که در ادامه با بعضی از آنها آشنا می شویم.

جریان رودها و جوشش چشمه ها

از برکات و آثار بارش فراوان باران، جاری شدن رودها و جوشش

۱- لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَالسَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا
شَيْئاً إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً... (روایت ۶)

۲- تُعْطِي السَّمَاءُ قَطْرَهَا... (روایت ۷)

۳- وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَتُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا... (روایت ۱۳)

لَا نَزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَلَا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... (روایت ۱۴)

۴- يُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً... (روایت ۱۱)

چشمه هاست.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) رودها به جریان می افتد

و چشمه ها می جوشد^۱

جریان رودها و جوشش چشمه هاست که آبادانی را در سرتاسر زمین به ارمغان آورد.

اوج باروری گیاهان

یکی از شاخصه های آبادانی، سرسبزی و حاصلخیزی زمین است. پیداست که با اوج باروری آسمان، زمین هم سرسبز و حاصلخیز گردد. اما علاوه بر آن، در دوران ظهور امام زمان علیه السلام قابلیت باروری زمین نیز به اوج خود می رسد.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین گیاهش را (برویاند

و) خارج سازد.^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین چیزی از گیاهش را

۱- و تَمَدُ الْأَنْهَارِ، وَ تَفِيضُ الْعَيُونِ... (روایت ۱۷)

۲- وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا (روایت ۱۳)

وَلَا تُخْرِجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا (روایت ۱۴)

دریغ نکند^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین چیزی از گیاهش را فروگذار نکند مگر آن که برویاند^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین چیزی از محصول بذرش را ذخیره نمی‌کند، مگر این که تمام محصول آن را خارج سازد (و هر بذری به تمام و کمال حاصل می‌دهد)^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین تمام محصولش را (به مردم) می‌دهد و چیزی از آن را برای خود ذخیره نمی‌کند^۴
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین محصولش را دو برابر می‌رویاند^۵

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) درخت میوه‌اش را و زمین

۱- وَلَا تَذْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا... (روایت ۱)

۲- وَلَا تَذْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ (روایت ۴۱)

۳- لَا تَذْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً (روایت ۶)

۴- يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَلَا تَذْخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً (روایت ۱۰)

۵- وَ تُنْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا (روایت ۱۷)

گیاهش را به مردم می‌دهد...^۱

و علاوه بر آن:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) قطعاً برکت از آسمان به سوی زمین فرود می‌آید، آن چنان که درخت به خاطر فراوانی میوه‌ای که خداوند در آن قرار داده (شاخه‌هایش از سنگینی) می‌شکند و قطعاً میوه زمستانی را در تابستان می‌خورید و میوه تابستانی را در زمستان و این (دوران، مصداق) این گفته خدای عز و جل است که: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.^۲

۱- وَ الشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... (روایت ۷)

۲- لَيُنْزِلَنَّ الْبَرَكَةُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتُقْصَفُ بِمَا يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَ لَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشِّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةَ الصَّيْفِ فِي الشِّتَاءِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (روایت ۳۹)

زیبایی زمین

پیداست که بارش باران و جریان رودها و جوشش چشمه‌ها، زمین را آن چنان سرسبز می‌کند که جز بر سبزه پا گذاشته نمی‌شود. اما این تمام مسئله نیست. بلکه هر نازیبایی از زمین رخت بر می‌بندد. از جمله:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین و درخت خار نروپاند و گیاهان (از طراوت و شادابی پیوسته) ایستاده بمانند...^۱ با حذف نازیبایی‌ها، آراستگی زمین جلوه‌گر می‌گردد.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین از آبادانی و سرسبزی همچون تشت نقره (درخشان و زیبا) شود، گیاهش را همچون زمانی که آدم علیه السلام (پا بر آن گذاشت) برویاند...^۲ (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین خود را برای اهل زمین بیاراید^۳

۱- وَلَا تَشُوكُ الْأَرْضُ وَالشَّجَرُ وَتَبْقَى زُرُوعُ الْأَرْضِ قَائِمَةً، كُلَّمَا أُخِذَ مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتَ مِنْ وَقْتِهِ، وَعَادَ كَحَالِهِ (روایت ۴)

۲- وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاثُورِ الْفَضَّةِ تَنْبِتُ نَبَاتَهَا كَمَا كَانَتْ عَلَى عَهْدِ آدَمَ... (روایت ۱۲)

۳- وَالشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَتَنْزِينُ لِأَهْلِهَا (روایت ۷)

باران طلا از آسمان

یکی از شاخصه‌های مهم توسعه رفاه و آبادانی، ثروت است. اینک ببینیم ثروت در زمان ظهور امام زمان علیه السلام چگونه است.

سپس مهدی به کوفه باز می‌گردد و قطعاتی از طلا به شکل ملخ از آسمان می‌بارد همچنان که در بنی اسرائیل بر ایوب (پیامبر ملخ طلایی بارید)^۱

آشکار شدن گنج‌ها از دل زمین

یکی از منابع مهم ثروت، دستیابی به گنج‌هاست. چون قائم ما قیام کند... زمین گنج‌های خود را آشکار سازد آن چنان که مردم در روی زمین گنج‌ها را ببینند...^۲ (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین گنج‌هایش را برایشان

۱- ثُمَّ يَعُودُ الْمَهْدِيُّ عِ إِلَى الْكُوفَةِ وَ تُمْطَرُ السَّمَاءُ بِهَا جَرَاداً مِنْ ذَهَبٍ
كَمَا أَمْطَرَهُ اللَّهُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى أَيُّوبَ (روایت ۲)

۲- وَ تَنْظُرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا... (روایت ۱)

بیرون می‌کند.^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) گنجها برای آن حضرت

آشکار می‌شود^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) خداوند گنجهای زمین را

برای مؤمنین آشکار می‌کند^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین گنجهایش را آشکار

سازد.^۴

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین گنجهایش را آن

چنان آشکار می‌کند که مردم آنها را بر روی زمین مشاهده

می‌کنند.^۵

۱- تُخْرِجُ لَهُمُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا... (روایت ۷)

و تُخْرِجُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا (روایت ۳۰)

۲- وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ... (روایت ۱۳)

۳- وَ يَظْهَرُ اللَّهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ لِلْمُؤْمِنِينَ (روایت ۲۳)

۴- فَحِينَئِذٍ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا... (روایت ۲۰)

۵- وَ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا (روایت ۱)

آشکار شدن تمام ثروت زمین

یکی از منابع مهم ثروت دسترسی به معادن زمین است.
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) خداوند عزوجل گنج ها
و معادن زمین را برای آن حضرت آشکار می گرداند...^۱
برخی از روایات به شکل عام از دسترسی به تمامی ثروتهای زمین
پرده برداشته است.
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام تمامی) اموال دنیا از درون
و برون زمین نزد آن حضرت جمع می شود...^۲

اوج صلح و سازش تمامی موجودات

پیش از این گذشت:

-
- ۱- وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا... (روایت ۲۲)
 - ۲- وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهَرِهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ (روایت ۱۵)
 - وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلُّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهَرِهَا فَيَقَالُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ (روایت ۱۶)

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) درندگان و چرندگان با هم
در صلح و صفا زندگی کنند...^۱

(در زمان ظهور آن چنان امنیت و آرامش حاکم گردد که) حیوانات
وحشی و درندگان (در کنار یکدیگر در آسایش) می چرند و زندگی
می کنند و کودکان با آنها بازی نمایند.^۲

اما آن چه بسیار جالب است تعبیر برادری مهربانانه میان دشمنان
دیرینه است.

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) انسان و درندگان و پرندگان
و مارها و بقیه جنبندگان در یک مکان اجتماع می کنند، بدون
این که بعضی از بعضی دیگر وحشت کنند، بلکه این حیوانات،
مونس انسان خواهند بود و با او سخن می گویند و گرگ و گوسفند
از یک آبشخور آب می خورند و آن گونه که دو برادر ایمانی از

۱- وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ
الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعُ
وَلَا تَخَافُهُ... (روایت ۱۴)

۲- حَتَّى تَرعى الْوَحُوشُ وَ السَّبَاعُ وَ تَلْعَبُ بِهِمُ الصَّبِيَانُ... (روایت

آبخورشان (با همدیگر و به مهربانی) برمی گردند...^۱
(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) گوسفند و گری و گاو و
شیر و انسان و مار در امان باشند...^۲
پس زمین را از عدل پر می کند آن گونه که پیش از این از جور پر
شده است، آن چنان که حیوانات وحشی و درندگان (در کنار
یکدیگر در آسایش) می چرند و زندگی می کنند و کودکان با آنها
بازی می کنند...^۳

تسویه همه دیون و رد مظالم عباد

یکی از برکات جالب دوران ظهور امام زمان علیه السلام، تسویه امور

۱- وَ يَجْتَمِعُ الْإِنْسَانُ وَالسَّبُعُ وَالطَّيْرُ وَالْحَيَّةُ وَ سَائِرُ مَنْ يَدِبُّ فِي
بُقْعَةٍ وَاحِدَةٍ فَلَا يُوحِشُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بَلْ يُؤْنِسُهُ وَ نُحَادِثُهُ وَ يَشْرَبُ
الدَّبُّبُ وَ الشَّاةُ مِنْ مَوْدٍ وَاحِدٍ وَ يَصْدُرَانِ كَمَا يَصْدُرُ الرَّجُلَانِ الْمُتَوَاحِيَانِ
فِي اللَّهِ مِنْ وَرْدِهِمْ... (روایت ۳۰)

۲- حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَ الدَّبُّبُ وَ الْبَقَرَةُ وَ الْأَسَدُ وَ الْإِنْسَانُ وَ الْحَيَّةُ
(روایت ۳۴)

۳- فِيمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا حَتَّى تَرعى الْوَحُوشُ وَ السَّبَاعُ
وَ تَلْعَبُ بِهِمُ الصَّبِيَانِ... (روایت ۲۳)

مالی است. جالب تر این که این امر نخستین کاری است که امام زمان انجام می دهد.
توجه کنید:

مفضل پرسید ای آقای من اگر کسی از شیعیان شما بمیرد و به برادران شیعه اش یا مخالفینش بدهکار باشد چه می شود؟ امام صادق علیه السلام فرمود نخستین کاری که مهدی آغاز می کند این است که در همه جهان اعلام عمومی می شود (ای مردم) آگاه باشید که هر کس طلبی از شیعه ای دارد باید اعلام کند. (سپس طلبکاران به آن حضرت مراجعه می کنند و حضرت طلب آنان را پرداخت می کند) حتی اگر طلب (آن اندازه کم ارزش باشد که به مانند) سیر یا خردل باشد به صاحبش رد می شود، چه برسد به کیسه های بزرگ پر از طلا و املاک (بزرگ، هر چه باشد) حضرت آن را پرداخت خواهد کرد.^۱

۱- ثُمَّ يَعُودُ الْمَهْدِيُّ عَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ تُمْطَرُ السَّمَاءُ بِهَا جَرَاداً مِنْ ذَهَبٍ كَمَا أَمْطَرَهُ اللَّهُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى أَيُّوبَ وَ يَفْسِمُ عَلَى أَصْحَابِهِ كُنُوزَ الْأَرْضِ مِنْ تِبْرِهَا وَ لُجَيْنِهَا وَ جَوْهَرِهَا قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا مَوْلَايَ مَنْ مَاتَ مِنْ شِيعَتِكُمْ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ لِإِخْوَانِهِ وَ لِأَصْدَادِهِ كَيْفَ يَكُونُ قَالَ الصَّادِقُ ع أَوَّلُ

للهم

قائم علیه السلام رو به کوفه آورد، و منزلش در کوفه باشد و هیچ غلام مسلمانی را رها نمی‌کند مگر این که آن را بخرد و آزاد کند و هیچ مقروضی را رها نمی‌کند مگر این که قرضش را اداء نماید و هیچ مظلومه‌ای از احدی از مردم را رها نمی‌کند مگر این که آن را به صاحبش برگرداند و بنده‌ای از مردم را نمی‌کشد مگر این که دیه او را به اهلش بدهد و کسی کشته نمی‌شود مگر این که قرضش را اداء نماید و خانواده‌اش را در فهرست عطای (بیت المال) جا دهد، تا این که زمین پراز قسط و عدل گردد، بدان سان که پیش از آن پراز ظلم و جور و عدوان شده بود.^۱

مَا يَبْتَدِئُ الْمَهْدِيُّ عَ أَنْ يُنَادِيَ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ أَلَا مَنْ لَهُ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا دَيْنٌ فَلْيَذْكُرْهُ حَتَّى يَرُدَّ الثُّمَةَ وَ الْخَزْدَلَةَ فَضْلاً عَنِ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْأَمْلاكِ فَيُؤْفِقِيهِ إِيَّاهُ (روایت ۲)

۱- ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا فَلَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَ أَعْتَقَهُ وَ لَا غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ وَ لَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا وَ لَا يَقْتُلُ مِنْهُمْ عَبْدًا إِلَّا أَدَّى ثَمَنَهُ دِيَّةً مُسَلَّمَةً إِلَى أَهْلِهِ وَ لَا يَقْتُلُ قَتِيلًا إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَ أَلْحَقَ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ عُذْوَانًا. (روایت ۳۳)

تقسیمی مضاعف

دو نمونه‌ی دیگر از تقسیمی و توزیع ثروت در دوران ظهور امام زمان علیه السلام:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مردی از ما اهل بیت در هر سال دوبار عطاء می‌دهد و هر ماه دوبار سهمیه روزی می‌دهد^۱
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت در سال دو مرتبه به مردم عطا خواهد کرد و در ماه دو بار روزی آنها را خواهد داد^۲

سخاوت بی‌پایان

باروری ثروت در درجه نخست به منابع ثروت بستگی دارد. در مطالب پیشین به برخی از منابع ثروت در زمان ظهور امام زمان علیه السلام اشاره کردیم.
در باروری ثروت علاوه بر منابع ثروت، توزیع ثروت نیز بر آن تأثیر می‌گذارد.

۱- فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ وَيَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ... (روایت

۲- وَ عَنْهُ عَ إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ... وَيُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ (روایت ۱۶)

از ویژگی‌هایی که در دوران ظهور امام زمان علیه السلام که به بیانهای گوناگون بر آن تأکید بسیار شده، توزیع ثروت عادلانه است، اما تقسیمی بدون حد و مرز.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت گنجهای طلا و نقره و جواهر زمین را، بر اصحابش تقسیم می‌کند...^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت در میان مردم با حقوق برابر رفتار خواهد کرد (و مردم بدان پایه از توانگری می‌رسند) که نیازمند زکات نمی‌یابی...^۲

آن زمان که قائم ما اهل بیت قیام نماید، (بیت المال را) به تساوی قسمت کند و در میان رعیت عدالت ورزد...^۳

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت اموال را «صحاح» (درست) تقسیم می‌کند. از حضرت پرسیده شد تقسیم «صحاح» (درست) چیست؟ فرمود:

۱- وَ يُقْسِمُ عَلَى أَصْحَابِهِ كُنُوزَ الْأَرْضِ مِنْ تِبْرِهَا وَ لُجَيْنِهَا وَ جَوْهَرِهَا

(روایت ۲)

۲- وَ يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجاً إِلَى الرِّكَاءِ... (روایت ۱۶)

۳- إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرِّعِيَّةِ... (روایت

فرمود به تساوی میان مردم تقسیم می‌کند.^۱

این توضیح لازم است که تقسیم درست دارائی میان مردم، تقسیم بر اساس حقوق برابر است. اما این امر الزاما به معنی تساوی عددی در همه حالات نیست. چرا که اساس، بر تقسیم درست و عادلانه است و تقسیم با حقوق برابر از مصادیق تقسیم درست است.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت گنجهای زمین را

از طلا و نقره و جواهر، بر اصحابش تقسیم می‌کند.^۲

نمونه‌ای دیگر از توزیع ثروت در دوران ظهور امام زمان علیه السلام:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مردی به سوی حضرت

می‌آید و می‌گوید ای مهدی عطا کن، حضرت آن چنان (اموال را)

برایش در دامانش می‌پاشد که نمی‌تواند آن را حمل کند.^۳

دارائی و ثروت در (دوران ظهور امام زمان علیه السلام آن چنان

۱- يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحاً فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحَاحاً قَالَ بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ

النَّاسِ (روایت ۵)

۲- وَيَقْسِمُ عَلَى أَصْحَابِهِ كُنُوزَ الْأَرْضِ مِنْ تِبْرِهَا وَلَجَيْنِهَا وَجَوْهَرِهَا

(روایت ۲)

۳- فَيَجِيءُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيَّ اعْطِنِي قَالَ فَيَحْثِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ

مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ. (روایت ۹)

فراوان است که) روی هم انباشته و خرمن شده است (آن چنان که) مردی برمی خیزد و می گوید ای مهدی عطا نما، حضرت می فرماید (خود هر چه می خواهی) بردار.^۱

هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند... به مردم بخششی می کند که هیچ کس پیش از آن چنین بخششی نکرده است...^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) تمام اموال دنیا از دل زمین و روی زمین، نزد او جمع می شود، پس به مردم می گوید بیاوید به سوی آن چه (مالی که به خاطر آن) قطع رحم می کردید و خون حرام می ریختید و آن چه خداوند عز و جل حرام کرده بود مرتکب می شدید، پس بخششی می کند که هیچ کس پیش از او نبخشیده بود...^۳

۱- الْمَالُ يَوْمَئِذٍ كُدُوسٌ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيَّ أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ. (روایت ۱۰)

۲- فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ. (روایت ۱۶)

۳- وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهَرِهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ (روایت ۱۵)

نعمت بی سابقه

فراوانی و سرشاری ثروت در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، بدان پایه است که تا آن دوران سابقه نداشته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله: امت من در دوران مهدی آن چنان غرق نعمت می‌شوند که چنین نعمتی هرگز سابقه نداشته است^۱
پیامبر صلی الله علیه و آله: در دوران امام زمان، امت من آن چنان نعمت می‌یابند که هرگز پیش از آن کسی از خوبان و بدان، این چنین متنعم نشده است.^۲

نابودی فقر

نتیجه فراوانی منابع ثروت و توزیع عادلانه و کریمانه آن در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، ثروتمندی و بی‌نیازی همگان است و در یک کلمه فقر نابود می‌گردد.

چون قائم ما قیام کند... مردی از شما به دنبال کسی می‌گردد تا با مال خود به او احسان کند و او زکاتش را بپذیرد، اما هیچ کس

۱- يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ (روایت ۱۰)

۲- يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ

(روایت ۱۱)

را نیابد که آن را از او بپذیرد، مردم به واسطه آنچه خداوند از فضلش به آن‌ها روزی کرده بی‌نیاز شوند^۱

هنگامی که قائم ظهور کند... (مردم بدان پایه از توانگری می‌رسند) که نیازمند زکات، نمی‌یابی و زکات داران زکاتشان را نزد شیعیان (به ظاهر) نیازمند می‌آورند ولی (آنان به خاطر بی‌نیازی) نمی‌پذیرند، پس مال زکات را در کیسه می‌کنند و میان خانه‌های مردم می‌چرخانند و به آنان عرضه می‌کنند، اما آنان می‌گویند نیازی به اموال شما نداریم^۲

به قدرت الهی (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) تمامی مؤمنان بی‌نیاز می‌شوند^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام هیچ) مردی از شما جایی برای صدقه دادن و احسان پیدا نمی‌کند زیرا توانگری همه مؤمنان

-
- ۱- وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتُهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (روایت ۱)
- ۲- حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ وَ يَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرُوْنَهَا وَ يَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ (روایت ۱۶)
- ۳- وَ يَسْتَغْنِي كُلُّ مُؤْمِنٍ فَقِيرٍ بِقُدْرَةِ اللَّهِ (روایت ۲۳)

را فرا گرفته است^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام از زیادی ثروتمندی مردم)

صدقه ترک می شود^۲

امام صادق علیه السلام: با یکدیگر صله رحم کنید و به همدیگر نیکوکاری و مهربانی نمایید پس سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید البته که زمانی بر شما خواهد آمد که هیچ کدام از شما موردی برای درهم و دینارش پیدا نمی کند. به دلیل این که همه مردمان به فضل خدا و فضل ولی خدا بی نیاز شده اند^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مال آن چنان

۱- فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَوْضِعِهِ وَلَا لِبَرٍّ لَشُمُولٍ

الْغَنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ (روایت ۲۰)

۲- يترك الصدقة (روایت ۱۲)

۳- تَوَاصَلُوا وَتَبَارَّوْا وَتَرَاحَمُوا فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَدِرْهَمِهِ مَوْضِعًا يَغْنِي لَا يَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ مَوْضِعًا يَصْرِفُهُ فِيهِ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعًا بِفَضْلِ اللَّهِ وَفَضْلِ وَلِيِّهِ (روایت ۲۴)

می جوشد تا این که کسی مال را (از کس دیگر) نمی پذیرد.^۱

نظام حمایتی ویژه

یکی از ویژگی های جالب دوران ظهور حمایت از کسانی است که سرپرست خود را از دست داده اند.

کسی کشته نمی شود مگر این که قرضش را اداء نماید و خانواده اش را در فهرست عطای (بیت المال) جا دهد...^۲

رودهای شگفت انگیز

رودخانه های دوران ظهور همچون رودخانه های بهشت شگفت انگیز است.

رودهای زمین با آب و شیر و عسل و شراب جریان پیدا می کند،
(نوشیدن آنها نهایت لذت را دارد) بدون این که هلاک و فساد

۱- فَيَفِيضُ الْمَالُ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ (روایت ۷۴)

۲- لَا يُقْتَلُ قَتِيلٌ إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنُهُ وَ أَلْحَقَ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ....

(روایت ۳۳)

(مانند مستی و... در آن) باشد...^۱

تغذیه شگفت انگیز

یکی از شگفتی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام، کیفیت تغذیه در آن زمان است.

در روایات به گوشه‌ای از این مسئله این چنین اشاره رفته است:

هنگامی که قائم ما قیام کند مؤمن پرنده‌ای را در آسمان (می‌بیند و به خوردن آن میل پیدا می‌کند) فرو می‌خواند که پرنده فرود آید، (بعد از فرود) آن را ذبح می‌کند و بریان می‌کند و گوشتش را می‌خورد و لکن استخوانش را نمی‌شکند، سپس بدان می‌گوید به اذن خدا زنده شو. او زنده می‌شود و پرواز می‌کند و همچنین آهو (نیز چنین است به محض اشتهای مؤمن، نزد او آمده و پس از ذبح و بریان شدن و خوردن، دوباره زنده شده و به بیابان می‌رود).^۲

۱- فَإِذَا صَفَتْ جَرَتْ أَنْهَارُهَا بِالْمَاءِ وَاللَّبَنِ وَالْعَسَلِ وَالْخَمْرِ بَغِيرِ بَلَاءٍ وَلَا غَائِلَةٍ (روایت ۳۰)

۲- اسْتَنْزَلَ الْمُؤْمِنُ الطَّيْرَ مِنَ الْهَوَاءِ، فَيَذْبَحُهَا، فَيَشْوِيهَا، وَيَأْكُلُ لَحْمَهَا، وَلَا يَكْسِرُ عَظْمَهَا، ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: أَحْيِ بِإِذْنِ اللَّهِ. فَيَحْيَا وَيَطِيرُ؛ وَكَذَلِكَ الطَّبَّاءُ مِنَ الصَّحَّارِ (روایت ۴)

پیش از این گذشت:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین از آبادانی و سرسبزی همچون تشت نقره (درخشان و زیبا) شود، گیاهش را همچون زمانی که آدم علیه السلام (پا بر آن گذاشت) برویاند (و آن چنان باروری آن فراوان شود که) حتی اگر گروهی با همدیگر بر (خوردن) یک خیار و (یا) یک انار اجتماع کنند، همگی سیر شوند.^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) یک دانه گندم آن چنان رشد می‌کند که به اندازه بار یک شتر می‌گردد...^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین و درخت خار نرویاند و گیاهان (از طراوت و شادابی پیوسته) برافراشته بمانند و هر چه از آنها گرفته شود (و مصرف گردد) بلافاصله جایش بروید و به حال اولش بازگردد.^۳

۱- وَ تَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاثُورِ الْفَضَّةِ تَنْبِتُ نَبَاتَهَا كَمَا كَانَتْ عَلَى عَهْدِ آدَمَ، يَجْتَمِعُ النَّفَرُ عَلَى الْقَتَاةِ فَتَشْبَعُهُمْ، وَ يَجْتَمِعُ النَّفَرُ عَلَى الزَّمَانَةِ فَتَشْبَعُهُمْ (روایت ۱۲)

۲- وَ تَعْظُمُ الْبُرَّةُ حَتَّى تَصِيرَ حِمْلَ بَعِيرٍ (روایت ۳۰)

۳- وَلَا تَشْوُكُ الْأَرْضُ وَالشَّجَرُ، وَ تَبْقَى زُرُوعُ الْأَرْضِ قَائِمَةً، كُلَّمَا أُخِذَ مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتَ مِنْ وَقْتِهِ، وَ عَادَ كَحَالِهِ (روایت ۴)

پوشاک شگفت انگیز

یکی از شگفتی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام، کیفیت پوشاک در آن زمان است.

در روایات به گوشه‌ای از این مسئله این چنین اشاره رفته است:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) شخص لباسی که می‌پوشد هر اندازه که قدش بلند شود، لباس نیز بلند گردد و هر رنگی که بخواهد لباسش به آن رنگ درآید.^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) و به راستی که مرد لباسی بر فرزندش می‌پوشاند پس هر چه فرزندش بزرگ شود لباس نیز بر تن او بزرگ می‌گردد و به هر رنگی که دوست داشته باشد و بخواهد در می‌آید.^۲

یکی از ویژگی‌های شگفت این است که لباس هیچ گاه چرک و کثیف نمی‌شود.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مؤمن از... شستن

۱- يَكْسُوهُ التَّوْبُ فَيَطُولُ عَلَيْهِ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيَّ لَوْنٍ شَاءَ...

(روایت ۳)

۲- وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْسُو ابْنَهُ التَّوْبَ فَيَطُولُ مَعَهُ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيَّ لَوْنٍ أَحَبَّ وَ شَاءَ... (روایت ۴)

لباسهایش... بی نیاز می گردد...^۱

شهرسازی سالم

بشر موجودی اجتماعی است. لازمه اجتماعی بودن زندگی کردن در کنار یکدیگر است. این چنین است که شهرها به وجود می آید. مدیریت شهری بسیار پیچیده، گسترده و متنوع است. بزرگترین و سالمترین اجتماع بشری نیز در دوران ظهور رقم می خورد. بنا بر این مدیریت شهری در دوران ظهور هم خود داستان مفصلی دارد.

گوشه‌ی بسیار کوچکی از مدیریت شهری در دوران ظهور را ببینید: هنگامی که قائم قیام کند... هیچ مسجدی که دارای سازه مشرف و برجسته باشد را در زمین باقی نگذارد مگر این که (بخش مشرف و مرتفع را خراب کرده و آن را) صاف نماید و راه اصلی را توسعه دهد و تمامی پیش آمدگی‌های ساختمانها را که از فضای راه استفاده کرده، از بین می برد و تمام مجاری فاضلاب و آب باران

۱- وَ يَسْتَعْنِي الْمُؤْمِنُ عَنْ قَصِّ شَعْرِهِ وَ تَقْلِيمِ أَظْفَارِهِ وَ غَسْلِ أَثْوَابِهِ وَ عَنْ حَمَامٍ... (روایت ۳۰)

که به خیابان باز شده تخریب می‌کند^۱

عمران و رفاه

در دوران ظهور علاوه بر مدیریت شهری درست و شهرسازی سالم،
عمران و رفاه نیز به اوج خود می‌رسد.

سپس مهدی علیه السلام فرمان می‌دهد کسی از پشت کربلا
نهری را تا نجف حفر نماید، تا آب به نجف برسد و در دو طرف
آن پل‌ها و آسیاب‌هایی بسازند. پس گویا پیری را می‌بینم که بر
سرش ظرفی گذاشته که در آن گندم است پس این آسیابها بدون
هیچ اجرتی آن را برایش آرد می‌کنند.^۲

۱- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَلَمْ يَبْقَ
مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شُرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمَاءَ وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ
الْأَعْظَمَ وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ وَأَبْطَلَ الْكُنْفَ وَالْمَيَازِيبَ
إِلَى الطُّرُقَاتِ ... (روایت ۱۸)

۲) ثُمَّ يَأْمُرُ مَنْ يَخْفِزُ مِنْ ظَهْرِ مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَهْرًا يَجْرِي إِلَى الْغُرَيْنِ حَتَّى يَنْزِلَ
الْمَاءُ فِي النَّجَفِ وَيَعْمَلُ عَلَى فَوْهِتِهِ الْقَنَاطِيرُ وَالْأَرْحَاءُ فَكَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا
مُكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ تَأْتِي تِلْكَ الْأَرْحَاءُ فَتَطْحَنُهُ بِلَا كِرَاءٍ. (روایت ۷۱)

مدیریت ازدحام جمعیت

یکی از ویژگی‌های دوران امام زمان مدیریت تراکم جمعیتی است. به یکی از موارد مدیریت ازدحام توجه کنید:

نخستین عدالتی که قائم علیه السلام آشکار می‌کند این است که منادی از جانب ایشان ندا می‌دهد کسی که حج مستحب دارد، مکان حجر الاسود و طواف را به کسی که حج واجب دارد واگذار کند.^۱

پیداست که این آغاز عدالت است و این عدالت همچنان در مدیریت جمعیت و سایر حوزه‌ها ادامه پیدا خواهد کرد آن چنان که تمامی زمین از عدالت پر گردد.

آزادی بردگان

در دوران ظهور امام زمان علیه السلام پرونده بردگی کاملاً مختومه می‌گردد.

توضیح این که بردگی، حاصل اسیر گرفتن در جنگ‌هاست، پیداست که با لبالب شدن عدالت و فراگیر شدن اسلام کامل، موردی

۱- أَوَّلُ مَا يُظْهَرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ - الْحَجَرُ الْأَسْوَدَ وَالطَّوَّافَ. (روایت ۳۲)

برای جنگ باقی نمی ماند. در نتیجه شاهد اسیر جدید نخواهیم بود. از آن جایی که اسلام همه جا را فرا می گیرد، با آزادی بردگان مسلمان پرونده اسارت اسرای حاصل از جنگهای پیشین نیز برای همیشه بسته می شود و دیگر اسیری وجود نخواهد داشت. سپس رو به کوفه آورد و منزلش در کوفه باشد و هیچ غلام مسلمانی را رها نمی کند مگر این که آن را بخرد و آزاد کند....^۱

اوج طول عمر (امید به زندگی)

ناگفته پیداست که شاخصه های دوران ظهور امام زمان علیه السلام که تا کنون به آن اشاره کردیم، تنها بخش کوچکی از واقعیت آن زمان است. اما همین اندازه برای ارایه ناقصی از ابعاد گسترده امنیت و باروری و طراوت و... کافی است. فضای یاد شده خود آثار متعدد و گسترده ای دارد و برکات فراوانی را به دنبال دارد. از جمله آنها عمر طولانی است. توجه کنید:

۱- ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا فَلَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَاعْتَقَهُ.... (روایت ۳۳)

مرد در زمان ظهور امام زمان علیه السلام هزار سال عمر می‌کند...^۱

اوج باروری نسل

یکی از شاخصه‌های مهم سلامت اجتماعی، تناسل و تولد است.
پیش از این گذشت:

آدمی در زمان ظهور امام زمان علیه السلام هزار سال عمر می‌کند
و در هر سالی پسری برایش متولد می‌شود...^۲
و علاوه بر آن چه گذشت:

در زمان سلطنت امام زمان علیه السلام انسان آن چنان عمر
طولانی کند که هزار پسر برای او متولد شود^۳
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مؤمن از دنیا نمی‌رود مگر

۱- وَ عَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ، يُوَلَّدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامٌ، لَا يُوَلَّدُ لَهُ جَارِيَةٌ (روایت ۳)

۲- وَ عَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ، يُوَلَّدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامٌ، لَا يُوَلَّدُ لَهُ جَارِيَةٌ (روایت ۳)

۳- وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ حَتَّى يُوَلَّدَ لَهُ أَلْفُ ذَكَرٍ لَا يُوَلَّدُ فِيهِمْ أُنْثَى (روایت ۱)

این که از نسلش هزار پسر مؤمن موحد با تقوا ببیند.^۱

بدن شگفت انگیز

در دوران ظهور، ویژگی‌های بدن نیز همانند بدن بهشتیان شگفت انگیز است و پیوسته تمیز و آراسته و پیراسته است. توجه کنید: (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مؤمن از کوتاه کردن مو و ناخن و شستن لباسهایش و حمام رفتن بی‌نیاز می‌شود...^۲

اوج شنوایی و بینایی

انسان توانایی‌های جسمی و روحی متنوعی دارد. از مهم‌ترین توانایی‌های جسمی، بینایی و شنوایی است. آن زمان که قائم ما قیام کند، خداوند چنان توانی به گوش‌ها و دیدگان آنان می‌دهد که میان آن‌ها و قائم علیه السلام پیام رسانی نخواهد بود، (چرا که در هر کجا که باشند مستقیماً) قائم علیه

-
- ۱- وَلَا يَخْرُجُ الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى مِنْ صُلْبِهِ أَلْفَ وَلَدٍ ذَكَرٍ مُؤْمِنٍ مُوَحَّدٍ تَقِيٍّ. (روایت ۳۰)
 - ۲- وَيَسْتَعْنِي الْمُؤْمِنُ عَنْ قَصِّ شَعْرِهِ وَتَقْلِيمِ أَظْفَارِهِ وَغَسْلِ أَثْوَابِهِ وَ عَنْ حَمَامٍ... (روایت ۳۰)

السلام با آن‌ها صحبت می‌کند و آنان هم صدای او را می‌شنوند و او را می‌بینند، انگار که آنجا هستند.^۱

به راستی که مؤمن در زمان قائم علیه السلام از مشرق (زمین) برادرش را که در مغرب است می‌بیند و همچنین مؤمنی که در مغرب است برادرش را که در مشرق است می‌بیند.^۲

اوج توانایی‌های جسمی

پیش از این از توانایی شگفت انگیز بینایی و شنوایی در دوران ظهور سخن به میان آمد.

اما توانایی‌های شگفت انگیز دوران ظهور منحصر به شنوایی و بینایی نیست.

آن زمان که قائم ما قیام نماید خداوند عزوجل... توانایی هر مردی

۱- إِنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ. (روایت ۴۲)

۲- سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ. (روایت ۴۳)

از شیعیان ما را به اندازه چهل مرد قرار می‌دهد.^۱
 شیعیان ما در دولت قائم علیه السلام بزرگان زمین و حاکمان آن
 هستند. به هر مردی از آنان نیروی چهل مرد عطا می‌شود.^۲

اوج شادمانی

در لابلای این نوشتار به بخشهای کوچکی از واقعیت دوران ظهور
 امام زمان علیه السلام اشاره کردیم.
 گفتیم همین اشارات کوتاه و ناقص کافی است تا روشن شود که
 برکات آن دوران بسیار فراوان تر از آن است که ما تصور کنیم.
 یکی از این برکات شادمانی است. چرا که امنیت همه جانبه و
 فراگیر از یک طرف، باروری و طراوت فراگیر هم از سوی دیگر دست به
 دست یکدیگر داده، مجالی برای غم و غصه باقی نمی‌ماند.
 همچنین گذشت که برکات دوران ظهور منحصر به زندگی انسانها
 نیست، بلکه شامل حیوانات هم می‌شود.
 شادمانی عصر او نیز فراگیر است و علاوه بر انسانها، حیوانات نیز

-
- ۱- إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبُهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا (روایت ۲۱)
 - ۲- يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا. (روایت ۴۴)

شادمان هستند.

توجه کنید:

در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام (شادمانی منحصر به انسانها نیست، بلکه) پرندگان در لانه‌هایشان و ماهی‌ها در دریا‌هایشان شادمان خواهند شد.^۱

پُر شدن قلبها از غنی

احساس فقر، غیر از فقر واقعی است. (همان گونه که احساس امنیت، غیر از امنیت واقعی است.)

اگر فقر و کمبودی هم واقعا وجود نداشته باشد، اما احساس فقر زندگی را بر آدمی تباه می‌سازد و مفاسد فراوانی به دنبال می‌آورد.

اما اگر احساس غنا باشد، علاوه بر آسایش فوق العاده، ریشه بسیاری از مفاسد نیز خشکانده خواهد شد.

از احساس غنا با تعبیرات مختلفی همچون قناعت یا غنای روحی

۱- فَعِنْدَ ذَلِكَ تُفْرِحُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَ الْحَيَّاتَانِ فِي بَحَارِهَا...

(روایت ۱۷)

در ریاض الابرار به جای تُفْرِحُ الطُّيُورُ...، تفرح الطيور... آمده است.

ترجمه متن نوشتار نیز بر اساس نسخه ریاض الابرار است.

و... یاد می‌شود.

یکی از ویژگی‌های دوران ظهور، احساس غنا و بی‌نیاز روحی است. حال اگر غنای روحی به ثروت واقعی هم ضمیمه شود، چه آسایشی را به دنبال خواهد داشت.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) خداوند دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدل مهدی علیه السلام همه مردم را فرامی‌گیرد تا جایی که مهدی علیه السلام فرمان می‌دهد منادی جار زند چه کسی به مالی نیاز دارد؟ حضرت در ادامه فرمود پس از میان مردم به جز یک نفر بر نمی‌خیزد و آن یک نفر می‌گوید من نیاز دارم پس به او گفته می‌شود نزد خزانه‌دار برو و به او بگو به راستی که مهدی به تو فرمان می‌دهد مالی به من بدهی. خزانه‌دار می‌گوید بگیر و مال را به او می‌دهد وقتی مال به دست آن فرد می‌رسد، پشیمان می‌شود و با خودش می‌گوید (آیا) از جهت نفسانی من حریص‌ترین فرد امت محمد بودم یا این که از آن چه به دیگران رسیده به من کمتر رسیده؟! سپس از پشیمانی مال را برمی‌گرداند، اما از او پس گرفته نمی‌شود و به او گفته می‌شود چیزی که بخشیدیم باز پس نمی‌گیریم.^۱

۱- وَ يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص غِنًى وَ يَسْعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ
 ﷺ

اوج توانایی‌های روحی

مهم‌تر از توانایی‌های جسمی، توانایی‌های روحی است. در دوران امام زمان علیه السلام توانایی روحی نیز شگفت است.

آن زمان که قائم ما قیام نماید خداوند عزوجل... دل‌های آن‌ها را (شیعیان) همچون قطعه‌های آهن محکم سازد...^۱

آن زمان که امر ما واقع شود و مهدی ما بیاید، هر مردی از شیعیان ما جسورتر از شیر و برنده‌تر از نیزه خواهد بود، با پایش، پا بر دشمن ما می‌گذارد و با دو دستش او را می‌زند. این امر هنگام فرود آمدن رحمت خداوند و گشایش او بر بندگان است.^۲

اما آن زمان که امر ظهور ما اتفاق افتد و مهدی ما خارج شود هر

مُنَادِيًا يَنْادِي يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ فَيَقُولُ أَنَا فَيَقُولُ أَنْتَ السَّدَّانُ يَعْنِي الْخَازِنَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَا لَا فَيَقُولُ لَهُ احْثُ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَأَبْرَزَهُ نَدِمَ فَيَقُولُ كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا أَعْجَزَ عَمَّا وَسِعَهُمْ فَيْرُدُّهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ فَيَقَالُ لَهُ إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ (روایت ۵)

۱- وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ (روایت ۲۱)

۲- فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ جَاءَ مَهْدِيُّنَا كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا أَجْرَى مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ يَطْلُ عُدُونَنَا بِرِجْلَيْهِ وَ يَضْرِبُهُ بِكَفَّيْهِ... (روایت ۷۵)

یک از شیعیان ما جسورتر از شیر و برنده‌تر از نیزه خواهد بود، با قدمش پا بر دشمن ما می‌گذارد و با دو دستش (بدون نیاز به اسلحه) او را می‌کشد.^۱

به راستی که خداوند ترس را از دلهای شیعیان ما کنده است و در دلهای دشمنان ما نشانده است. پس یکی از شیعیان ما برنده‌تر از نیزه و جسورتر از شیر است، دشمنش را با نیزه‌اش زخمی می‌کند و با شمشیرش می‌زند و با پایش لگد مال می‌کند.^۲

شکوفایی ایمان و اخلاق (اوج یک رنگی)

در دوران ظهور امام زمان علیه السلام دانش و خرد شکوفا و بارور می‌گردد و به اوج خود می‌رسد.

و در نتیجه آن، ایمان و اخلاق و سایر کمالات، تعالی یافته و به اوج

۱- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِيُّنَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرَى مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضَى مِنَ السِّنَانِ يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَ يَقْتُلُهُ بِكَفَّيْهِ. (روایت ۴۵)

۲- إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَ أَسْكَنَهُ قُلُوبَ أَعْدَائِنَا فَوَاحِدُهُمْ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ وَ أَجْرَى مِنْ لَيْثٍ يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمْحِهِ وَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَ يَدُوسُهُ بِقَدَمَيْهِ. (روایت ۵۲)

می‌رسد.

در این روایت یک نمونه از نقصان خرد و آثار آن بیان شده است:

امام باقر علیه السلام از یکی از اصحابش پرسید آیا (شما به این کمال رسیده‌اید که) یکی از شما نزد برادر (دینی‌اش) بیاید و دست در جیب او کرده و آن چه نیاز دارد بردارد و برادرش (اعتراضی نکند و) او را از این کار باز ندارد؟! به حضرت پاسخ دادم که من چنین چیزی را در میان خودمان نمی‌شناسم. حضرت فرمود پس اگر چنین است چیزی (از کمال در شما) نیست. به حضرت عرض کردم پس هلاکت و نابودی (نصیب ما) است. حضرت فرمود به راستی که مردم تا کنون (آن چنان که باید و شاید) خردهایشان عطا نشده است.^۱

اینک به این روایت درباره دوران ظهور توجه نمایید:

زید زراد می‌گوید به امام صادق عرض کردم می‌ترسیم که مؤمن نباشیم. حضرت فرمود چرا؟ گفتم به دلیل این که در میان خودمان

۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: أَيَّجِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيَدْخُلُ يَدُهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ فَقُلْتُ مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فِينَا قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ فَلَا شَيْءَ إِذَا قُلْتُ فَالْهَلَكَةُ إِذَا قَالَ إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَحْلَامَهُمْ بَعْدُ. (روایت ۵۱)

کسی را نمی‌یابیم که برادر (مؤمنش) نزد او عزیزتر از درهم و دینارش باشد. و می‌یابیم که دینار و درهم نزد ما مهم‌تر از برادری است که ولایت امیرالمؤمنین، ما و او را (در یک گروه) گرد آورده است. حضرت فرمود هرگز چنین نیست، واقعا شما مؤمن هستید و لکن ایمان شما کامل نشده است، تا این که قائم ما خروج کند در آن هنگام خداوند خردهای شما را کامل می‌سازد پس (در نتیجه) مؤمن کامل خواهید شد.^۱

مسلمانان چه در این روایات از آن به عنوان مؤمن کامل یاد شده، مصداق منحصر نیست. با باروری خردها در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، تمامی مظاهر ایمان و اخلاق بارور خواهد شد. با توجه به کمال عقل و کمال ایمان در دوران ظهور، شاهد اوج رفاقت و یک رنگی کامل هستیم.

۱- زَيْدُ الرَّزَادِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع نَحْشَى أَنْ لَا نَكُونَ مُؤْمِنِينَ قَالَ وَلَمْ ذَاكَ فَقُلْتُ وَ ذَلِكَ أَنَّا لَا نَجِدُ فِيْنَا مَنْ يَكُونُ أَخُوهُ عِنْدَهُ أَثَرٌ مِنْ دِرْهِمِهِ وَ دِينَارِهِ وَ نَجِدُ الدِّينَارَ وَ الدِّرْهَمَ أَثَرٌ عِنْدَنَا مِنْ أَخٍ قَدْ جَمَعَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ مَوْلَاهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ كَلَّا إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَ لَكِنْ لَا تَكْمِلُونَ إِيْمَانَكُمْ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَخْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ... (روایت ۴۷)

آن زمان که قائم قیام نماید (آنگاه) یک رنگی می‌آید، آن چنان که مردی دست در جیب برادرش می‌کند و به مقدار نیاز از آن بر می‌دارد و برادرش او را منع نمی‌کند.^۱

علم به تمام لغات

یکی از ویژگی‌های دوران ظهور، عالم شدن به همه لغات، حتی زبان حیوان است.

(در دوران امام زمان علیه السلام) معنی زبان هر صاحب سخنی از بشر و چهارپا و پرنده و گزنده و جنبده آشکار می‌شود و (سپس) همه زبانها نابود می‌شود و جز زبان عربی باقی نمی‌ماند...^۲

۱- حَتَّىٰ إِذْ قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَاَمَلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَىٰ كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ. (روایت ۴۶)

۲- وَيُنْفَصِحُ عَنْ كُلِّ ذِي نُطْقٍ مِنَ الْبَشَرِ وَ الدَّوَابِّ وَ الطَّيْرِ وَ الْهَوَامِّ وَ الدَّيِّبِ وَ تَفْقَدُ جَمِيعُ اللُّغَاتِ وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ بِإِفْصَاحِ لِسَانٍ وَاحِدٍ (روایت ۳۰)

اوج آگاهی

یکی از شاخصه‌های مهم دوران ظهور اوج آگاهی در زمینه‌های گوناگون است.

به دو نمونه از این آگاهی‌ها توجه کنید:

در دوران امام زمان حکمت به شما ارزانی می‌شود (و همه از آن بهره می‌برند آن چنان که) حتی زن در خانه‌اش مطابق کتاب خدای تعالی و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله حکم می‌کند.^۱ این چنین است که (در دوران امام زمان علیه السلام) خداوند به خاطر کرامت شیعیان، هدیه‌ای (آگاهی) به آنان می‌بخشد که چیزی در زمین و درون زمین از آنان پوشیده نخواهد بود. آن چنان که اگر مردی از آنان اراده کند بداند خانواده‌اش چه می‌کنند، خواهد دانست، و به خانواده‌اش اطلاع خواهد داد که نسبت به کارهای آنان آگاهی می‌یابد.^۲

۱- تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ

اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ ص (روایت ۸)

۲- ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لَيَهْبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً - لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْمَلُونَ (روایت ۳۹)

سرازیر شدن همه‌ی دانش‌ها

یکی از ویژگی‌های شگفت عصر ظهور که درک آن دشوار است پخش شدن همه دانش در میان مردم است.

علم بیست و هفت حرف است. تمامی آن چه پیامبران آورده‌اند دو حرف علم است و مردم تا کنون به غیر دو حرف، نمی‌شناسند. آن زمان که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار سازد و آنها را در میان مردم منتشر می‌کند و دو حرف (پیشین) را به آن ضمیمه نماید تا تمام آن بیست و هفت حرف را منتشر نماید.^۱

عدم نیاز به آموزش

با «اوج آگاهی» و «سرازیر شدن همه‌ی دانش‌ها» در دوران ظهور آشنا شدیم.

اما نکته مهم در دانشمند شدن مؤمنین این است که دانش با

۱- الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْثَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا. (روایت ۵۳)

عنایت خدا به دلها راه پیدا می‌کند و نه با آموزش.
توجه کنید:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) دانش در دلهای مؤمنان
افکنده می‌شود. از این رو مؤمن به آموزش و دریافت دانشی که
نزد برادر (مؤمن)ش هست، نیاز ندارد. در این روز تأویل این آیه
(محقق می‌شود که) خداوند از (رحمت) واسعه خودش (آن چنان
می‌دهد که) همگی را بی‌نیاز می‌کند.^۱

ارتباطات ویژه

یکی از ویژگی‌های شگفت دوران ظهور امام زمان علیه السلام،
چگونگی ارتباطات است. به یک نمونه از آن توجه کنید:
امام صادق علیه السلام فرمود: آن زمان که قائم ما قیام کند به
هر منطقه‌ای از مناطق زمین مردی را (برای مدیریت و حکمرانی)
می‌فرستد (و) به او می‌گوید فرمان تو در کف دست توست، پس
زمانی امری که (چاره) آن را نمی‌فهمی و (حکمی) که قضاوت در
مورد آن را نمی‌شناسی بر تو وارد شد، به کف دستت بنگر، و به

۱- يُقَدِّفُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ الْعِلْمَ فَلَا يَحْتَاجُ مُؤْمِنٌ إِلَى مَا عِنْدَ
أَخِيهِ مِنْ عِلْمٍ فَيَوْمَئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ يُغْنِي اللَّهُ كَلَامًا مِنْ سَعَتِهِ (روایت ۷)

(هر فرمانی) که در آن مشاهده کردی، عمل نما.^۱

اوج شکوفایی خردها

دوران ظهور امام زمان علیه السلام، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که در اندیشه ما نمی‌گنجد. همچنان که بهشت آن چنان والاست که در قلب هیچ بشر دنیایی خطور نمی‌کند.

یکی از علل این که دوران ظهور، همچون بهشت، در اندیشه بشری نمی‌گنجد، این است که ریشه و اساس آن ویژگی‌ها، شناخته نشده است.

مهمترین عامل و مؤلفه ترقی فردی و اجتماعی دوران ظهور، رشد خرد و بلوغ عقلانی است.

البته به دلیل این که حقیقت خود عقل ناشناخته است، درک تمامی آثار آن نیز کار آسانی نیست.

پیش از این یکی از آثار رشد خرد ذکر شد:

ایمان شما کامل نمی‌شود تا این که قائم ما خروج کند پس در آن

۱- بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ
فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ
بِمَا فِيهَا (روایت ۷۶)

هنگام خداوند درک شما را جمع (و متمرکز و کامل) می‌کند، پس از آن شما مؤمن کامل می‌گردید.^۱

قوت خرد و تکمیل عقلها، ریشه‌ی همه کمالات است. این مهم یکی از دستاوردهای ریشه‌ای ظهور امام زمان علیه السلام است:

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد و خداوند به واسطه آن، عقول آنها را جمع می‌کند و درکها را کامل می‌نماید...^۲

هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر روی سر بندگان قرار می‌دهد و به (برکت) دست آن حضرت، عقول آنها را جمع می‌کند و درک آنها را کامل می‌نماید.^۳

در برخی از روایات به جای واژه «احلامکم» واژه «اخلاقکم» آمده است.

-
- ۱- كَلَّا إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَلَكِنْ لَا تُكْمِلُونَ إِيْمَانَكُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ قَائِمُنَا فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَحْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ... (روایت ۴۷)
 - ۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ اللَّهُ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَحْلَامَهُمْ. (روایت ۴۸)
 - ۳- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ. (روایت ۵۰)

هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر روی سر بندگان قرار می‌دهد و به (برکت) دست آن حضرت، عقول آن‌ها را تجمیع (و کامل) می‌کند و اخلاق آن‌ها را کامل می‌نماید.^۱

در این روایت ممکن است «اخلاق» نسخه بدل «احلام» باشد. اما احتمال این هم می‌رود که در این روایت تکمیل اخلاق به عنوان یکی از آثار تکمیل خرد، مطرح شده باشد.

دست خدا بر سر رعیت امام زمان علیه السلام

از شگفتی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام رشد عقول و علوم است. در برخی از روایات اشاره به ریشه این امر آمده است:

آن زمان که مشیت الهی درباره (ظهور قائم علیه السلام) تحقق یابد، خروج می‌کند. پس مردم از تعجب می‌گویند این چه امری بود که اتفاق افتاد؟ و خداوند به خاطر قائم علیه السلام دستی بر سر شهروندان او می‌گذارد.^۲

پیداست که همه معصومین علیهم السلام، دست خدا (ید الله)

-
- ۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ. (روایت ۴۹)
 - ۲- وَيَضَعُ اللَّهُ لَهُ يَدًا عَلَى رَأْسِ رَعِيَّتِهِ. (روایت ۶۴)

هستند، اما پیش از ظهور امام زمان علیه السلام دچار موانع دشمنان هستند. با ظهور حضرت همه موانع برطرف می‌گردد و به برکت دست امام زمان علیه السلام، رشد علمی و عقلی رقم می‌خورد.

پرواز در آسمان و حرکت بر روی آب

از توانایی‌های فوق العاده انسان در دوران ظهور حرکت در فضا و بر روی آب دریاهاست.

و پیامبر صلی الله علیه و آله به مهدی علیه السلام می‌گوید که همراه با فرشتگان و مؤمنان خالص جنی و انسی و همراه نقیبانت که انتخاب شده‌اند و همراه هر کسی که صدای تو را شنید و خدا را فرمان برد، حرکت کن پس سوارانت را در هوا بتازان که آنان همچنان که در زمین می‌دوند در هوا نیز حرکت می‌کنند و همچنین سوارانت را بر روی آب در دریاها و سرزمین‌ها بتازان، پس آنان با اسبهایشان (در دریاها) می‌دوند، ولی پایشان تر نمی‌گردد و سوارانت همراه پرنده‌گان پرواز می‌کنند و از هر چیز پیشی می‌گیرند...^۱

۱- وَ يَقُولُ لِلْمُهْدِيِّ سِرِّ بِالْمَلَائِكَةِ وَ خُلَصَاءِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ نُقَبَائِكَ

امام صادق فرمود: امام زمان علیه السلام سپاهی را به قسطنطنیه می‌فرستد. هنگامی که به خلیج رسیدند (ناچار به عبور از آب می‌شوند. برای این مهم) بر پاهایشان چیزی می‌نویسند و (به سبب آن، همچون خشکی) بر روی آب راه می‌روند. پس هنگامی که رومیان اینان را مشاهده می‌کنند که بر روی آب راه می‌روند، می‌گویند اینها که یاران مهدی هستند بر آب راه می‌روند پس خود او چگونه است؟! پس در این هنگام درهای شهر را باز کرده و سپاه مهدی وارد شده و به آن چه اراده فرمایند حکم کنند.^۱

حضور فرشتگان در میان مردم

یکی از شاخصه‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام، نقش

الْمُخْتَارِينَ وَ مَنْ سَمِعَ وَأَطَاعَ اللَّهَ لَنَا فَاحْمِلْ خَيْلَكَ فِي الْهَوَاءِ فَإِنَّهَا تَرْكُضُ كَمَا تَرْكُضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ احْمِلْهَا عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ فِي الْبَحَارِ وَ الْأَمْصَارِ فَإِنَّهَا تَرْكُضُ بِحَوَافِرِهَا عَلَيْهِ فَلَا يُبَلُّ لَهَا حَافِرٌ وَ إِنَّهَا تَسِيرُ مَعَ الطَّيْرِ وَ تَسْبِقُ كُلَّ شَيْءٍ (روایت ۲۹)

۱- فَإِذَا بَلَّغُوا إِلَى الْخَلِيجِ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئاً وَ مَشَوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُم بَابَ الْمَدِينَةِ (روایت ۷۶)

فرشتگان در زندگی انسان است.

نقش فرشتگان در دوران ظهور بسیار متنوع و گسترده است. در ادامه با برخی از آنها آشنا می‌شویم.

حضور فرشتگان در میان مردم، به شکل‌های مختلفی در روایات بیان شده است. توجه کنید:

زمانی که قائم قیام کند خداوند به فرشتگان فرمان دهد تا آنها بر

مؤمنان سلام کنند و در مجالسشان با آنها همنشین گردند^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مؤمنان با فرشتگان

مصافحه می‌کنند و به مؤمنان وحی می‌شود^۲

مفضل گفت ای آقای من آیا فرشتگان و جنیان برای مردم آشکار

می‌شوند؟ حضرت فرمود بله، سوگند به خدا ای مفضل، و مردم با

فرشتگان و جنیان سخن خواهند گفت همچنان که انسان با اطرافیان

و بستگانش سخن می‌گوید. گفتم ای آقای من آیا فرشتگان و جنیان با

او حرکت (و همراهی) می‌کنند؟ فرمود بله، سوگند به خدا ای مفضل،

مطمئناً در سرزمین هجرت که میان کوفه و نجف است فرود می‌آیند (و

۱- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ

الْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ (روایت ۲۵)

۲- وَيُصَافِحُ الْمُؤْمِنُونَ الْمَلَائِكَةَ، وَيُوحَى إِلَيْهِمْ (روایت ۴)

ساکن می‌گردند)...^۱

سفر با ابر و پرواز با فرشتگان

یکی از شاخصه‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام، سفر با ابر و پرواز با فرشتگان و همراهی با آنان و... است. پیش از این گذشت که:

در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) برخی از مؤمنان در ابرها سیر می‌کنند و برخی از آنها با فرشتگان پرواز می‌کنند و برخی با فرشتگان راه می‌روند^۲

۱- قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا سَيِّدِي وَتَظْهَرُ الْمَلَائِكَةُ وَالْجِنُّ لِلنَّاسِ قَالَ إِي وَ
اللَّهُ يَا مُفَضَّلُ وَ يُخَاطِبُونَهُمْ كَمَا يَكُونُ الرَّجُلُ مَعَ حَاشِيَتِهِ وَ أَهْلِهِ قُلْتُ يَا
سَيِّدِي وَ يَسِيرُونَ مَعَهُ قَالَ إِي وَ اللَّهُ يَا مُفَضَّلُ وَ لَيَنْزِلَنَّ أَرْضَ الْهَجْرَةِ مَا
بَيْنَ الْكُوفَةِ وَ النَّجَفِ وَ عَدَدُ أَصْحَابِهِ ع حِينَئِذٍ سِتَّةٌ وَ أَرْبَعُونَ أَلْفًا مِنْ
الْمَلَائِكَةِ وَ سِتَّةٌ أَلْفٍ مِنَ الْجِنِّ وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى وَ مِثْلُهَا مِنَ الْجِنِّ بِهِمْ
يَنْصُرُهُ اللَّهُ وَ يَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ (روایت ۲۸)

۲- وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ
الْمَلَائِكَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَشْيًا (روایت ۲۵)

در ادامه روایت به خدمت ترابری فرشتگان اشاره می‌شود. توجه کنید:

زمانی که قائم قیام کند... هرگاه یکی از مؤمنان نیازی پیدا کند قائم برخی از فرشتگان را برای آوردنش می‌فرستد آن فرشته نیز مؤمن را برداشته تا نزد قائم بیاورد پس قائم خواسته‌اش را برآورده می‌سازد و فرشته او را باز گرداند. برخی از مؤمنان در ابرها سیر می‌کنند و برخی از آنها با فرشتگان پرواز می‌کنند و برخی با فرشتگان راه می‌روند...^۱

ربودن گوی سبقت از فرشتگان

اقتضای آفرینش الهی برتری نوع آدمی بر فرشتگان است. اما این اقتضا به دلیل آلودگی برخی از انسانها به گناه تا مرز پست‌تر از چهارپایان تنزل می‌یابند.

۱- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ، فَإِذَا أَرَادَ وَاحِدٌ حَاجَةً أَرْسَلَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْضِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَحْمِلَهُ، فَيَحْمِلُهُ الْمَلَكُ حَتَّى يَأْتِيَ الْقَائِمَ، فَيَقْضِي حَاجَتَهُ، ثُمَّ يَرْدُّهُ. وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَشْيًا... (روایت ۲۵)

یکی از شاخصه‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام این است که برتری ذاتی انسان بر فرشتگان از مرحله اقتضا به فعلیت رسیده و تحقق می‌یابد.

این چنین است که امام معصوم می‌فرماید:
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) برخی از مؤمنان از فرشتگان سبقت گرفته و پیش می‌افتند^۱

مرجعیت و قضاوت مؤمن بر فرشتگان

پیش از این از همنشینی فرشتگان با انسان و خدمت فرشتگان به انسان و نیز برتری انسان از فرشتگان سخن گفتیم.
اما اینک یک شاخصه مهم دیگر مرجعیت مؤمن برای حل اختلاف فرشتگان و قضاوت میان آنهاست. توجه کنید:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) فرشتگان نزد برخی از مؤمنان برای رفع اختلاف می‌آیند و مؤمن نزد خدا عزیزتر از فرشتگان است و قائم علیه السلام برخی از مؤمنان را میان صدهزار فرشته قاضی

۱- وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْبِقُ الْمَلَائِكَةَ (روایت ۲۵)

قرار می‌دهد.^۱

دوران ظهور و عدالت حقیقی و واقعی (حکم داودی)

عدالت در جهان معاصر از طریق اجرای قانون تجلی می‌یابد. یکی از چالش‌های اساسی اجرای عدالت، عادلانه بودن خود قانون است.

اسلام کامل، عدالت ممکن را (تأکید می‌شود عدالت ممکن را) از طریق مجموعه قوانین، در مرحله ظاهر تأمین و تضمین کرده است. چالش دوم اجرای عدالت، در رابطه با ساختار اجرای عدالت است.

شرایط قضاوت با همه سخت‌گیری‌ها و حتی با وجود عدالت قاضی، متضمن عصمت نیست. از این رو پیوسته خطاهای ناخواسته‌ی ناشی از خطای قاضی محتمل است.

همچنین در مواردی که شاکی فاقد مستندات کافی است و نیاز به

۱- وَ مِنْهُمْ مَنْ تَتَحَاكَمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ؛ وَ الْمُؤْمِنُونَ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصَيِّرُهُ الْقَائِمُ قَاضِياً بَيْنَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ (روایت ۲۵)

شهود و قسم پیدا می‌شود، خطا محتمل است. زیرا در این گونه موارد، هر چند یکی از اساسی‌ترین شرایط شهود، عدالت است، اما عدالت، هیچ‌گاه مستلزم عصمت و موجب خطاناپذیری شهود و قسم خورنده نیست. چرا که علاوه بر خطاهای ناخواسته‌ی شهود، چه بسا شهود دچار لغزش گردند و به ناحق شهادت دهند و....

از این رو عدالت واقعی، علاوه بر قانون عادلانه و حاکم عادل و مجری عادل، همچنان با خلأ اساسی روبروست.

از آن جایی که در دوران پیش از ظهور، بستر عدالت در مرحله واقع فراهم نیست، اسلام بر اساس ضرورت، این خلأ را پذیرفته و به همان عدالت در مرحله ظاهر بسنده کرده است.

اما در دوران ظهور بستر عدالت در مرحله واقع نیز فراهم می‌گردد و ویژگی‌های دوران ظهور، شرایط الزامی تحقق عدالت واقعی را تأمین و تضمین می‌کند.

بر همین اساس پای حکم داودی برای مرتفع ساختن این خلأ در دوران ظهور به میان آمده است.

حکم داودی نمادی است که ریشه در تاریخ حکومت داود پیامبر و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام دارد.

با صرف نظر از جنبه‌های تاریخی آن، حکم داودی عبارت است از حکمی که در آن از شاهد و قسم استفاده نمی‌شود. بلکه در صورت فقدان مستندات کافی، با علم واقعی، حقیقت قضایا آشکار می‌شود. با توجه به علم بی‌پایان امام و نیز عصمتی که از آن علم متولد می‌شود، دیگر هیچ‌گاه امکان خطا در رسیدن حق به حقدار نمی‌رود. هر چند تاریخ بشریت به تعداد انگشت شماری، این ویژگی قضاوت را تجربه کرده است، اما دوران ظهور، این ویژگی قضاوت، فراگیر و گسترده می‌گردد، تا آن جا که در هیچ حکمی، ناخواسته حق حقدار را پایمال نمی‌کند.

به برخی از احادیث در این باره توجه کنید:

چون قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید بحکم داود میان مردم حکم کند، نیازمند به گواه نباشد، خدای تعالی به او الهام فرماید و او از روی علم خود داوری کند و هر قومی را به آن چه که پنهان کرده‌اند خبر می‌دهد...^۱

۱- إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ... (روایت ۵۹)

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: دنیا تمام نمی شود تا این که مردی از (نسل) من خروج کند که به حکم آل داود حکم می کند و (از همین رو در تشخیص حق) از شاهی نمی پرسد (بلکه) به هر کسی حکم (واقعی) خودش را عطا می کند.^۱

هنگامی که قائم آل محمد قیام کند به حکم داود و سلیمان حکم می کند از مردم شاهی نمی طلبد.^۲

آن زمان که قائم ما قیام کند... میان مردم به حکم داودی و حکم محمدی حکم نماید.^۳

آن زمان که قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید، میان مردم به حکم داود قضاوت کند نیازی به بیّنه ندارد خداوند تعالی به او الهام نماید پس او به علم خودش حکم نماید.^۴

۱- لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنِّي رَجُلٌ يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ عَنْ بَيِّنَةٍ يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا. (روایت ۶۰)

۲- عَنْهُ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً. (روایت ۶۱)

۳- وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ ص (روایت ۲۰)

۴- إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ

امام صادق علیه السلام می فرمود: هرگز دنیا تمام نمی شود تا این که مردی از ما اهل بیت خروج کند که به حکم داود و آل داود حکم می کند، (لذا) از مردم بینه و گواه نمی طلبد.^۱

همان گونه که اشاره شد حکم داودی پیشینه ی تاریخی دارد. از تاریخ داود پیامبر که بگذریم، رد پای آن را در قضاوت های امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می یابیم.

تاریخ، قضاوت هایی از امیرالمؤمنین علیه السلام را ثبت کرده است که حضرت در عین رعایت همه موازین قضاوت (از بینه و شهود و قسم)، با به کار بردن شگردهایی، واقع را کشف کرده و مطابق عدالت در مرحله واقع حکم نموده است.

به سخنی دیگر حضرت میان رعایت موازین قضاوت که متکفل عدالت در مرحله ظاهر است و نیز عدالت واقعی، جمع کرده است. بر همین اساس در قضاوت های محدودی که از معصومین علیهم

بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ. (روایت ۵۸)

۱- لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً (روایت ۷۷)

السلام سر زده است، یک مورد پیدا نمی شود که حکم آنها، تنها مطابق عدالت ظاهری و در تضاد با عدالت در مرحله واقع بوده است. اما به تصریح روایات در دوران ظهور دیگر نیازی به رعایت عدالت در مرحله ظاهر وجود ندارد، بلکه به علم الهی امام، برای اجرای عدالت واقعی بسنده می شود.

در منابع وحی از این امر با تعبیر حکم داودی یاد شده است. چرا که در حکم داودی هیچ گاه احتمال خطا نمی رود.

حکومت فرازمینی

یکی از مسائل جالبی که در روایات اشاره شده، آبادانی آسمانها و کرات دیگر است. به این معنا که حیات منحصر به کره خاکی نیست، بلکه در سایر کرات نیز حیات جریان دارد.

به برخی از این روایات توجه کنید:

این ستارگانی که در آسمان است، شهرهایی هستند همانند شهرهای زمین....^۱

۱- هَذِهِ النُّجُومُ الَّتِي فِي السَّمَاءِ مَدَائِنٌ مِثْلُ الْمَدَائِنِ الَّتِي فِي الْأَرْضِ.... (روایت ۵۴)

هفت آسمان، هیچ آسمانی نیست مگر این که در آن مخلوقاتی وجود دارد و میان هر آسمانی با آسمان دیگر (نیز) مخلوقاتی وجود دارد، تا این که به آسمان هفتم برسد. پرسیدم زمین (نیز این چنین است)؟ فرمود زمین نیز هفت تاست، در پنج تای آنها آفریدگانی از آفریدگان پروردگار وجود دارد و دو تای آنها هواء (و خالی) است در آن دو چیزی نیست.^۱

یکی از ویژگی‌های امام زمان علیه السلام بهرمندی از اسبابی است که امکان بالا رفتن در آسمانهای هفتگانه را فراهم می‌آورد. امام باقر علیه السلام فرمود: آگاه باشید که ذوالقرنین در انتخاب یکی از دو (نوع) ابر آزاد گذاشته شد. پس او ابر رام را برگزید و ابر دشوار (و سخت و نیرومند) برای صاحب شما (امام زمان علیه السلام) ذخیره شده است. از امام پرسیدم ابر دشوار چیست؟ ابرهایی که در آن رعد و برق و صاعقه است. پس صاحب شما بر آن سوار خواهد شد. آگاه

۱- سَبْعُ سَمَاوَاتٍ لَيْسَ مِنْهَا سَمَاءٌ إِلَّا وَفِيهَا خَلْقٌ وَبَيْنَهَا وَبَيْنَ الْأُخْرَى خَلْقٌ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى السَّابِعَةِ قُلْتُ وَ الْأَرْضُ قَالَ سَبْعُ مِنْهُنَّ خَمْسٌ فِيهِنَّ خَلْقٌ مِّنْ خَلْقِ الرَّبِّ وَ اثْنَتَانِ هَوَاءٌ لَيْسَ فِيهِمَا شَيْءٌ.
(روایت ۵۵)

باشید که به راستی که او به زودی بر ابر سوار خواهد شد و در اسباب، اسباب آسمانهای هفتگانه بالا خواهد رفت که پنج آسمان آن آباد و دو آسمان آن متروکه است.^۱

و صد البته که زمین را به وسیله آخرین فرد از آل محمد، از دشمنانم پاک خواهم ساخت و او را مالک تمام شرق و غرب زمین خواهد ساخت و بادهای را مسخر او خواهم ساخت و ابرهای دشوار را رام او خواهم ساخت و او را در اسباب بالا خواهم برد و او را با سربازانم پیروز خواهم ساخت و با فرشتگانم مدد خواهم کرد تا این که دعوت من آشکار گردد و تمامی خلائق بر (اعتقاد به) وحدانیت من مجتمع شوند. سپس فرمانروایی او را ادامه خواهم داد و روزگاران را تا روز قیامت میان اولیائم دست به دست خواهم کرد.^۲

۱- أَمَّا إِنَّ ذَا الْقُرْنَيْنِ قَدْ خَيَّرَ السَّحَابَيْنِ فَاخْتَارَ الدَّلُولَ وَ دَخَرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّعْبَ قُلْتُ وَ مَا الصَّعْبُ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ وَ صَاعِقَةٌ فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ أَمَّا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ خَمْسَةَ عَوَامٍ وَ اثْنِينَ [اثنان] خَرَابًا.
(روایت ۵۶)

۲- وَ لَأُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لَأَمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ

للهم

پیش از این نیز گذشت که:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) فرشتگان نزد برخی از مؤمنان برای رفع اختلاف می‌آیند و مؤمن بر خدا عزیزتر از فرشتگان است و قائم برخی از مؤمنان را میان صدهزار فرشته قاضی قرار می‌دهد.^۱

امور یاد شده این احتمال را تقویت می‌کند که حکومت امام زمان در دوران ظهور محدود به کره خاکی نبوده و حکومتی فرازمینی برقرار خواهد شد.

مَعَارِبَهَا وَأَسْحَرْنَ لَهُ الرِّيحَ وَأَذَلَّلْنَ لَهُ السَّحَابَ الصِّعَابَ وَلَارُقِيَّتَهُ فِي الْأَسْبَابِ وَلَأَنْصُرَتْهُ بِجُنْدِي وَلَأُمِدَّتْهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَ يَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكُهُ وَلَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (روایت ۵۷)

۱- وَ مِنْهُمْ مَنْ تَتَحَاكَمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ؛ وَ الْمُؤْمِنُونَ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصَيِّرُهُ الْقَائِمُ قَاضِياً بَيْنَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ (روایت ۲۵)

ظهور و بی نیازی از نور خورشید

یکی از ویژگی‌های شگفت دوران ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر این آیه از قرآن است:

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... (زمر ۶۹)

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد...

این آیه به بی نیازی مردم از نور مادی در زمان ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر شده است. زیرا نور معنوی خورشید ولایت بر جهان پرتو افکنی می‌کند.

به راستی که قائم ما هنگامی که قیام کند زمین به نور پروردگارش درخشان می‌گردد و بندگان از نور خورشید بی نیاز می‌گردند و تاریکی می‌رود...^۱

به راستی که قائم ما هنگامی که قیام نماید زمین به نور پروردگارش درخشان شود و مردم از نور خورشید بی نیاز گردند، و شب و روز یکی گردد و تاریکی یکسره از میان برود...^۲

۱- إِنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلُمَةُ... (روایت ۱)

۲- إِنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ

ﷺ

روشنی سرزمین‌ها، نور امام زمان خواهد بود و مردم دیگر نیازی به خورشید و ماه پیدا نمی‌کنند...^۱

زمانی که قائم علیه السلام خروج کند زمین به نور او درخشان می‌گردد...^۲

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام شنید که حضرت درباره این سخن خدا در قرآن که «و زمین به نور پروردگارش درخشان گردد» فرمود: پروردگار زمین، امام زمین است. به امام گفتم پس زمانی که امام خروج کند چه خواهد شد؟ فرمود در این دوران مردم از پرتو خورشید و نور ماه بی‌نیاز خواهند شد و به نور امام بسنده می‌کنند.^۳

تأکید مجدد بر این نکته شایسته و بایسته است که درک هر

ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَ صَارَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَاحِدًا، وَ ذَهَبَتِ الظُّلُمَةُ... (روایت ۳)

۱- وَ يَكُونُ ضَوْءُ الْبِلَادِ نُورَهُ، وَ لَا يَحْتَاجُونَ إِلَى شَمْسٍ وَ لَا قَمَرٍ (روایت ۴)

۲- فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ... (روایت ۲۶)

۳- رَبُّ الْأَرْضِ إِمَامُ الْأَرْضِ قُلْتُ فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَاذَا قَالَ إِذَا يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ نُورِ الْقَمَرِ وَ يَجْتَزُّونَ بِنُورِ الْإِمَامِ. (روایت ۲۷)

مطلبی، متکی بر اصول اولیه آن است. این امر یک قانون عقلی بنیادین و فراگیر در همه رشته‌های علوم است.

به صراحت قرآن، نور معنوی (اشراق رب) موجب بی‌نیازی بهشتیان از نور خورشید مادی می‌گردد.

پیداست که درک و ایمان به این آیه مسلم قرآنی، بدون اصول اولیه ممکن نیست.

بی‌نیاز از نور خورشید در دوران ظهور نیز بر همین قانون عقلی استوار است.

ناگفته پیداست که بدون در نظر گرفتن اصول اولیه، نه تنها بی‌نیازی از نور خورشید قابل درک نیست، بلکه ویژگی‌های بسیاری از دوران ظهور و حتی برخی از مسلمات دین در سایر حوزه‌ها قابل درک نخواهد بود.

فرمانبرداری نظام کیهانی از قائم علیه السلام و طولانی شدن زمان

یکی از شگفتی‌های دوران ظهور، تصرف قائم علیه السلام در نظام کیهانی است. از جمله‌ی تصرفات، فرمانبرداری ماه و خورشید از آن حضرت است.

(در دوران ظهور، قائم علیه السلام) خورشید و ماه را فرا می‌خواند و

آن دو (فرمانبرداری کرده و) به حضرت پاسخ می‌دهند و زمین برای آن حضرت پیچیده می‌شود (و با طی الارض حرکت می‌کند) و به او وحی می‌شود پس به فرمان خداوند عمل خواهد کرد.^۱

یکی از مصادیق تصرف در نظام کیهانی، تغییر واحد زمان در دوران ظهور امام زمان علیه السلام است. توجه کنید.

هنگامی که قائم قیام کند... هفت سال عمر کند که هر سالش برابر ده سال از این سالهای شماسست، سپس خداوند آن چه را که بخواهد انجام می‌دهد. به حضرت عرض کردم فدای شما گردم چگونه سالها طولانی می‌گردد؟ فرمود خداوند به فلک دستور می‌دهد که درنگ نموده و به کندی حرکت کند، از این روزها طولانی می‌گردد...^۲

۱- وَ عَنْهُ ع قَالَ يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ وَ يَزِدَادُ تِسْعًا كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دَيْنٌ مُحَمَّدٍ وَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ يَدْعُو الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ فَيَجِيبَانِهِ وَ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يُوحَى إِلَيْهِ فَيَعْمَلُ بِالْوَحْيِ بِأَمْرِ اللَّهِ. (روایت ۶۲)

۲- فَيَمُكُّ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مِقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ سِنِينَ مِنْ
 ﷺ

عبدالکریم خثعمی گفت به امام صادق علیه السلام گفتم قائم چند سال حکومت می‌کند؟ فرمود هفت سال. (اما) روزها و شبها طولانی می‌شود آن چنان که یک سال از سالهای دوران ظهور به اندازه ده سال از سالهای شماسست پس سلطنت او هفتاد سال از سالهای شما می‌شود...^۱

ناگفته پیداست که در نظام پیچیده کیهانی، اندک تصرفی در حرکت خورشید و ماه مستلزم تصرف در تمام کیهان است و این

سَنِيكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَكَيْفَ تَطُولُ السِّنُونَ قَالَ يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَ قَلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَ السِّنُونَ قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِذَا تَغَيَّرَ فَسَدَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الرِّبَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ ص وَ رَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ. (روایت ۱۸)

۱- عَبْدُ الْكَرِيمِ الْخَثْعَمِيُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ ع فَقَالَ سَبْعَ سِنِينَ يَطُولُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سَنِيكُمْ فَيَكُونُ سِنُو مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سَنِيكُمْ هَذِهِ (روایت ۳۱)

نیازمند اعمال قدرت ویژه است.

فخر فروشی زمین

یکی از ویژگی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام فخر فروشی زمین به خاطر عبور یاران قائم علیه السلام است. (همگی) در همه امور به دنبال جلب خشنودی یاران قائم هستند، حتی قطعه‌ای از زمینی بر قطعه دیگر افتخار می‌کند و می‌گوید امروز مردی از یاران قائم علیه السلام از روی من گذشت.^۱

رضایت عمومی

برخی از ویژگی‌های دوران امام زمان علیه السلام ناظر به موردهای خاصی است. اما برخی دیگر از ویژگی‌ها ناظر به مجموعه‌ای از امور است. از جمله رضایت و خشنودی عمومی از اوضاع و احوال آن دوران است. در روایات متعددی این چنین آمده است:

(در دوران امام زمان علیه السلام) فرشتگان ساکن آسمان و مردم

۱- يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى تَفْخَرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولَ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (روایت ۶۵)

ساکن زمین از او خشنود گردند.^۱

تردیدی نیست که خشنودی تمامی ساکنین زمین، نتیجه وجود ویژگی‌های فراوانی است.

اما فوق‌العادگی امر آن جاست که این خشنودی منحصر به زمینیان نیست، بلکه آسمانیان نیز همگی خشنود می‌گردند. خشنودی آسمانیان تعبیر دیگری از خشنودی تمامی عالم آفرینش است. پیداست که در دل خشنودی تمامی عالم آفرینش، امور فراوانی نهفته است.

شکستن طلسم مشکلات

گفتیم برخی از ویژگی‌ها ناظر به مجموعه‌ای از امور است. از جمله، باز شدن همه گره‌های کور حیات فردی و اجتماعی بشر. ناگفته پیداست مدیریت یک جامعه کوچک هزاران دشواری دارد تا چه رسد به دولت جهانی امام زمان علیه السلام. اما تمامی دشواری‌ها و سختی‌ها در این دوران آسان می‌گردد و هر گره پیچیده‌ای گشوده می‌شود.

۱- يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ (روایت ۵ و ۶)

قائم علیه السلام کسی است که زمین برایش پیچیده می شود (و با طی الارض حرکت می کند) و هر (گره کور و) دشواری برایش گشوده می گردد...^۱

آرزوی بازگشت مردگان

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) به خاطر خیر فراوانی که خداوند با زمینیان می کند، زندگان آرزو می کنند مردگان هم زنده شوند (و از آن بهره مند گردند).^۲

مردگان هم تمنا و آرزوی زندگی در دوران ظهور را می کنند. اما تنها به افراد خاصی اجازه بازگشت به دنیا داده می شود که ذکر آنها از مجال این نوشتار خارج است.

مردگان به اذن خدا زنده شده و گرد هم آیند.^۳

ویژگی های اسرار آمیز

ویژگی هایی دوران ظهور امام زمان علیه السلام منحصر به آن چه که

۱- وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَيَذُلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ... (روایت ۶۳)

۲- يَعْيشُ فِيهِمْ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانًا أَوْ تِسْعًا يَتَمَتَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْخَيْرِ. (روایت ۶)

۳- وَيُحْيَوْنَ- وَيَجْتَمِعُونَ- الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ. (روایت ۴)

به اختصار از آن سخن رفت، نیست.

در روایات اشاراتی است که درک آن از حوصله ما خارج است.

در اینجا به روایت بسیار جالبی اشاره می‌کنیم که در ضمن معنی کردن سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله، به برخی از ویژگی‌های اسرارآمیز، مانند فرود آمدن بیعت المعمور از آسمان و... اشاره می‌کند.

داود رقی گفت به امام صادق علیه السلام گفتم معنی سلام بر

رسول خدا صلی الله علیه و آله چیست؟

حضرت فرمود به راستی که خداوند تبارک و تعالی هنگامی که پیامبرش و وصی پیامبرش و دو فرزند او و تمامی امامان را آفرید و (نیز) هنگامی که شیعیان آنان را آفرید، بر آنان پیمان گرفت که شکیبایی کنند و در مقابل دشمنان آمادگی داشته و مقاومت نمایند (و در فرمانبرداری از خداوند پایداری کنند و مرزهای دین را محافظت نمایند) و از خداوند بپرهیزند.

و به آنان وعده داد که زمین مبارک و حرم امن را (از سیطره دشمنان خارج سازد و) به آنان تسلیم نماید و نیز بیت المعمور را (از آسمان) فرود آورد و سقف مرفوع را بر آنان آشکار سازد و آنان را از دشمنان شان آسوده گرداند و زمینی که خداوند آن را (به گونه‌ای دیگر) تبدیل می‌کند از (جمله‌ی) سلام (ی) است (که) خداوند وعده داده است.) و (خداوند زمین و) آن چه در زمین

است، خالص و یک دست به محمد و آل محمد و شیعیانشان تسلیم می‌کند.

سپس فرمود (دیگر) برای دشمنان آنان (امکان) خصومت و دشمنی در (سیطره و استفاده از) زمین نخواهد بود و (نتیجه) این است که برای آنان در زمین هر چه بخواهند هست (و فراهم می‌آید).

پیامبر صلی الله علیه و آله (نیز) بر امامان و شیعیان‌شان به همین امر پیمان گرفته است.

همانا سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله، یادآور همین پیمان و تجدید آن بر خداست.

(لذا سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله به این امید است که) شاید خداوند عز و جل آن وعده را تعجیل نماید و سلام را با تمامی آن چه در آن است بر شما شیعیان (نیز) تعجیل نماید.^۱

۱- قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْنَى السَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَوَصِيَّهُ وَابْنَتَهُ وَابْنَتِهِ وَجَمِيعَ الْأَيِّمَةِ وَخَلَقَ شِيعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَأَنْ يَصْبِرُوا وَيُصَابِرُوا وَيُرَابِطُوا وَأَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَوَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ الْمُبَارَكَةَ وَالْحَرَمَ الْأَمِينَ وَأَنْ يُنْزِلَ لَهُمُ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَيُظْهِرَ لَهُمُ السَّقْفَ الْمَرْفُوعَ وَيُرِيحَهُمْ مِنْ عَذَابِهِمْ وَ

یکی از نکات بسیار جالب این روایت، رابطه سلام بر پیامبر صلی و الله علیه و آله و امید به فرج است که دعای به تعجیل فرج را نیز در دل دارد.

گشوده شدن درهای آسمان

در برخی از روایات سخن از گشوده شدن برکات آسمان و زمین بر زمینیان به میان آمده است. اما تعبیر دیگر نقل شده است که بسیار جالب است و آن گشوده شدن درهای آسمان برای نزول خوبی هاست. درهای آسمان به نیکی گشوده می شود و آسمان خیرش را می بارد...^۱

دوران ظهور، بهشت زمینیان

ویژگی های فوق العاده ای که بیان شد، نمونه هایی از بشمار است.

الْأَرْضَ الَّتِي يُبَدِّلُهَا اللَّهُ مِنَ السَّلَامِ وَيُسَلِّمُ مَا فِيهَا لَهُمْ لَا شَيْءَ فِيهَا قَالَ لَا خُصُومَةَ فِيهَا لِعَدُوِّهِمْ وَأَنْ يَكُونَ لَهُمْ فِيهَا مَا يُحِبُّونَ وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى جَمِيعِ الْأَئِمَّةِ وَشِيعَتِهِمُ الْمِيثَاقَ بِذَلِكَ وَإِنَّمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ تَذَكُّرُهُ نَفْسِ الْمِيثَاقِ وَتَجْدِيدُهُ لَهُ عَلَى اللَّهِ لَعَلَّهُ أَنْ يُعَجِّلَهُ جَلَّ وَعَزَّ وَيُعَجِّلَ السَّلَامَ لَكُمْ بِجَمِيعِ مَا فِيهِ. (روایت ۷۸)

۱- تَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِالْبَرِّ وَتُمْطِرُ السَّمَاءَ خَيْرَهَا... (روایت ۳۰)

چرا که خیرات و برکات مادی و معنوی آن دوران قابل گردآوری نیست، گذشته از این که بسیاری از گفته‌ها قابل درک افراد عادی نیست تا چه رسد به ناگفته‌ها.

لذا شناخت واقعی آن دوران، مترتب بر اصول اولیه‌ی مهمی است که در جای خودش اثبات و برهانی شده است.

در توصیف دوران ظهور امام زمان، همان به که به کلیاتی در توصیف بهشت، بسنده کنیم:

فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ...^۱

و در آنجا آنچه دلها آن را بخواهد و دیدگان را خوش آید [هست]...

فِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ...^۲

در بهشت چیزهایی است که نه چشمی آنها را دیده و نه گوشی شنیده و نه تصور آن بر قلب بشری خطور کرده.

این گونه تعبیرات نشانگر اوج کمالات مادی و معنوی و اوج لذتهای نامحدود انسانی در دوران ظهور امام زمان علیه السلام است.

۱- زخرف ۷۱

۲- بحار الانوار ج ۸۱ ص ۱۲۵

رمز گشایی از ویژگی‌های حکومت آسمانی قائم

گذشت که دوران ظهور امام زمان علیه السلام، بهشت زمینی است، آن هم با تمام خوشی‌هایی که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بردل بشری خطور کرده است.

درک این امر اسرار آمیز، برای همگان آسان نیست.

اما با درنگ شایسته در روایات اهل بیت، از این امر اسرار آمیز رمز گشایی می‌گردد.

از یک سو سخن از سلطنت جهانی به میان آمده است:

سلطنت قائم چهل سال، مشرق و مغرب را فرامی‌گیرد، پس خوشا به حال کسی که روزگار او را درک کند و سخن او را بشنود.^۱

در متن عربی روایت تعبیر «خافقین» آمده است. برخی خافقین را، میان مشرق و مغرب زمین معنی کرده‌اند.

اما از برخی از روایات استفاده می‌شود که مقصود از خافقین، تنها مغرب و مشرق زمین نیست، بلکه مقصود مغرب و مشرق جهان است. از یک سو سخن از دولتی گفته شده که ظلمتی در آن متصور

۱- يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ اَرْبَعِينَ عَامًا فَطُوبَى لِمَنْ اَدْرَكَ اَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ. (روایت ۱۳)

نیست.

حکومت قائم حکومتی است که در او شب و تاریکی و غبار نیست...^۱

تعبیر حکومتِ بدون تاریکی و غبار، به این معناست که نه تنها نقطه سیاهی در دولت قائم علیه السلام وجود ندارد، بلکه از نقطه خاکستری نیز اثری در حکومت حضرت پیدا نمی‌شود.

از یک سو ویژگی‌های شگفت آن دوران بیان شده است.

آن زمان که قائم قیام کند... بر روی زمین موزی و شر و گناه و فساد اصلاً نیست. زیرا دعوت امام زمان علیه السلام، دعوت آسمانی است و دعوت زمینی نیست...^۲

همه امور یاد شده در این روایت، نتیجه یک عامل مهم شمرده شده است و آن آسمانی بودن دعوت امام زمان علیه السلام است. دعوت آسمانی، یعنی دعوت الهی.

۱- فَإِنَّهَا دَوْلَةٌ لَا لَيْلَ فِيهِ وَلَا ظُلْمَةَ وَلَا قَتَامَ (روایت ۲۹)

۲- وَلَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٌّ، وَلَا شَرٌّ، وَلَا إِثْمٌ، وَلَا فَسَادٌ أَصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةٍ، وَلَا يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسةٌ، وَلَا عَمَلٌ، وَلَا حَسَدٌ، وَلَا شَيْءٌ مِنَ الْفَسَادِ (روایت ۴)

برای شناخت دعوت الهی، باید خداوند شناخته شود، شناخت خداوند به این است که هم قدرتش و هم حکمتش و هم رحمتش... شناخته شود.

اگر پای شناخت واقعی خداوند به میدان آید، دیگر هر چه از حکومت قائم آل محمد گفته شود باز هم کم گفته شده است. همچنان که هر چه از بهشت آخرتی گفته شود باز هم کم گفته شده است.

مستندات روایی «اشراق الشمس»

مطالب نوشتار پیش رو مستند به روایات متعددی است. از آن جایی که برخی از این روایات مفصل است و متن عربی روایات مورد نیاز عموم فارسی زبانان نیست، در متن اصلی کتاب به ترجمه بخش مورد استشهاد آن روایات بسنده شد. اما به دلیل این که ممکن است مراجعه به روایات مورد نیاز برخی از محققین باشد، متن کامل روایات در این بخش ارایه می‌گردد.

روایت ۱)

رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ صَوْنِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلُمَةُ وَيُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكِهِ حَتَّى يُؤَلَّدَ لَهُ أَلْفُ ذَكَرٍ لَا يُؤَلَّدُ فِيهِمْ أَنْثَى وَ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهَهَا وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ

اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.^۱

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: به راستی که قائم ما هنگامی که قیام کند، زمین به نور پروردگارش درخشان می گردد و بندگان از نور خورشید بی نیاز می گردند و تاریکی می رود و مرد، در دوران حکومت او آن چنان عمرش طولانی می گردد که برایش هزار پسر متولد می گرد که در میان آنها دختر نیست. زمین گنج هایش را آن چنان آشکار می کند که مردم آن را روی زمین می بینند و (ثروت آن چنان فراوان می شود که) مردی از شما برای پیدا کردن کسی که بتواند به او بخشش کند و زکات مالش را بگیرد، جستجو می کند، اما هیچ کس را نمی یابد که مال او را بپذیرد مردم به آن چه خداوند از فضلش روزی آنان کرده بی نیاز شده اند.

روایت ۲) ثُمَّ يَعُودُ الْمَهْدِيُّ ع إِلَى الْكُوفَةِ وَتُمْطِرُ السَّمَاءُ بِهَا جَرَادًا مِنْ ذَهَبٍ كَمَا أَمْطَرَهُ اللَّهُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى أَيُّوبَ وَ يَقْسِمُ عَلَى أَصْحَابِهِ كُنُوزَ الْأَرْضِ مِنْ تَبَرِّهَا وَلُجَيْنِهَا وَجَوْهَرِهَا قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا مَوْلَايَ مَنْ مَاتَ مِنْ شَيْعَتِكَمْ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ لِإِخْوَانِهِ وَلِأَصْدَادِهِ كَيْفَ يَكُونُ قَالَ الصَّادِقُ ع أَوَّلُ مَا يَبْتَدِئُ الْمَهْدِيُّ ع أَنْ يُنَادِيَ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ أَلَا مَنْ لَهُ عِنْدَ أَحَدٍ

مِنْ شَيْعَتِنَا دَيْنٌ فَلْيَذْكُرْهُ حَتَّى يَرُدَّ الثُّمَّةَ وَ الْخَزْدَلَةَ فَضْلاً عَنِ الْقَنَاطِيرِ
الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِصَّةِ وَ الْأَمْلاكِ فَيُؤْفِيَهُ إِيَّاهُ بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ۵۳
ص ۳۴

سپس مهدی علیه السلام به کوفه باز می‌گردد و آسمان ملخ‌هایی از
طلا می‌بارد، همچنان که در بنی اسرائیل بر ایوب (پیامبر ملخ طلایی
بارید). حضرت گنجهای طلا و نقره و جواهر زمین را، بر اصحابش
تقسیم می‌کند. مفضل پرسید ای آقای من اگر کسی از شیعیان شما
بمیرد و به برادران شیعه‌اش یا به مخالفینش بدهکار باشد، چه
می‌شود؟ امام صادق علیه السلام فرمود نخستین کاری که مهدی علیه
السلام آغاز می‌کند، این است که در همه جهان، اعلام عمومی می‌شود
(ای مردم) آگاه باشید که هر کس طلبی از شیعه‌ای دارد، باید اعلام
کند. (سپس طلبکاران به آن حضرت مراجعه می‌کنند و حضرت طلب
آنان را پرداخت می‌کند) حتی اگر طلب (آن اندازه کم ارزش باشد که به
مانند) سیر یا خردل باشد، به صاحبش رد می‌شود، چه برسد به
کیسه‌های بزرگ پر از طلا و املاک (بزرگ، هر چه باشد)، حضرت آن را
به طلبکار پرداخت خواهد کرد.

روایت ۳) عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
(عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ

اسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَ صَارَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَاحِدًا، وَ ذَهَبَتِ
الظُّلُمَةُ، وَ عَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ، يُوَلَّدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامٌ، لَا
يُوَلَّدُ لَهُ جَارِيَةٌ، يَكْسُوهُ الثَّوْبَ فَيَطْوِلُ عَلَيْهِ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيَّ
لَوْنٍ شَاءَ دَلَائِلُ الْإِمَامَةِ ٤٥٤

به راستی که قائم ما هنگامی که قیام نماید، زمین به نور پروردگارش
درخشان شود و مردم از نور خورشید بی نیاز گردند، و شب و روز یکی
گردد و تاریکی یکسره از میان برود و مرد در زمان حضرت هزار سال عمر
کند که در هر سالی پسری برای او متولد شود بدون این که دختری برای
او به دنیا آید. شخص لباسی که می پوشد هر اندازه که قدش بلند شود،
لباس نیز بلند گردد و هر رنگی که بخواهد لباسش به آن رنگ درآید.

روایت ٤) عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ:
إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اسْتَنْزَلَ الْمُؤْمِنُ الطَّيْرَ مِنَ الْهَوَاءِ، فَيَذْبُحُهُ،
فَيَشْوِيهِ، وَيَأْكُلُ لَحْمَهُ، وَلَا يَكْسِرُ عَظْمَهُ، ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: اْحْيِ بِإِذْنِ اللَّهِ.
فَيَحْيَا وَيَطِيرُ؛ وَكَذَلِكَ الطَّبَاءُ مِنَ الصَّحَارِيِّ. وَ يَكُونُ ضَوْءُ الْبِلَادِ نُورَهُ،
وَلَا يَحْتَاجُونَ إِلَى شَمْسٍ وَلَا قَمَرٍ، وَلَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٌّ، وَلَا
شَرٌّ، وَلَا إِثْمٌ، وَلَا فَسَادٌ أَصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةٍ، وَلَا
يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسةٌ، وَلَا عَمَلٌ، وَلَا حَسَدٌ، وَلَا شَيْءٌ مِنَ الْفَسَادِ،
وَلَا تَشْوُكُ الْأَرْضُ وَ الشَّجَرُ، وَ تَبْقَى زُرُوعُ الْأَرْضِ قَائِمَةً، كُلَّمَا أُخِذَ مِنْهَا

شَيْءٌ نَبَتَ مِنْ وَفْتِهِ، وَ عَادَ كَحَالِهِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْشُوا ابْنَهُ النَّوْبَ فَيَطُولُ
 مَعَهُ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوْنَ عَلَيْهِ أَيَّ لَوْنٍ أَحَبَّ وَ شَاءَ. وَلَوْ أَنَّ الرَّجُلَ الْكَافِرَ
 دَخَلَ جُحَرَ صَبٍّ، أَوْ تَوَارَى خَلْفَ مَدْرَةٍ، أَوْ حَجَرٍ، أَوْ شَجَرٍ، لَأَنْطَقَ اللَّهُ
 ذَلِكَ السِّرَّ الَّذِي يَتَوَارَى فِيهِ، حَتَّى يَقُولَ: يَا مُؤْمِنُ، خَلْفِي كَافِرٌ فَخُذْهُ.
 فَيَأْخُذْهُ وَ يَقْتُلْهُ. وَ لَا يَكُونُ لِإِبْلِيسَ هَيْكَلٌ يَسْكُنُ فِيهِ - وَ الْهَيْكَلُ: الْبَدَنُ -
 وَ يُصَافِحُ الْمُؤْمِنُونَ الْمَلَائِكَةَ، وَ يُوحَى إِلَيْهِمْ، وَ يُحْيَوْنَ - وَ يَجْتَمِعُونَ -
 الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ. دلائل الإمامة ص: ۴۶۳

هنگامی که قائم ما قیام کند مؤمن پرنده ای را در آسمان (می بیند و
 به خوردن آن میل پیدا می کند) فرو می خواند که پرنده فرود آید، (بعد از
 فرود) آن را ذبح می کند و بریان می کند و گوشتش را می خورد و لکن
 استخوانش را نمی شکند، سپس بدان می گوید به اذن خدا زنده شو. او
 زنده می شود و پرواز می کند و همچنین آهو (نیز چنین است) و روشنی
 سرزمین ها، نور حضرت خواهد بود و مردم دیگر نیازی به خورشید و ماه
 پیدا نمی کنند و بر روی زمین موزی و شر و گناه و فساد اصلا نیست.
 زیرا دعوت امام زمان علیه السلام، دعوت آسمانی است و دعوت
 زمینی نیست و در آن روزگار برای شیطان قدرت و سوسه و انجام کاری
 (برای افساد) نیست. همچنین حسد و چیزی از فساد وجود ندارد و
 زمین و درخت خار نمی رویاند، کشت زمین پیوسته برپاست، هنگامی

که چیزی از آن برداشت شود، همان لحظه دوباره بروید و به حال اولش برگردد و به راستی که مرد لباسی بر فرزندش می‌پوشاند، پس هر چه فرزندش بزرگ شود، لباس نیز بر تن او بزرگ می‌گردد و به هر رنگی که دوست داشته باشد و بخواهد، در می‌آید و اگر مرد کافر داخل لانه سوسماری شود یا پشت کلوخی یا سنگی یا درختی پنهان شود، خداوند آن چیزی که کافر در آن پنهان شده را به سخن آورد، تا این که بگوید ای مؤمن، پشت من کافری است، پس او را بگیر، پس مؤمن کافر را می‌گیرد و می‌کشد و برای ابلیس هیکلی (وجود جسمانی) که در آن ساکن باشد، نیست و مراد از هیکل، بدن است و مؤمنان با فرشتگان مصافحه می‌کنند و به مؤمنان وحی می‌شود و مردگان به اذن خدا زنده شده و گرد هم آیند.

روایت ۵) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَبَشِّرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَّزَلُ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا قَالَ بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص غِنَى وَ يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ فَيَقُولُ أَنَا فَيَقُولُ أَنْتَ السَّدَانُ يَعْنِي الْحَازِنَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَني مَا لَا فَيَقُولُ

لَهُ احْتُ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَابْرَزَهُ نَدِمَ فَيَقُولُ كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ
مُحَمَّدٍ نَفْسًا أَعْجَزَ عَمَّا وَسَّعَهُمْ فَيَرُدُّهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ فَيَقَالُ لَهُ إِنَّا لَا نَأْخُذُ
شَيْئًا أَعْطَيْنَاهُ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۹۲

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به شما (ظهور) مهدی را مژده می‌دهم که در میان امت من مبعوث خواهد شد، در حالی که امت در اختلاف (با یکدیگر) و (گرفتار) زلزله‌ها هستند. پس حضرت، زمین را از قسط و عدل پر خواهد ساخت، همچنان که (پیش از ظهور) از ظلم و جور پر شده بود. با (ظهور) مهدی علیه السلام فرشتگان ساکن آسمان و مردم ساکن زمین، از او خشنود گردند. مهدی علیه السلام اموال را درست تقسیم می‌کند. از حضرت پرسیده شد تقسیم درست چیست؟ فرمود به تساوی میان مردم تقسیم می‌کند. پس خداوند دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدل مهدی علیه السلام همه مردم را فرامی‌گیرد، تا جایی که مهدی علیه السلام فرمان می‌دهد منادی جار زند چه کسی به مالی نیاز دارد؟ حضرت در ادامه فرمود پس از میان مردم، به جز یک نفر، کسی بر نمی‌خیزد و آن یک نفر می‌گوید من نیاز دارم، پس به او گفته می‌شود نزد خزانه‌دار برو و به او بگو به راستی که مهدی به تو فرمان می‌دهد مالی به من بدهی. خزانه‌دار می‌گوید بگیر و مال را به او می‌دهد، وقتی مال

به دست آن فرد می‌رسد، پشیمان می‌شود و با خودش می‌گوید (آیا) از جهت نفسانی، من حریص‌ترین فرد امت محمد بودم، یا این که از آن چه به دیگران رسیده، به من کمتر رسیده؟! سپس از پشیمانی مال را برمی‌گرداند، اما از او پس گرفته نمی‌شود و به او گفته می‌شود چیزی که بخشیدیم باز پس نمی‌گیریم.

روایت ۶) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: يَنْزِلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يَسْمَعْ النَّاسُ بِبَلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ حَتَّى تَضِيقَ عَلَيْهِمُ الرَّحْبَةُ وَ حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ رَجُلًا يَمْلَأُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا يَعِيشُ فِيهِمْ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانًا أَوْ تِسْعًا يَتَمَتَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْخَيْرِ. بشارة المصطفى

۲۵۰

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در آخر الزمان بر امت من، بلاء شدیدی از حاکمان آنان نازل می‌شود که مردم بلائی شدیدتر از آن نشنیده‌اند، تا این که زمین با این گستردگی بر آنان تنگ می‌گردد و تا این که زمین از جور و ظلم پر گردد. سپس خداوند مردی را برانگیزد که

به دست او زمین را از قسط و عدل پر نماید، همچنان که از جور و ظلم پرگشته بود. فرشتگان ساکن آسمان و مردم ساکن زمین، از او خشنود گردند. زمین چیزی از محصول بذرش را ذخیره نمی‌کند، مگر این که تمام محصول آن را خارج سازد (و هر بذری به تمام و کمال حاصل می‌دهد) و آسمان چیزی از بارانش را دریغ نمی‌دارد، مگر این که خداوند به فراوانی بر مردم ببارد. حضرت در میان مردم هفت یا هشت سال زندگی می‌کند. به خاطر خیر فراوانی که خداوند با زمینیان می‌کند، زندگان آرزو می‌کنند مردگان هم زنده شوند (و از آن بهره‌مند گردند).

روایت ۷) فَيَضَعُهُ مِنْبَرُهُ فَيَخْطُبُ النَّاسَ فَتَسْتَبْشِرُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ وَ تُعْطِي السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ الشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تَتَزَيَّنُّ لِأَهْلِهَا وَ تَأْمَنُ الْوُحُوشُ حَتَّى تَرْعِي فِي طُرُقِ الْأَرْضِ كَأَنعَامِهِمْ وَ يُقَدِّفُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ الْعِلْمُ فَلَا يَحْتَاجُ مُؤْمِنٌ إِلَى مَا عِنْدَ أَخِيهِ مِنْ عِلْمٍ فَيَوْمِئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ يُعْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَ تُخْرِجُ لَهُمُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ يَقُولُ الْقَائِمُ كُلُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۸۵

پس حضرت مهدی از منبرش بالا می‌رود و برای مردم سخنرانی می‌کند، پس زمین، به عدل خوشحال می‌گردد و آسمان بارانش را و درخت میوه‌اش را و زمین گیاهش را به مردم می‌دهد و زمین خود را برای

اهل زمین بیاورید (و زیبا شود) و حیوانات وحشی (همچون آهو و...) آن چنان امنیت پیدا می کنند که همانند چهارپایان اهلی در راه های زمین (با آرامش) می چرند و علم، در دل های مؤمنین گذارده می شود، پس مؤمنی نیازمند دانش مؤمن دیگر نمی گردد. آن روز (مصدق) تأویل این آیه است که «خداوند همه را از گشایش (رحمت) خود بی نیاز می کند». و زمین گنج هایش را برای مردم آشکار می سازد و قائم علیه السلام می فرماید به سبب ابتلائاتی که در زمان های گذشته داشتید اینک از نعمتهای خدا بخورید، گوارایتان باد.

روایت ۸) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ كَأَنِّي بِدِينِكُمْ هَذَا لَا يَزَالُ مُؤَلِيًّا يَفْحَصُ بِدَمِهِ ثُمَّ لَا يَزُدُّهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ وَيَزُوقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَتُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۲

گویا من این دین شما را می بینم که همیشه شکست خورده است و در خون خودش دست و پا می زند، سپس این دین را کسی بر شما باز نمی گرداند، مگر مردی از ما اهل بیت، پس او در هر سال دوبار عطاء می دهد و هر ماه دوبار سهمیه روزی می دهد و در زمان او حکمت به شما ارزانی می شود، (و همه از آن بهره می برند آن چنان که) حتی زن در

خانه‌اش طابق کتاب خدای تعالی و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله حکم می‌کند.

روایت ۹) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ خَشِينَا أَنْ يَكُونَ بَعْدَ نَبِيِّنَا حَدَثٌ فَسَأَلْنَا نَبِيَّ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا زَيْدُ الشَّائِئِ قَالَ قُلْنَا وَ مَا ذَاكَ قَالَ سِنِينَ قَالَ فَيَجِيءُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيَّ أَعْطِنِي قَالَ فَيَحِثِّي لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۷

ابوسعید خدری گفت ترسیدیم که بعد پیامبر صلی الله علیه و آله ما اتفاقی بیفتد، لذا از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره پرسیدیم. حضرت فرمود به راستی که در امت من مهدی است که خروج می‌کند و... پس مردی نزد او می‌آید و می‌گوید ای مهدی به من عطا نما، پس حضرت به اندازه‌ای که توانایی حمل آن را داشته باشد، در دامنش می‌ریزد.

روایت ۱۰) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ إِنْ قَصُرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتِسْعٌ يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَلَا تَذْخِرُ مِنْهُمْ شَيْئًا وَالْمَالُ يَوْمِئِذٍ كُدُوسٌ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيَّ أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۸

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود مهدی در امت من می‌باشد... در

دوران ظهور مهدی، نعمت آن چنان بر امت من فراوان می شود که هرگز مانند آن اتفاق نیفتاده است. زمین تمام محصولش را می دهد و چیزی را (از مردم دریغ نمی کند و) برای خود ذخیره نمی کند و ثروت در آن روزگار (آن چنان فراوان است) که همچون خرمن، روی هم جمع می شود. مردی برمی خیزد و می گوید ای مهدی به من عطا کن حضرت می فرماید (هر چه می خواهی) بردار.

روایت (۱۱) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ إِنْ قَصَرَ عُمُرُهُ فَسَبْعُ سِنِينَ وَإِلَّا فَتِسْعُ يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ يُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مَذَرًا وَلَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۸

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود مهدی در امت من می باشد... در دوران امام زمان، امت من آن چنان نعمت می یابند که هرگز پیش از آن کسی از خوبان و بدان، این چنین متنعم نشده است. آسمان بر مردم فراوان ببارد و زمین چیزی از گیاهش را دریغ نکند. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۸

روایت (۱۲) وَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ يَتَوَارَى بِهِ يَهُودِي إِلَّا أَنْطَقَ اللَّهُ ذَلِكَ الشَّيْءَ لَا شَجَرٌ وَلَا حَجَرٌ وَلَا دَابَّةٌ إِلَّا قَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ الْمُسْلِمُ هَذَا كَافِرٌ فَاقْتُلْهُ، إِلَّا الْغُرْقَةَ فَإِنَّهَا مِنْ شَجَرِهِمْ وَلَا تَنْطِقُ، وَيَكُونُ عِيسَى فِي

أُمّتي حکما عدلا وإماما مقسطا، فیدقّ الصلیب ویقتل الخنزیر ویضع الجزية ویترك الصدقة ولا یسعی علی شاة، ولا تبقي بقرة، و ترفع الشحناء و التباغض، و تنزع حمة کلّ دابة حتی یدخل الولید یده فی فم الحنش فلا یضرّه، و تلقی الولیده الأسد فلا یضرّها، و یكون فی الإبل کأنّہ کلبها، و یكون الذئب فی الغنم کأنّہ کلبها، و تملأ الأرض من الإسلام، و یسلب الکفار ملکهم، و لا یكون الملك إلّا لله و للإسلام، و تكون الأرض کفاثور الفضة تنبت نباتها کما كانت علی عهد آدم، یجتمع النفر علی القنّاء فتشبعهم، و یجتمع النفر علی الرّمانة فتشبعهم، و یكون الفرس بدريهمات» هذا آخر الحديث، یعنی أنّ الناس یستغنون عن الجهاد، و یرغبون فی صفات الزّهّاد. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ص ۲۹۹

و چیزی آفریده‌های خداوند باقی نمی‌ماند که یهودی خودش را در پناه آن پنهان کند، مگر این که خداوند آن چیز را به سخن درآورد (تا مکان پنهان شدنش را آشکار کند، از این امر هیچ چیزی استثناء نیست) نه درخت و نه سنگ و نه حیوان، مگر این که (به سخن درآید و به مسلمان) گوید ای بنده مسلمان، این کافر است، پس او را بکش. تنها درخت غرقه سخن نمی‌گوید که از درختانی است که (طینتش) از آنان است و عیسی در امت من حکم عادل و امام دادگر است. پس

صلیب را می‌شکند و خنزیر را می‌کشد و جزیه بر کفار می‌نهد. (از زیادی ثروتمندی مردم) صدقه ترک می‌شود و... کینه و دشمنی مرتفع خواهد شد و زهر هر (حیوان) جنبه‌ای گرفته می‌شود (و حیوانات گزنده آن چنان بی‌خطر می‌گردند که) کودک دستش را در دهان افعی می‌گذارد و افعی زیانی نمی‌زند. (همچنین) کودک با شیر روبرو می‌شود، بدون این که شیر زیانی به کودک بزند، شیر در گله شتران، و گرگ در گله گوسفندان، همچون سگ نگهبان است و زمین از اسلام پر می‌شود و حکومت از کافران گرفته می‌شود و حکومت تنها برای خدا و برای اسلام است و زمین از آبادانی و سرسبزی همچون تشت نقره (درخشان و زیبا) شود، گیاهش را همچون زمانی که آدم علیه السلام (پا بر آن گذاشت)^۱ برویاند، (و آن چنان باروری آن فراوان شود که) گروهی با همدیگر بر (خوردن) یک خیار و یا یک انار اجتماع کنند، همگی سیر شوند و قیمت اسب، بسیار اندک می‌شود. مؤلف توضیح می‌دهد که چون مردم از جهاد بی‌نیاز می‌شوند و رغبت در صفات زهاد می‌کنند قیمت اسب اندک می‌گردد. (در معنای این جمله احتمالات دیگری هم می‌رود).

روایت ۱۳) قَالَ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٍ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعِصُمُ أَنْصَارُهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً وَ نُوراً وَ بُرْهَاناً يَدِينُ لَهُ عَرَضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ وَ تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ وَ تُخْرُجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَرْبَعِينَ عَاماً فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۰

خداوند مردی را در آخر الزمان و دوران سخت و دوران نادانی مردم برمی‌انگیزاند، خداوند او را به فرشتگانش تأیید می‌کند و یارانش را حفظ می‌کند و به آیات الهی او را یاری می‌کند و بر زمین مسلطش می‌گرداند، تا این که مردم خواسته یا ناخواسته از او اطاعت نمایند، زمین را پر از عدل داد و نور و برهان نماید، عرض و طول سرزمینها به اطاعت او درمی‌آیند، کافری نمی‌ماند مگر این که به حضرت ایمان می‌آورد و فاسد و گنهکاری نمی‌ماند مگر این که نیکوکار می‌شود، در زمان سلطنت امام زمان علیه السلام درندگان با یکدیگر در صلح و آرامش زندگی می‌کنند و زمین گیاهش را می‌رویاند و آسمان برکتش را نازل می‌کند و گنجها برای حضرت آشکار می‌شود و سلطنت قائم چهل سال، مشرق و مغرب را فرامی‌گیرد، پس خوشا به حال کسی که

روزگار او را درک کند و سخن او را بشنود.

روایت (۱۴) وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَلَا خَرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّجَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَيْنُهَا لَا يَهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ وَ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ وَ صَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَسْمَعُونَ مِنْ الْأَذَى لَقَرَّتْ أَعْيُنُكُمْ بحار الانوار ج ۱۰ ص ۱۰۴

و اگر قائم ما قیام نماید، البته که آسمان بارانش را بریزد و البته که زمین گیاهش را برویاند و البته که کینه از دل های بندگان زدوده شود و درندگان و چرندگان با هم در صلح و صفا زندگی کنند (و امنیت آن چنان گسترده می شود) تا این که زنی زنبیل بر سر، مسیر میان عراق و شام را پیاده طی کند در حالی که پایش را جز بر سبزه نگذارد (با آرامش کامل به مقصد برسد و) هیچ درنده ای او را مضطرب نسازد و نترساند و اگر بدانید (در دوران غیبت) در اقامت شما میان دشمنانتان و شکیبایی تان بر اذیتی که می شوید، چقدر فضیلتی برای شماست، البته از خوشحالی چشم تان روشن می گردد.

روایت (۱۵) عَنْ جَابِرٍ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ فَقَالَ لَهُ عَافَاكَ اللَّهُ اقْبِضْ مِنِّي هَذِهِ الْخَمْسِمِائَةِ دَرَاهِمٍ فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي فَقَالَ لَهُ

أَبُو جَعْفَرٍ ع خُذْهَا أَنْتَ فَصَعْهَا فِي جِيرَانِكَ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَالْمَسَاكِينِ مِنْ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ وَ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةَ وَ يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهَرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدَلاً وَ قِسْطاً وَ نُوراً- كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوَراً وَ شَرّاً. (الغيبة للنعماني ص: ۲۳۷)

آن زمان که قائم ما اهل بیت قیام نماید، (بیت المال را) به تساوی قسمت کند و در میان رعیت عدالت ورزد، پس کسی که از او فرمان برد، واقعا که از خدا فرمان برده است و کسی که او را نافرمانی کند، در حقیقت خدا را نافرمانی کرده است و همانا مهدی، مهدی نامیده شده است، به دلیل این که به امر پنهانی، هدایت می شود و تورات واقعی و سایر کتب خداوند عز و جل را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و در میان اهل تورات به تورات حکم می کند و در میان اهل انجیل به انجیل

و در میان اهل زبور (پیروان داود) به زبور و در میان اهل قرآن به قرآن حکم می‌کند. تمام اموال دنیا از دل زمین و روی زمین، نزد او جمع می‌شود، پس به مردم می‌گوید بیاوید به سوی آن چه (مالی که به خاطر آن) قطع رحم می‌کردید و خون حرام می‌ریختید و آن چه خداوند عز و جل حرام کرده بود مرتکب می‌شدید، پس بخششی می‌کند که هیچ کس پیش از او نبخشیده بود و زمین را از عدل و داد پر می‌کند همچنان که از ظلم و جور و شر پر شده بود.

روایت ۱۶) وَ عَنْهُ عِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ... وَيُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَيُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ وَيَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرُفُونَهَا وَيُدَوِّرُونَ فِي دُورِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ وَ سَاقِ الْحَدِيثِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلُّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهَرَهَا فَيَقَالُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ. (بحار الأنوار ج ۵۲، ص: ۳۹۰)

هنگامی که قائم آشکار شود... و در سال دو مرتبه به مردم عطا خواهد کرد و در ماه دو بار روزی آنها را خواهد داد و در میان مردم با حقوق برابر رفتار خواهد کرد (و مردم بدان پایه از توانگری می‌رسند) که

نیازمند زکات، نمی یابی و زکات داران زکاتشان را نزد شیعیان (به ظاهر) نیازمند می آورند ولی (آنان به خاطر بی نیازی) نمی پذیرند، پس مال زکات را در کیسه می کنند و میان خانه های مردم می چرخانند و به آنان عرضه می کنند، اما آنان می گویند نیازی به اموال شما نداریم... تمامی اموال اهل دنیا از درون و برون زمین، نزد آن حضرت جمع می شود. سپس به مردم گفته می شود برای گرفتن آن چه (از مال دنیا که برای به دست آوردن آن) قطع رحم می کردید و خون حرام می ریختید و مرتکب محارم می شدید، بیاید. پس حضرت بخششی می کند که هیچ کس پیش از آن چنین بخششی نکرده است.

روایت ۱۷) قَالَ عِمْرَانُ بْنُ الْحَصَيْنِ يَا رَسُولَ اللَّهِ صِفْ لَنَا هَذَا الرَّجُلَ قَالَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ شَنْوَةَ عَلَيْهِ عِبَاءَتَانِ قَطَوَاتَانِ اسْمُهُ اسْمِي فَعِنْدَ ذَلِكَ تُفْرَخُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَالْحَيْتَانِ فِي بَحَارِهَا وَتُمَدُّ الْأَنْهَارُ وَتَفِيضُ الْعُيُونُ وَتُنْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا ثُمَّ يُسِيرُ مُقَدِّمَتَهُ جَبْرَيْلُ وَسَاقَتُهُ إِسْرَافِيلُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴

عمران بن حصین گفت ای پیامبر این مرد (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) را برای ما توصیف نما، حضرت فرمود او مردی است از فرزندان حسین علیه السلام، او از مردانی است که کارهای ناپسند را

مبغوض دارد، بر او دو عباى قطوانى است نام او، نام من است، در آن هنگام پرندگان در لانه‌هایشان و ماهی‌ها در دریا‌هایشان (در کمال آرامش) تخم‌گذاری (یا شادی) می‌کنند و رودها به جریان می‌افتد و چشمه‌ها می‌جوشد و زمین محصولش را دو برابر می‌روياند، سپس جبرائیل مقدمه (پیشاهنگان) لشگرش را و اسرافیل ساقه (میانه) لشگرش را حرکت می‌دهد، پس زمین پر از عدل و داد می‌گردد همچنان که پیش از این پر از جور و ستم شده بود.

در ریاض الابرار به جای تُفْرُحُ الطُّيُورُ...، تفرح الطيور... آمده است.

روایت ۱۸) إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَلَمْ يَبَقْ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شُرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمَاءَ وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ وَأَبْطَلَ الْكُنْفَ وَالْمِيزَابَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَرَاَهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا وَيَفْتَتِحُ قُسْطَنْطِينِيَّةَ وَالصَّيْنِ وَجِبَالَ الدَّيْلَمِ فَيَمْكُثُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مِقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَكَيْفَ تَطُولُ السِّنُونَ قَالَ يَا مُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقَلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَالسِّنُونَ قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِذَا تَغَيَّرَ فَسَدَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الرِّبَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَقَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ ص وَرَدَّ الشَّمْسُ مِنْ قَبْلِهِ

لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ.

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۹

هنگامی که قائم قیام کند به سوی کوفه رود، چهار مسجد را در کوفه خراب نماید و هیچ مسجدی که دارای سازه مشرف و برجسته باشد را در زمین باقی نگذارد مگر این که (بخش مشرف و مرتفع را خراب کرده و آن را) صاف نماید و راه اصلی را توسعه دهد و تمامی پیش آمدگی‌های ساختمانها را که از فضای راه استفاده کرده، از بین می‌برد^۱ و تمام مجاری فاضلاب و آب باران که به خیابان باز شده تخریب می‌کند و هیچ بدعتی را رها نمی‌کند مگر این که آن را از بین ببرد و هیچ سنت ترک شده را رها نمی‌کند مگر این که آن را برپا دارد، و قسطنطنیه و چین و کوه‌های دیلم را فتح نماید، پس هفت سال عمر کند که هر سالش برابر ده سال از این سالهای شماسست، سپس خداوند آن چه را که بخواهد انجام می‌دهد. به حضرت عرض کردم فدای شما گردم چگونه سالها طولانی می‌گردد؟ فرمود خداوند به فلک دستور می‌دهد که درنگ نموده و به کندی حرکت کند، از این رو روزها طولانی

۱- احتمال می‌رود در عبارت تصحیفی شده باشد لذا بر اساس

سیاق این ترجمه محتمل است.

می‌گردد...

روایت ۱۹) عَلِيٌّ بْنُ عَاصِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عِنْدَهُ أَبِي بْنُ كَعْبٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ نُظْفَةً مُبَارَكَةً زَكِيَّةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ مِمَّنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِيثَاقَهُ فِي الْوَلَايَةِ وَيَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَا حِدٍ فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ نَقِيٌّ بَارٌّ مَرْضِيٌّ هَادٍ مَهْدِيٌّ أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرُهُ... كمال الدين و تمام النعمة، ج ۱، ص: ۲۶۴

پس او امام تقی نقی نیکوکار هادی مهدی، سرآمد و نخستین عدالت و منتهای عدالت است.

روایت ۲۰) عَلِيٌّ بْنُ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ ص فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ

مَوْضِعاً لِّصَدَقَتِهِ وَلَا لِبِرِّهِ لِسُؤْلِ الْغَنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ دَوْلَتَنَا
 آخِرُ الدُّوَلِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكَوْا قَبْلَنَا لَنَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا
 سَيْرَتَنَا إِذَا مَلَكَنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَالْعَاقِبَةُ
 لِلْمُتَّقِينَ. بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۳۳۸

هنگامی که قائم ما قیام کند، به عدالت حکم نماید و در روزگارش
 ستم برطرف شود و راه‌ها امن گردد و زمین برکاتش را بیرون آورد و تمام
 حقوق را به اهلش بازگرداند و در زمین اهل دینی دیگر باقی نماند مگر
 این که همگی اظهار اسلام نمایند و به ایمان به خدا اعتراف کنند، آیا
 نشنیده‌ای که خداوند سبحان می‌فرماید «و هر که در آسمانها و زمین
 است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده
 می‌شوند» و میان مردم به حکم داودی و حکم محمدی حکم نماید.
 پس در این روزگار زمین گنجهایش را ظاهر سازد و برکاتش را آشکار کند
 و مردی از شما جایی برای صدقه دادن و احسان پیدا نمی‌کند زیرا
 توانگری همه مؤمنان را فرا گرفته است. سپس فرمود راستی که حکومت
 ما آخرین حکومتهاست و هیچ اهل بیتی که مدعی حکومت هستند
 نمی‌مانند، مگر این که پیش از ما به قدرت برسند (و شکست عملی
 خود را ببینند) تا هنگامی که روش حکومتداری (موفق) ما را دیدند،
 ادعا نکنند اگر ما به حکومت می‌رسیدیم به مانند اینان حکومت

می‌کردیم و این مصداق سخن خدای تعالی است که «سرانجام نیکو از آن پرهیزکاران است».

هر چند در این روایت، امام معصوم ذکر نشده است، اما با توجه به شخصیت راوی، یعنی علی بن عقبه، علی القاعده مطلب از امام است، اما سقط شده است.

روایت (۲۱) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا خصال ج ۲ ص ۵۴۱

آن زمان که قائم ما قیام کند، خداوند عز و جل بیماری را از شیعیان برطرف نماید و دل‌های آنها را همچون قطعه‌های آهن محکم سازد و توانایی هر مردی از شیعیان ما را به اندازه چهل مرد قرار می‌دهد.

روایت (۲۲) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: ... وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْرِي سُنَّتُهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وَلَدِي فَيَبْلَغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهَا [مَنْهَلٌ] وَلَا مَوْضِعًا [مَوْضِعٌ] مِنْ سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَطَنُهُ ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا وَطَنُهُ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا وَيُنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص

خداوند تبارک و تعالی به زودی سنت خودش را در قائم از فرزندان من جاری خواهد ساخت، پس او را به شرق زمین و غرب آن می‌رساند، تا این که هیچ آبشخوری و مکانی از دشت و کوه باقی نماند که ذوالقرنین بر آن پا نهاده است، مگر این که قائم علیه السلام بر آن پا نهد و آن را تسخیر نماید و خداوند عز و جل گنجهای زمین و معادن آن را برای حضرت آشکار سازد و او را وسیله رعب و ترس یاری نماید، پس زمین را از عدل و داد پر سازد، آن گونه که پیش از آن از جور و ظلم پر گشته بود.

روایت ۲۳) فیملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً حتى ترعى الوحوش و السباع و تلعب بهم الصبيان و تأمن النساء من أنفسهن حتى لو أن امرأة في العراء لم تخف على نفسها، و يظهر الله كنوز الأرض للمؤمنين و يستغني كل مؤمن فقير بقدرة الله إلزام الناصب ج ۲، ص: ۲۴۹

پس زمین را از عدل پر می‌کند، آن گونه که پیش از این از جور پر شده است، آن چنان که حیوانات وحشی و درندگان (در کنار یکدیگر در آسایش) می‌چرند و زندگی می‌کنند و کودکان با آنها بازی می‌کنند و زنان در مورد خودشان (آن چنان) امنیت دارند که حتی اگر (تنها) در بیابان خلوتی باشند بر خودشان نگران نمی‌شوند و خداوند گنجهای زمین را برای مؤمنین آشکار می‌سازد و به قدرت الهی تمامی مؤمنان

بی نیاز می شوند.^۱

روایت (۲۴) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: تَوَاصَلُوا وَتَبَاَزَّوْا وَتَرَاخَمُوا فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَدِرْهَمِهِ مَوْضِعاً يَغْنِي لَا يَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ ع مَوْضِعاً يَصْرِفُهُ فِيهِ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعاً بِفَضْلِ اللَّهِ وَفَضْلِ وَلِيِّهِ فَقُلْتُ وَ أَتَى يَكُونُ ذَلِكَ - فَقَالَ عِنْدَ فَقْدِكُمْ إِمَامَكُمْ فَلَا تَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَطْلُعَ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطْلُعُ الشَّمْسُ آيَسَ مَا تَكُونُونَ فَأَيَّاكُمْ وَ الشَّكَّ وَ الْإِزْتِيَابَ وَ انْقُوعَا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الشُّكُوكَ وَ قَدْ حَدَّثْتُكُمْ فَاحْذَرُوا أَسْأَلُ اللَّهَ تَوْفِيقَكُمْ وَ إِزْشَادَكُمْ.

بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۷

۱- الزام الناصب این روایت را از عقد الدرر نقل می کند و محقق در پاورقی آورده است که در مصدر به جای کلمه «العرباء»، «العراء» آمده است.

ما نیز بر اساس مصدر ترجمه کردیم. عراء به معنای مکان خالی بی حفاظ مانند بیابان است. اما عرباء به معنی عرب خالص است. بر اساس نسخه عرباء نیز ممکن است این گونه ترجمه شود که زنان حتی در میان عربهای خالص که از نظر شهوت یا التزام به دین مشکل دارند، در امنیت کامل به سر می برند.

به همدیگر بخشش کنید و نیکی نمایید و رحم نمایید، سوگند به کسی که دانه را شکاف و انسان را آفرید البته زمانی بر شما خواهد آمد که هیچ یک از شما برای انفاق دینار و درهمش کسی را پیدا نمی‌کند، یعنی هنگام ظهور قائم علیه السلام جایی برای مصرف آن نمی‌یابد، چون همه مردم به فضل خداوند و فضل ولی او بی‌نیاز شده‌اند، پس به حضرت عرض کردم چه زمانی چنین می‌شود؟ فرمود: هنگام از دست دادن امامتان، پس پیوسته چنین باشد تا این که در نهایت ناامیدی آن حضرت بر شما طلوع کند، همچنان که خورشید طلوع می‌کند، پس بهره‌یزید از شک و ریب، و شکها را از خودتان بزدایید و به تحقیق به شما هشدار دادم، پس هوشیار باشید، از خداوند توفیق و ارشاد شما را خواستارم.

روایت (۲۵) مُحَمَّدُ بْنُ فَضِيلٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَالْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ، فَإِذَا أَرَادَ وَاحِدٌ حَاجَةً أَرْسَلَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْضِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَحْمِلَهُ، فَيَحْمِلُهُ الْمَلَكُ حَتَّى يَأْتِيَ الْقَائِمَ، فَيَقْضِي حَاجَتَهُ، ثُمَّ يَرْدُّهُ. وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَسْجِيًّا، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْبِقُ الْمَلَائِكَةَ، وَ مِنْهُمْ مَنْ تَحَاكُمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ؛ وَ الْمُؤْمِنُونَ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ

مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصَيِّرُهُ الْقَائِمُ قَاضِيًا بَيْنَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ. دلائل الامامة ۴۵۴

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند به فرشتگان فرمان دهد که بر مؤمنین سلام دهید و با آنان در مجالس شان بنشینید، پس زمانی که یکی از مؤمنین کاری نزد امام داشته باشد، قائم بعضی از فرشتگان را می فرستند که او را نزد حضرت بیاورد، پس فرشته او را حمل می کند، تا این که او را نزد قائم می رساند، پس حضرت حاجت او را روا می کند، سپس آن فرشته او را باز می گرداند. و از مؤمنین کسانی هستند که در ابر سیر می کنند و از آنان کسانی هستند که با فرشتگان پرواز می کنند و از آنها کسانی هستند که با فرشتگان پیاده راه می روند و از آنها کسانی هستند که از فرشتگان پیشی می گیرند و از آنان کسانی هستند که فرشتگان، اختلافاتشان را نزد آنها حل و فصل می کنند و مؤمنین نزد خداوند گرامی تر از فرشتگان هستند و از مؤمنین کسانی هستند که قائم آنها را میان صد هزار فرشته به عنوان قاضی منصوب می کند.

روایت (۲۶) يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي تَشْكُ النَّاسُ فِي وَلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ يَضَعُ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ

مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْدُّعَاءِ إِلَيْهِ إِلَّا إِنْ حُجَّهَ اللَّهُ قَدْ
ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ. بحار

الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱

خداوند به وسیله قائم علیه السلام زمین را از هر ستمی پاک می سازد
و از هر ظلمی منزّه می گرداند و قائم همان کسی است که مردم در
تولدش تردید می کنند و او پیش از خروجش، صاحب غیبت است،
زمانی که قائم علیه السلام خروج کند زمین به نور او درخشان می گردد،
ترازوی عدالت را میان مردم می گذارد، پس هیچ کس به کس دیگر ستم
نمی کند و او کسی است که زمین برای او پیچیده می شود (و طی
الارض دارد) و برای او سایه نیست و او کسی است که (درباره او) ندا
دهنده ای که صدای او را همه اهل زمین می شنوند از آسمان ندا
می دهد که مردم را به سوی او می خواند و می گوید آگاه باشید که به
راستی حجت خدا در کنار خانه او (کعبه) آشکار شده است، پس از
او پیروی نمایید به راستی که حق با اوست و در دست اوست و این
مصدق سخن خدای عز و جل است که می فرماید «اگر بخواهیم،
معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم، تا در برابر آن، گردنهایشان
خاضع گردد».

روایت ۲۷) عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا قَالَ رَبُّ الْأَرْضِ إِمَامُ الْأَرْضِ قُلْتُ فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَا ذَا قَالَ إِذَا يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ نُورِ الْقَمَرِ وَ يَجْتَزُّونَ بِنُورِ الْإِمَامِ. بحار الانوار ج ۷ ص ۳۲۶

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام شنید که حضرت درباره این سخن خدا در قرآن که «و زمین به نور پروردگارش درخشان گردد» فرمود: پروردگار زمین، امام زمین است. به امام گفتم پس زمانی که امام خروج کند چه خواهد شد؟ فرمود در این دوران مردم از پرتو خورشید و نور ماه بی نیاز خواهند شد و به نور امام بسنده می کنند.

روایت ۲۸) قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا سَيِّدِي وَ تَظْهَرُ الْمَلَائِكَةُ وَ الْجِنُّ لِلنَّاسِ قَالَ إِي وَ اللَّهِ يَا مُفَضَّلُ وَ يُخَاطَبُونَهُمْ كَمَا يَكُونُ الرَّجُلُ مَعَ حَاشِيَتِهِ وَ أَهْلِهِ قُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ يَسِيرُونَ مَعَهُ قَالَ إِي وَ اللَّهِ يَا مُفَضَّلُ وَ لَيَنْزِلَنَّ أَرْضَ الْهَجْرَةِ مَا بَيْنَ الْكُوفَةِ وَ النَّجَفِ وَ عَدَدُ أَصْحَابِهِ ع حِينَئِذٍ سِتَّةٌ وَ أَرْبَعُونَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ سِتَّةٌ أَلْفٍ مِنَ الْجِنِّ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ مِثْلُهَا مِنَ الْجِنِّ بِهِمْ يَنْصُرُهُ اللَّهُ وَ يَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰

مفضل گفت ای آقای من آیا فرشتگان و جنیان برای مردم آشکار می شوند؟ حضرت فرمود بله، سوگند به خدا ای مفضل، و مردم با فرشتگان و جنیان سخن خواهند گفت همچنان که انسان با اطرافیان

و بستگانش سخن می گوید. گفتم ای آقای من آیا فرشتگان و جنیان با او حرکت (و همراهی) می کنند؟ فرمود بله، سوگند به خدا ای مفضل، البته که در سرزمین هجرت که میان کوفه و نجف است فرود می آیند (و ساکن می گردند) و تعداد اصحاب حضرت در آن زمان، چهل و شش هزار از فرشتگان و شش هزار از جنیان است...

روایت ۲۹) وَ يَقُولُ لِلْمَهْدِيِّ سِرِّ بِالْمَلَائِكَةِ وَ خُلَصَاءِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ نُقَبَائِكَ الْمُخْتَارِينَ وَ مَنْ سَمِعَ وَأَطَاعَ اللَّهَ لَنَا فَأَحْمِلْ خَيْلَكَ فِي الْهَوَاءِ فَإِنَّهَا تَرْكُضُ كَمَا تَرْكُضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ أَحْمِلْهَا عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ فِي الْبَحَارِ وَ الْأَمْصَارِ فَإِنَّهَا تَرْكُضُ بِخَوَافِهَا عَلَيْهِ فَلَا يُبَلُّ لَهَا حَافِرٌ وَ إِنَّهَا تَسِيرُ مَعَ الطَّيْرِ وَ تَسْبِقُ كُلَّ شَيْءٍ فَخُذْ بِثَارِكَ وَ ثَارِنَا وَ اقْتَصِ بِمَطَالِمِنَا مِنْهُمْ وَ أَظْهِرْ حَقَّنَا وَ أَزْهِقِ الْبَاطِلَ فَإِنَّهَا دَوْلَةٌ لَا لَيْلَ فِيهِ وَ لَا ظُلْمَةٌ وَ لَا قَتَامٌ...

هدایة الکبری ۴۲۹

و پیامبر صلی الله علیه و آله به مهدی علیه السلام می گوید که همراه با فرشتگان و مؤمنان خالص جنی و انسی و همراه نقیبانت که انتخاب شده اند و همراه هر کسی که صدای تو را شنید و خدا را فرمان برد، حرکت کن پس سوارانت را در هوا بتازان که آنان همچنان که در زمین می دوند در هوا نیز حرکت می کنند و همچنین سوارانت را بر رو آب، در دریاها و سرزمین ها بتازان، پس آنان با اسبهایشان (در دریاها)

می‌دوند، ولی پای اسب‌شان تر نمی‌گردد و سوارانت همراه پزندگان پرواز می‌کنند و از هر چیز پیشی می‌گیرند، پس انتقام خون (اجداد) خودت و انتقام خون ما را بگیر و حق‌های پایمال شده ما را از ظالمین قصاص نما و حق ما را آشکار کن و باطل را نابود ساز، پس حکومت قائم حکومتی است که در او شب و تاریکی و غبار نیست...

روایت (۳۰) وَ يَصِيرُ الدِّينُ لِلَّهِ وَاصِبًا فَإِذَا صَفَتْ جَرَتْ أَنْهَارُهَا بِالْمَاءِ وَاللَّبَنِ وَالْعَسَلِ وَالْخَمْرِ بَغِيرِ بَلَاءٍ وَلَا غَائِلَةٍ وَتُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالْبَرِّ وَتُمْطَرُ السَّمَاءُ خَيْرَهَا وَتُخْرَجُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتَعْظُمُ الْبُرَّةُ حَتَّى تَصِيرَ حِمْلَ بَعِيرٍ وَيَجْتَمِعُ الْإِنْسَانُ وَالسَّبُعُ وَالطَّيْرُ وَالْحَيَّةُ وَسَائِرُ مَنْ يَدْبُ فِي بُقْعَةٍ وَاحِدَةٍ فَلَا يُوحِشُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بَلْ يُؤْنِسُهُ وَنُحَادِثُهُ وَيَشْرَبُ الدُّنْبُ وَالشَّاةُ مِنْ مَوْرِدٍ وَاحِدٍ وَيَصُدِّرَانِ كَمَا يَصُدِّرُ الرَّجُلَانِ الْمُتَوَاحِيَانِ فِي اللَّهِ مِنْ وَرْدِهِمْ وَتَخْرُجُ الْفَتَاةُ الْعَاتِقُ وَالْعَجُوزُ الْعَاقِرُ وَ عَلَى رَأْسِهَا مَكْيَالٌ مِنْ دَقِيقٍ أَوْ بُرٍّ أَوْ سَوِيقٍ وَتَبْلُغُ حَيْثُ شَاءَتْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا يَمَسُّهَا نَصَبٌ وَلَا لُغُوبٌ وَتَرْتَفِعُ الْأَمْرَاضُ وَالْأَسْقَامُ وَيَسْتَعْنِي الْمُؤْمِنُ عَنْ قَصِّ شَعْرِهِ وَتَقْلِيمِ أَظْفَارِهِ وَغَسْلِ أَثَوَابِهِ وَ عَنْ حَمَامٍ وَ حَجَّامٍ وَ عَنْ طَبِّ وَ طَبِيبٍ وَ يُفْصَحُ عَنْ كُلِّ ذِي نُطْقٍ مِنَ الْبَشَرِ وَ الدَّوَابِّ وَ الطَّيْرِ وَ الْهَوَامِّ وَ الدَّيْبِ وَ تُفْقَدُ جَمِيعُ اللُّغَاتِ وَ لَمْ يَبْقُ إِلَّا اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ بِإِفْصَاحِ لِسَانٍ وَاحِدٍ وَ لَا يَخْرُجُ الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى مِنْ صَلْبِهِ أَلْفَ وَلَدٍ

ذَكَرَ مُؤْمِنٍ مُّوَحِّدٍ تَقِيٍّ. هداية الكبرى ۴۳۰

و دین در تمامی جهان برای همیشه دین خدا خواهد شد، پس هنگامی که (زمین از کفر و شرک و ظلم) پاک گردید، رودهای زمین با آب و شیر و عسل و شراب جریان پیدا می‌کند، (نوشیدن آنها نهایت لذت را دارد) بدون این که هلاک و فساد می‌کند، (مانند مستی و... در آن) باشد و درهای آسمان به نیکی گشوده می‌شود و آسمان خیرش را می‌بارد و زمین گنجهایش را خارج می‌سازد و یک دانه گندم آن چنان رشد می‌کند که به اندازه بار یک شتر می‌گردد و انسان و درندگان و پرندگان و مارها و بقیه جنبندگان در یک مکان اجتماع می‌کنند، بدون این که بعضی از بعضی دیگر وحشت کنند، بلکه این حیوانات، مونس انسان خواهند بود و با او سخن می‌گویند^۱ و گرگ و گوسفند از یک آبشخور آب می‌خورند و همانند دو برادر ایمانی از آبشخورشان (با همدیگر و به مهربانی) برمی‌گردند و دختر نوجوان و پیر فرتوت از خانه‌اش بیرون می‌آید در حالی که بر سرش مقداری آرد یا گندم یا سویق است و (مسیرش را طی می‌کند تا) به سرزمینی که می‌خواهد می‌رسد، در حالی که نه خستگی به او می‌رسد و نه رنجی و نه امر ناگواری، و

۱- در متن نُحَادِثُهُ است اما به قرینه در آن تصرف کردیم.

مرضها و بیماری‌های مزمن برطرف می‌گردد و مؤمن از کوتاه کردن مو و ناخن و شستن لباسهایش و حمام رفتن و حجامت کردن و از علم پزشکی و از پزشک بی‌نیاز می‌شود و معنی زبان هر صاحب سخنی از بشر و چهارپا و پرنده و گزنده و جنبده آشکار می‌شود و (سپس) همه زبانها نابود می‌شود و جز زبان عربی باقی نمی‌ماند و مؤمن از دنیا نمی‌رود، مگر این که از نسلش هزار پسر مؤمن موحد متقی ببیند.

روایت (۳۱) عَبْدُ الْكَرِيمِ الْخَثْعَمِيُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ ع فَقَالَ سَبْعَ سِنِينَ يَطُولُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ سِنُو مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ... بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷

عبدالکریم خثعمی گفت به امام صادق علیه السلام گفتم قائم چند سال حکومت می‌کند؟ فرمود هفت سال. (اما) روزها و شبها طولانی می‌شود آن چنان که یک سال از سالهای دوران ظهور، به اندازه ده سال از سالهای شماسست، پس سلطنت او هفتاد سال از سالهای شما می‌شود...

روایت (۳۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوَّلُ مَا يُظْهَرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمْ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدَ وَالطَّوَافِ. بحار الانور ج ۵۲ ص ۳۷۴

نخستین عدالتی که قائم علیه السلام آشکار می‌کند این است که منادی از جانب ایشان ندا می‌دهد کسی که حج مستحب دارد، مکان حجر الاسود و طواف را به کسی که حج واجب دارد واگذار کند.

روایت (۳۳) ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا فَلَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَ أَعْتَقَهُ وَ لَا غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ وَ لَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا وَ لَا يَقْتُلُ مِنْهُمْ عَبْدًا إِلَّا أَدَّى ثَمَنَهُ دِيَّةً مُسَلَّمَةً إِلَى أَهْلِهِ وَ لَا يَقْتُلُ قَتِيلًا إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَ أَلْحَقَ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ عُدْوَانًا بحار الأنوار ج ۵۲، ص: ۲۲۵

سپس رو به کوفه آورد، و منزلش در کوفه باشد و هیچ غلام مسلمانی را رها نمی‌کند مگر این که آن را بخرد و آزاد کند و هیچ مقروضی را رها نمی‌کند مگر این که قرضش را اداء نماید و هیچ مظلومه‌ای از احدی از مردم را رها نمی‌کند مگر این که آن را به صاحبش برگرداند و بنده‌ای از مردم را نمی‌کشد مگر این که دیه او را به اهلش بدهد و کسی کشته نمی‌شود مگر این که قرضش را اداء نماید و خانواده‌اش را در فهرست عطای (بیت المال) جا دهد، تا این که زمین پر از قسط و عدل گردد، بدان سان که پیش از آن پر از ظلم و جور و عدوان شده بود.

روایت (۳۴) وَ قَالَ أَيْضاً حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي

بَكْرِ الْمُقَرِّي عَنْ نَعِيمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ لَيْثٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ قَالَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا صَاحِبُ مِلَّةٍ إِلَّا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَالذِّئْبُ وَالْبَقَرَةُ وَالْأَسَدُ وَالْإِنْسَانُ وَالْحَيَّةُ وَحَتَّى لَا تَقْرَضَ فَأَرَةً جِرَابًا وَحَتَّى تُوَضَعَ الْجِزْيَةُ وَيُكْسَرَ الصَّلِيبُ وَيُقْتَلَ الْخَنْزِيرُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ ع. بحار الأنوار ج ۵۱، ص: ۶۱

ابن عباس درباره این آیه قرآن «تا دین خدا را بر تمام ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند» گفت این امر محقق نمی‌شود، تا این که یهودی و نصرانی و صاحب دینی باقی نماند جز این که در اسلام داخل گردد، و تا این که گوسفند و گرگ و گاو و شیر و انسان و مار در امان باشند و حتی موشی هم کیسه‌ای را سوراخ نکند و تا این جزیه برداشته شود و صلیب شکسته شود و خنزیر کشته شود و این است مصداق این آیه که «تا دین خدا را بر تمام ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند» و این امر هنگام قیام قائم خواهد بود.

روایت (۳۵) ثُمَّ يَأْمُرُ مَنْ يَخْفِرُ مِنْ ظَهْرِ مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ ع نَهْرًا يَجْرِي إِلَى الْعَرَبِيِّينَ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَاءُ فِي النَّجَفِ وَيَعْمَلُ عَلَى فَوْهَتِهِ الْقَنَاطِيرُ وَ

الْأَرْحَاءُ فَكَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مِكَتِلٌ فِيهِ بُرٌّ تَأْتِي تِلْكَ الْأَرْحَاءُ
فَتَطَّحْنُهُ بِلَاكِزَاءٍ. الارشاد ج ۲ ص ۳۸۰

سپس مهدی علیه السلام فرمان می دهد کسی از پشت کربلا نهری را تا نجف حفر نماید، تا آب به نجف برسد و در دو طرف آن پل ها و آسیاب هایی بسازند. پس گویا پیری را می بینم که بر سرش ظرفی گذاشته که در آن گندم است پس این آسیابها بدون هیچ اجرتی آن را برایش آرد می کنند.

روایت (۳۶) عن عبایة الأسدي أنه سمع أمير المؤمنين ع يقول «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً - وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» أَكَانَ ذَلِكَ بَعْدَ قُلْتِ: نعم يا أمير المؤمنين، قال: كلا والذي نفسي بيده - حتى يدخل المرأة بمن عذب أمين - لا يخاف حية ولا عقرباً فما سوى ذلك. تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳

ممکن است تصحیفی در روایت باشد و احتمال می رود صحیح آن بدخول المرأة بماء عَذَبَ باشد. عَذَبَ خاشاک و سبزه هایی است روی آب را می گیرد و داخل آب دیده نمی شود. بر اساس این احتمال معنای روایت این می شود که:

عبایة اسدی از امیرالمؤمنین علیه السلام (درباره این آیه) شنید که حضرت می فرمود: (آیا جز دین خدا را می جویند؟) با آنکه هر که در

آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می‌شوند. (در این باره حضرت از من، یعنی عباة، پرسید:) آیا آن زمان فرا رسیده است؟ گفتم آری ای امیرالمؤمنین. فرمود سوگند به کسی که جانم به دست اوست هرگز (زمان آن فرا نرسیده است) تا زمانی که زن وارد آبی می‌شود که سطح آن پوشیده است و نمی‌بیند چیزی خطرناکی داخل آن هست یا نه؟ اما امنیت آن چنان است که با اطمینان کامل و بدون ترس از ماری، عقربی و... وارد آب می‌شود.

روایت (۳۷) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةٍ بَرَأَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ. خرائج ج ۲ ص ۸۳۹

هر بیماری که (دوران) قائم اهل بیت مرا درک کند، خوب می‌شود و هر ناتوانی که او را درک کند توانا می‌گردد.

روایت (۳۸) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ.

زمانی که قائم قیام کند خداوند بیماری را از هر مؤمنی می‌برد و نیروی (از دست رفته) او را باز می‌گرداند.

روایت (۳۹) ثُمَّ لَا قَتْلَ كُلِّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ وَاعْرَضَ عَلَى الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ سَائِرِ الْمَلَائِكَةِ وَ

لَا خَيْرَ لَهُمْ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَالصَّيْفِ فَمَنْ أَسْلَمَ مَنَنْتُ عَلَيْهِ وَمَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ
 أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ وَلَا يَبْقَى رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَمْسَحُ عَنْ
 وَجْهِهِ التُّرَابَ وَيَعْرِفُهُ أَزْوَاجَهُ وَمَنْزِلَتَهُ فِي الْجَنَّةِ وَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ
 الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُقْعَدٌ وَلَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ
 وَلَيُنْزِلَنَّ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يُرِيدُ
 اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَلَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشِّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَثَمَرَةَ الصَّيْفِ فِي
 الشِّتَاءِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم
 بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ثُمَّ
 إِنَّ اللَّهَ لَيَهَبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ
 فِيهَا حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا
 يَعْمَلُونَ.

البته که هر جنبنده ای که خداوند گوشت آن را حرام کرده، می کشم،
 تا این که بر زمین جز پاک و پاکیزه باقی نماند و بر یهودیان و مسیحیان
 و سایر ملل، دین را (با ادله و برهان) عرضه می کنم (آن چنان که اتمام
 حجت شود و آنان حقانیت دین را آشکارا بیابند) و آنان را میان
 مسلمان شدن (پس از اتمام حجت از برهان و دلیل) و کشته شدن (به
 خاطر دشمنی کور با حق و حقیقت) مخیر می سازم، پس هر که
 مسلمان شود بر او منت می گذارم (و گناهان گذشته اش را عفو می کنم)

و هر کس (به خاطر عناد و دشمنی با حق) اسلام را خوش ندارد، خداوند خونس را می‌ریزد و هیچ مردی از شیعیان ما باقی نمی‌ماند مگر این که خداوند فرشته‌ای به سوی او می‌فرستد تا گرد و خاک (خستگی) از چهره او بزداید و همسران و خانه‌اش در بهشت را به او بنماید و بر روی زمین کور و زمینگیر و مبتلایی باقی نماند، جز این که خداوند به برکت ما اهل بیت، بلایش را از او برطرف سازد و قطعاً برکت از آسمان به سوی زمین فرود می‌آید، آن چنان که درخت به خاطر فراوانی میوه‌ای که خداوند در آن قرار داده (شاخه‌هایش از سنگینی) می‌شکند و قطعاً میوه زمستانی را در تابستان می‌خورید و میوه تابستانی را در زمستان و این (دوران، مصداق) این گفته خدای عز و جل است که: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم. یقیناً (در دوران امام زمان علیه السلام) خداوند به خاطر کرامت شیعیان، هدیه‌ای (آگاهی) به آنان می‌بخشد که چیزی در زمین و درون زمین از آنان پوشیده نخواهد بود. آن چنان که اگر مردی از آنان اراده کند بداند خانواده‌اش چه می‌کنند، خواهد دانست، و به خانواده‌اش اطلاع خواهد داد که نسبت به کارهای آنان آگاهی می‌یابد. (توجه به این نکته لازم است که دوران ظهور و دوران رجعت

مشترکات فراوانی دارند. از این رو به روایات رجعت هم استشهاد می‌کنیم.)

روایت ۴۰، قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوحَدَ اللَّهُ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ وَ حَتَّى يَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ وَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ بَذَرَهَا وَ يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ قَطَرَهَا وَ يُخْرِجُ النَّاسَ خَرَجَهُمْ عَلَى رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَ يُوسِّعُ اللَّهُ عَلَى شِيعَتِنَا وَ لَوْ لَا مَا يُدْرِكُهُمْ مِنَ السَّعَادَةِ لَبَغَوْا... بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۵

سوگند به خدا (پس از ظهور، امام زمان علیه السلام و یارانش) می‌جنگند تا این که وحدانیت خدا حاکم شود و چیزی شریک او نگردد (و عدالت و امنیت آن چنان حاکم گردد که) پیرزنی ناتوان از (خانه‌اش در) مشرق بیرون آید به طرف مغرب (سفر) کند (آن چنان امنیت اجتماعی بر جامعه حاکم است که همگی به سلامت رسیدن او اطمینان دارند و از این رو) احدی او را از این سفر نهی نمی‌کند.

روایت ۴۱، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ ع نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ يُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مَذَارًا وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۳

امت من در زمان مهدی آن چنان متنعم می‌شوند که هرگز پیش از آن متنعم نشده‌اند، آسمان بر آنان فراوان ببارد و زمین چیزی از گیاهش

را فرو گذار نکند، مگر آن که بیرون آورد.

روایت ۴۲) عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ - يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يُنْظَرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶

آن زمان که قائم ما قیام کند، خداوند چنان توانی به گوش‌ها و دیدگان آنان می‌دهد که میان آن‌ها و قائم علیه السلام پیام رسانی نخواهد بود، (چرا که در هر کجا که باشند مستقیماً) قائم علیه السلام با آن‌ها صحبت می‌کند و آنان هم صدای او را می‌شنوند و او را می‌بینند، انگار که آنجا هستند.

روایت ۴۳) ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ. بحار الانوار ج ۳۹۱ ص ۵۲

به راستی که مؤمن در زمان قائم علیه السلام از مشرق (زمین) بردارش را که در مغرب است می‌بیند و همچنین مؤمنی که در مغرب است بردارش را که در مشرق است می‌بیند.

روایت ۴۴) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَكُونُ شِيعَتُنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَنَامَ الْأَرْضِ وَ حُكَّامُهَا يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا.

بحار الانور ج ۵۲ ص ۳۷۲

شیعیان ما در دولت قائم علیه السلام بزرگان زمین و و حاکمان آن هستند. به هر مردی از آنان نیروی چهل مرد عطا می شود.

روایت (۴۵)، قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ أُلْقِيَ الرُّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَخَرَجَ مَهْدِيُنَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرَى مِنَ اللَّيْثِ وَآمَصَى مِنَ السِّنَانِ يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَيَقْتُلُهُ بِكَفَّيْهِ. بحار الانور ج ۵۲ ص ۳۷۲

اکنون رعب و ترس از دشمنان ما در دل‌های شیعیان ما افتاده شده است. اما آن زمان که امر ظهور ما اتفاق افتد و مهدی ما خارج شود، هر یک از شیعیان ما جسورتر از شیر و برنده تر از نیزه خواهد بود، با قدمش پا بر دشمن ما می گذارد و با دو دستش (بدون نیاز به اسلحه) او را می کشد.

روایت (۴۶)، عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةً كَثِيرَةً فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لَأَطَاعُوكَ وَاتَّبَعُوكَ فَقَالَ يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ لَا قَالَ فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أَبْخُلُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ النَّاسَ فِي هُدًى نُنَاكِحُهُمْ وَنُورُثُهُمْ وَنُقِيمُ عَلَيْهِمُ الْحُدُودَ وَنُؤَدِّي أَمَانَتَهُمْ حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَامَلَةُ وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ. (بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۷۲)

برید عجلی گفت به امام باقر علیه السلام گفته شد این چنین است

که یاران ما در کوفه جمعیت فراوانی هستند، اگر فرمان دهی از تو اطاعت و پیروی می‌کنند (پس چرا خروج نمی‌کنید؟). حضرت فرمود آیا یکی از آنها می‌آید از کیسه بردارش (پولی به مقدار) نیازش را بردارد؟ (و مورد اعتراض واقع نشود؟) پاسخ داد نه، چنین نیست. حضرت فرمود پس اینان نسبت به خون‌شان بخیل‌تر (از مال‌شان) هستند. (چگونه در اطاعت و یاری ما حاضر به کشته شدن خواهند بود؟!)

سپس فرمود به راستی که مردم (در حال حاضر) در صلح و سازش و آرامش هستند، با آنها ازدواج می‌کنیم و از آنها ارث می‌بریم و بر آنها اقامه حد می‌کنیم و امانتهای آنها را اداء می‌کنیم، تا آن زمان که قائم قیام نماید (آنگاه) یک رنگی می‌آید، آن چنان که مردی دست در جیب بردارش می‌کند و به مقدار نیاز از آن بر می‌دارد و بردارش او را منع نمی‌کند.

روایت ۴۷) زَيْدُ الرَّزَادِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع نَحْشَى أَنْ لَا نَكُونَ مُؤْمِنِينَ قَالَ وَلَيْمَ ذَاكَ فَقُلْتُ وَذَلِكَ أَنَّا لَا نَجِدُ فِيْنَا مَنْ يَكُونُ أَخُوهُ عِنْدَهُ أَثَرٌ مِنْ دِرْهَمِهِ وَدِينَارِهِ وَنَجِدُ الدِّينَارَ وَالدِّرْهَمَ أَثَرٌ عِنْدَنَا مِنْ أَخٍ قَدْ جَمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ مَوْلَاهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ كَلَّا إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَلَكِنْ لَا تُكْمِلُونَ إِيْمَانَكُمْ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَخْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ... بحار الانوار ج ۶۴ ص ۳۵۱

زید زراد می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتم می‌ترسیم که مؤمن نباشیم. حضرت فرمود چرا؟ گفتم به خاطر این که ما در میان خودمان کسی را نمی‌یابیم که برادر دینی‌اش نزد او عزیزتر از درهم و دینارش باشد و دینار و درهم نزد ما عزیزتر از برادری است که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ما و او را در (یک گروه) جمع کرده است. حضرت فرمود هرگز چنین نیست. واقعا که شما مؤمن هستید و لکن ایمان شما کامل نمی‌شود تا این که قائم ما خروج کند، پس در آن هنگام خداوند، درک شما را جمع (و متمرکز و کامل) می‌کند، پس از آن شما مؤمن کامل می‌گردید.

روایت (۴۸) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۸

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد و خداوند به واسطه آن، عقول آن‌ها را جمع می‌کند و درکها را کامل می‌نماید.

یادآوری: احلام جمع حلم است، این ماده دارای معانی متفاوتی است. معنای چهارم آن ارتباط بسیار نزدیکی با خرد دارد. به دلیل روشن نشدن دقیق معنای آن، آن را با واژه «درک» ترجمه کردیم.

روایت (۴۹) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۳۶
 هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر روی سر بندگان قرار می‌دهد و به (برکت) دست آن حضرت، عقول آن‌ها را تجمیع (و کامل) می‌کند و اخلاق آن‌ها را کامل می‌نماید.

روایت (۵۰) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸)

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر روی سر بندگان قرار می‌دهد و به (برکت) دست آن حضرت، عقول آن‌ها را جمع می‌کند و درک آن‌ها را کامل می‌نماید.

روایت (۵۱) عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ أَيُّجِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيُذْخِلُ يَدَهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ فَقُلْتُ مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فِينَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ فَلَا شَيْءَ إِذَا قُلْتُ فَالْهَلَاكُ إِذَا فَقَالَ إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَخْلَاقَهُمْ بَعْدُ. بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۲۵۵

امام باقر علیه السلام از یکی از اصحابش پرسید آیا (شما به این کمال رسیده‌اید که) یکی از شما نزد برادر (دینی‌اش) بیاید و دست در جیب او کرده و آن چه نیاز دارد، بردارد و برادرش (اعتراضی نکند و) او

را از این کار باز ندارد؟! به حضرت پاسخ دادم که من چنین چیزی را در میان خودمان نمی‌شناسم. حضرت فرمود پس اگر چنین است چیزی (از کمال در شما) نیست. به حضرت عرض کردم پس هلاکت و نابودی (نصیب ما) است. حضرت فرمود به راستی که تا کنون (آن چنان که باید و شاید) خرد، به آنها عطا نشده است.

روایت ۵۲) عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَ أَشْكَنَهُ قُلُوبَ أَعْدَائِنَا فَوَاحِدُهُمْ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ وَ أَجْرَى مِنْ لَيْثٍ يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمَحِهِ وَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَ يَدُوسُهُ بِقَدَمِهِ. بحار الأنوار ج ۲، ص ۳۳۶

به راستی که خداوند ترس را از دل‌های شیعیان ما می‌کند و در دل‌های دشمنان ما ساکن می‌گرداند پس یکی از شیعیان ما برنده‌تر از نیزه و جسورتر از شیر است، دشمنش را با نیزه‌اش زخمی می‌کند و با شمشیرش می‌زند و با پایش لگد مال می‌کند.

روایت ۵۳) عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرِينَ حَرْفًا. بحار الأنوار ج ۲، ص ۳۳۶

علم بیست و هفت حرف است. تمامی آن چه پیامبران آورده اند دو حرف علم است و مردم تا کنون به غیر دو حرف، نمی شناسند. آن زمان که قائم ماقیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار سازد و آنها را در میان مردم منتشر می کند و دو حرف (پیشین) را به آن ضمیمه نماید تا تمام آن بیست و هفت حرف را منتشر نماید.

روایت ۵۴) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع هَذِهِ التُّجُومُ الَّتِي فِي السَّمَاءِ مَدَائِنٌ مِثْلُ الْمَدَائِنِ الَّتِي فِي الْأَرْضِ مَرْبُوطَةٌ كُلُّ مَدِينَةٍ إِلَى عَمُودٍ مِنْ نُورٍ طُولُ ذَلِكَ الْعَمُودِ فِي السَّمَاءِ مَسِيرَةُ مَائَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ سَنَةً. بحار الانور ج ۵۵ ص ۹۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود این ستارگانی که در آسمان است، شهرهایی هستند همانند شهرهای زمین. هر شهری به ستونی از نور به هم پیوسته (و بسته شده و ثبات پیدا کرده) است. طول این ستون در آسمان به اندازه فاصله دویست و پنجاه سال است.

روایت ۵۵) عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَقَالَ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ لَيْسَ مِنْهَا سَمَاءٌ إِلَّا وَفِيهَا خَلْقٌ وَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ الْأُخْرَى خَلْقٌ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى السَّابِعَةِ قُلْتُ وَ الْأَرْضُ قَالَ سَبْعٌ مِنْهُنَّ خَمْسٌ فِيهِنَّ خَلْقٌ مِنَ خَلْقِ الرَّبِّ وَ اثْنَتَانِ هَوَاءَ لَيْسَ فِيهِمَا شَيْءٌ. بحار الانور ج ۵۵ ص ۹۷

ابوبصیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره آسمانهای هفتگانه پرسیدم. حضرت پاسخ داد: هفت آسمان، هیچ آسمانی نیست مگر این که در آن مخلوقاتی وجود دارد و میان هر آسمانی با آسمان دیگر (نیز) مخلوقاتی وجود دارد، تا این که به آسمان هفتم برسد. پرسیدم زمین (نیز این چنین است)؟ فرمود زمین نیز هفت تاست، در پنج تای آنها آفریدگانی از آفریدگان پروردگار وجود دارد و دو تای آنها هواء (و خالی) است در آن دو چیزی نیست.

روایت ۵۶) عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ أَنَّهُ قَالَ: ابْتَدَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ فَقَالَ أَمَا إِنَّ ذَا الْقَرْيَنَيْنِ قَدْ خَيَّرَ السَّحَابَيْنِ فَأَخْتَارَ الذَّلُولَ وَ ذَخَرَ لَصَاحِبِكُمُ الصَّعْبَ قُلْتُ وَ مَا الصَّعْبُ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ وَ صَاعِقَةٌ فَصَاحِبُكُمْ يَرْكَبُهُ أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَشْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ خَمْسَةَ عَوَامِرٍ وَ اثْنِينَ [اِثْنَانِ] خَرَابٍ. بصائر الدرجات ج ۱ ص ۴۰۹

امام باقر علیه السلام فرمود: آگاه باشید که ذوالقرنین در انتخاب یکی از دو (نوع) ابر آزاد گذاشته شد. پس او ابر رام را برگزید و ابر دشوار (و سخت و نیرومند) برای صاحب شما (امام زمان علیه السلام) ذخیره شده است. از امام پرسیدم ابر دشوار چیست؟ ابرهایی که در آن رعد و برق و صاعقه است. پس صاحب شما بر آن سوار خواهد شد. آگاه

باشید که به راستی که او به زودی بر ابر سوار خواهد شد و در اسباب، اسباب آسمانهای هفتگانه، بالا خواهد رفت که پنج آسمان آن آباد و دو آسمان آن متروکه است.

روایت ۵۷) وَ لَأُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَلَأَمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَلَأُسَخِّرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَلَأُذِلَّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَلَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ وَلَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَلَأَمُدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأَدِيمَنَّ مُلْكُهُ وَلَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. بحار الانور ج ۵۲ ص ۳۱۲

و صد البته که به وسیله آخرین فرد از آل محمد، زمین را از دشمنانم پاک خواهم ساخت و او را مالک تمام شرق و غرب زمین خواهد ساخت و بادهای او را مسخر و خواهم ساخت و ابرهای دشوار را رام و خواهم ساخت و او را در اسباب، بالا خواهم برد و او را با سربازانم پیروز خواهم ساخت و با فرشتگانم مدد خواهم کرد تا این که دعوت من آشکار گردد و تمامی خلایق بر (اعتقاد به) وحدانیت من مجتمع شوند. سپس فرمانروایی او را ادامه خواهم داد و روزگاران را تا روز قیامت میان اولیائم دست به دست خواهم کرد.

روایت ۵۸) عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ

إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ. بحار الانوار ج ۱۴ ص ۱۴
آن زمان که قائم آل محمد عليهم السلام قیام نماید، میان مردم به حکم داود قضاوت کند، نیازی به بیّنه ندارد، خداوند تعالی به او الهام نماید، پس او به علم خودش حکم نماید.

روایت ۵۹) عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ ع حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَيُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَيَعْرِفُ وَلِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ قَالَ اللَّهُ بِحَارِ الْانْوَارِ ج ۵۲ ص ۳۳۲

چون قائم آل محمد عليهم السلام قیام نماید، به حکم داود میان مردم حکم کند، نیازمند به گواه نباشد، خدای تعالی به او الهام فرماید و او از روی علم خود، داوری کند و هر قومی را به آن چه که پنهان کرده اند خبر می دهد...

روایت ۶۰) عَنْ أَبَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ عَنْ بَيِّنَةٍ يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۰

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: دنیا تمام نمی شود تا این که مردی از (نسل) من خروج کند که به حکم آل داود حکم می کند و (از همین رو در تشخیص حق) از شاهی نمی پرسد (بلکه)

به هر کسی حکم (واقعی) خودش را عطا می‌کند.

روایت (۶۱) عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْهُ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۰
هنگامی که قائم آل محمد قیام کند به حکم داود و سلیمان حکم می‌کند از مردم شاهی نمی‌طلبد.

روایت (۶۲) وَ عَنْهُ ع قَالَ يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ وَيَزِدُّهُ تِسْعًا كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دَيْنُ مُحَمَّدٍ وَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ يَدْعُو الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ فَيَجِيبَانِهِ وَ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يُوحَى إِلَيْهِ فَيَعْمَلُ بِالْوَحْيِ بِأَمْرِ اللَّهِ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۹۰

قائم علیه السلام سیصد و نه سال حکومت می‌کند، همانند خواب اصحاب کهف در غارشان. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همچنان که از ظلم و جور پر شده بود. و خداوند، شرق و غرب زمین را برای او فتح می‌کند و مردم (کافر و منافق) را می‌کشد، تا این که جز دین محمد صلی الله علیه و آله باقی نماند و به روش و سیره سلیمان بن داود حکم و داوری می‌کند و خورشید و ماه را فرا می‌خواند و آن دو (فرمانبرداری کرده و) به حضرت پاسخ می‌دهند و زمین برای آن حضرت پیچیده

می شود (و با طی الارض حرکت می کند) و به او وحی می شود، پس به فرمان خداوند عمل خواهد کرد.

روایت (۶۳) وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَيَذُلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ... بحار

الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۳

قائم علیه السلام کسی است که زمین برایش پیچیده می شود (و با طی الارض حرکت می کند) و هر (گره کور و) دشواری برایش گشوده می گردد...

روایت (۶۴) سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ... إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ يَصِيرُ إِلَى مَنْ يُلَوَّى لَهُ الْحَنَكُ، فَإِذَا كَانَتْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ الْمَشِيئَةُ خَرَجَ، فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا هَذَا الَّذِي كَانَ؟! وَيَضَعُ اللَّهُ لَهُ يَدًا عَلَى رَأْسِ رَعِيَّتِهِ.

آن زمان که مشیت الهی درباره (ظهور قائم علیه السلام) تحقق یابد، خروج می کند. پس مردم از تعجب می گویند این چه امری بود که اتفاق افتاد؟ و خداوند به خاطر قائم علیه السلام دستی بر سر شهروندانش می گذارد.

روایت (۶۵) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ، فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سَبَاعُ الْأَرْضِ وَ سَبَاعُ الطَّيْرِ، يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى تَفْخَرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولَ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ

أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۷
 من گویا یاران قائم علیه السلام را می بینم که بر مابین مشرق و مغرب
 سیطره پیدا کرده اند، پس چیزی نیست مگر این که فرمانبردار یاران
 حضرت باشد، حتی درندگان زمین و آسمان. (همگی) در همه امور به
 دنبال جلب خشنودی اینان هستند، حتی زمینی بر زمین دیگر افتخار
 می کند و می گوید امروز مردی از یاران قائم علیه السلام از روی من
 گذشت.

روایت ۶۶) عَنْ وَهْبِ بْنِ جَمِيعٍ مَوْلَى إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ سَأَلْتُ
 أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ إِبْلِيسَ، قَوْلُهُ: رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ
 قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: يَا
 وَهْبُ، أَتَحَسِبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ (تَعَالَى) النَّاسَ؟ لَا، وَلَكِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَ
 جَلَّ) أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) قَائِمَنَا، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ)
 قَائِمَنَا، فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَّتِهِ، وَ يَضْرِبُ عُنُقَهُ، فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.
 دلائل الإمامة (ط - الحديثه)؛ ص ۴۵۳

وهب بن جمیع گفت از امام صادق علیه السلام درباره ابلیس و این
 سخن او (در قرآن)، پرسیدم که شیطان «گفت: پروردگارا، پس مرا تا
 روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده. فرمود: تواز مهلت یافتگانی،
 تا روز وقت معلوم.» (حجر ۳۶-۳۸)، آن روز چه روزی است؟ حضرت

فرمود ای وهب آیا می‌پنداری آن روز (روز قیامت است) روزی است که خداوند مردم را مبعوث می‌کند؟ نه چنین نیست و لکن خداوند عز و جل او را تا روزی که قائم ما را مبعوث می‌کند مهلت داده است. پس آن زمان که خداوند قائم ما را مبعوث سازد از موی جلوی سر شیطان می‌گیرد و گردنش را می‌زند پس آن روز، روز وقت معلوم است.

روایت (۶۷) عَنْ وَهْبِ بْنِ جُمَيْعٍ مَوْلَى إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ لَهُ وَهْبٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ قَالَ يَا وَهْبُ أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرُهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمَنَا فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ جَاءَ إِبْلِيسَ حَتَّى يَجْثُو بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. تفسیر

العیاشی؛ ج ۲؛ ص ۲۴۲

وهب بن جمیع گفت از امام صادق علیه السلام از سخن ابلیس (در قرآن)، پرسیدم که شیطان «گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده. فرمود: تو از مهلت یافتگانی، تا روز وقت معلوم.» (حجر ۳۶-۳۸)، فدای شما گردم آن روز چه روزی است؟ حضرت فرمود ای وهب آیا می‌پنداری آن روز (روز قیامت است) روزی

است که خداوند مردم را مبعوث می‌کند؟ به راستی که خداوند عز و جل او را تا روزی که قائم ما را مبعوث می‌کند مهلت داده است. پس آن زمان که خداوند قائم ما را مبعوث سازد، حضرت در مسجد کوفه است که ابلیس (نزد حضرت) می‌آید تا این که (در مقابل امام) بر زانوانش بر زمین می‌افتد و می‌گوید ای وای بر من از این روز! پس حضرت از موی جلوی سر شیطان می‌گیرد و گردنش را می‌زند پس آن روز، روز وقت معلوم است.

برخی از روایات، تنها پایان مهلت الهی به شیطان را بیان کرده است که هنگام ظهور امام زمان علیه السلام است. لازمه این روایات، کشته شدن شیطان در این روز نیز هست.

روایت ۶۸) عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا ع لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى قَالَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ... كمال الدين و تمام النعمة ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۷۱

امام رضا علیه السلام فرمود کسی که ورع ندارد دین ندارد و کسی که تقیه نمی‌کند ایمان ندارد به راستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند کسی است که بیشتر به تقیه عمل می‌کند. پس به حضرت گفته شد ای فرزند

رسول خدا تا کی (چنین است و باید تقیه کرد)؟ حضرت فرمود تا روز وقت معلوم و آن روز روز خروج قائم ما اهل بیت است...

البته باید توجه داشت که برخی روایات ناظر به کشته شدن شیطان در دوران رجعت به دست پیامبر صلی الله علیه و آله است.

روایت ۶۹) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ - قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ - يَوْمٌ يَذْبَحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى الصَّخْرَةِ الَّتِي فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ. تفسیر القمی؛ ج ۲؛ ص ۲۴۵

امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند (که در قرآن آمده است شیطان) «گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده. فرمود: تو از مهلت یافتگانی، تا روز وقت معلوم.» (حجر ۳۸-۳۶)، حضرت فرمود (آن روز) روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله شیطان را بر صخره‌ای که در بیت المقدس است سر می‌برد.

یکی از احتمالات برای جمع میان این روایت با روایات پیشین این است که شیطان نیز رجعت دارد و کشته شدن او به دست پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پس از رجعت او باشد. این احتمال شواهد روایی نیز دارد.

برخی دیگر از روایات ناظر به مرگ شیطان پیش از قیامت است.

روایت (۷۰) عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ الرَّازِيِّ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ... وَأَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِإِبْلِيسَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ... قَالَ وَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ يَوْمٌ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ فَيَمُوتُ إِبْلِيسُ مَا بَيْنَ النَّفْخَةِ الْأُولَى وَ الثَّانِيَةِ... علل الشرائع؛ ج ۲؛ ص ۴۰۲

مردی به امام صادق علیه السلام گفت... به من خبر ده از این سخن خداوند عز و جل برای ابلیس که: «تو از مهلت یافتگانی، تا روز وقت معلوم...» حضرت پاسخ داد روز وقت معلوم روزی است که نفخه نخست در صور (اسرافیل) دمیده می شود پس ابلیس میان نفخه اول و دوم می میرد...

این روایت نیز ممکن است ناظر به مرگ روح ابلیس باشد. چرا که پیش از قیامت علاوه بر مرگ ابدان (خروج روح از بدنها) ارواح نیز می میرند.

روایت (۷۱) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: ذَكَرَ الْمَهْدِيُّ فَقَالَ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ... ثُمَّ يَأْمُرُ مَنْ يَخْفِرُ مِنْ ظَهْرِ مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ ع نَهْرًا يَجْرِي إِلَى الْغُرَيَيْنِ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَاءُ فِي النَّجَفِ وَ يَعْمَلُ عَلَى فَوْهَتِهِ الْقَنَاطِيرُ وَ الْأَرْحَاءُ فَكَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مِكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ تَأْتِي تِلْكَ الْأَرْحَاءُ فَتَطْحَنُهُ بِلَا كِرَاءٍ. الارشاد ج ۲ ص ۳۸۰

سپس مهدی علیه السلام فرمان می دهد کسی از پشت کربلا نهری را تا نجف حفر نماید، تا آب به نجف برسد و در دو طرف آن پل ها و آسیاب هایی بسازند. پس گویا پیری را می بینم که بر سرش ظرفی گذاشته که در آن گندم است پس این آسیابها بدون هیچ اجرتی آن را برایش آرد می کنند.

؟؟؟روایت ۷۲) عن عبایة الأسدی أنه سمع أمير المؤمنين ع يقول «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا- وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» أَكَانَ ذَلِكَ بَعْدَ قِلْتٍ: نعم یا امیر المؤمنین، قال: کلا و الذی نفسی بیده- حتی یدخل المرأة بمن عذب آمین لا یخاف حیه و لا عقربا فما سوی ذلك. تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳

ممکن است تصحیفی در روایت باشد و احتمال می رود صحیح آن یدخل المرأة بماء عَذَبَ باشد. عَذَبَ خاشاک و سبزه هایی است روی آب را می گیرد و داخل آب دیده نمی شود. بر اساس این احتمال معنای روایت این می شود که:

عبایة اسدی از امیر المؤمنین علیه السلام (درباره این آیه) شنید که حضرت می فرمود: (آیا جز دین خدا را می جویند؟) با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند. (در این باره حضرت از من، یعنی عبایة،

پرسید: آیا آن زمان فرارسیده است؟ گفتم آری ای امیرالمؤمنین. فرمود سوگند به کسی که جانم به دست اوست هرگز (زمان آن فرارسیده است) تا زمانی که زن وارد آبی می شود که سطح آن پوشیده است و نمی بیند چیزی خطرناکی داخل آن هست یا نه؟ اما امنیت آن چنان است که با اطمینان کامل و بدون ترس از ماری، عقربی و... وارد آب می شود.

روایت (۷۳) فی کتاب الملاحم یذبح المهدی إبلیس و یموت کل شیطان ثم تلا أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ^۱. الصراط المستقیم ج ۲ ص ۲۶۲

روایت (۷۴) عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيُوشِكَنَّ أَنْ يُنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حُكْمًا عَدْلًا يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَيَقْتُلُ الْخَنَزِيرَ وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ فَيَفِيضُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۲

روایت (۷۵) عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: حَدِيثُنَا صَعْبٌ مُسْتَضْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ أَوْ مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَجَاءَ مَهْدِينَا كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا أَجْرَى

^۱ (۱) النور: ۵۵.

مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سَنَانٍ يَطَأُ عُدُونًا بِرِجْلَيْهِ وَ يَصْرِبُهُ بِكَفَّيْهِ وَ ذَلِكَ
عِنْدَ نُزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ فَرَجِهِ عَلَى الْعِبَادِ. بحار الانوار ج ٥٢ ص ٣١٨

(روایت ٧٦)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ
الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا
تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَ اْعْمَلْ بِمَا فِيهَا قَالَ وَ
يَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ فَإِذَا بَلَغُوا إِلَى الْخَلِيجِ كَتَبُوا عَلَى
أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَ مَسَّوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْسُونَ عَلَى الْمَاءِ
قَالُوا هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْسُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ
لَهُمْ بَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْكُمُونَ فِيهَا بِمَا يُرِيدُونَ.^١

(روایت ٧٧)

عَنْ حَرِيزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّى
يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ
بَيِّنَةً. بحار الانوار ج ٥٢ ص ٣١٩

(روایت ٧٨)

عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مَعْنَى

السَّلَامَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهٖ وَ
وَصِيَّهٖ وَابْنَتَهُ وَابْنَيْهِ وَجَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَخَلَقَ شِيعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَأَنَّ
يَصْبِرُوا وَيَصَابِرُوا وَيُرَاطِبُوا وَأَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَوَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ
الْمُبَارَكَةَ وَالْحَرَمَ الْأَمِينَ وَأَنْ يُنْزِلَ لَهُمُ الْبَيْتَ الْمُعْمُورَ وَيُطَهِّرَ لَهُمُ السَّقْفَ
الْمَرْفُوعَ وَيُرِيحَهُمْ مِنْ عُدُوِّهِمْ وَالْأَرْضِ الَّتِي يُبَدِّلُهَا اللَّهُ مِنَ السَّلَامِ وَيُسَلِّمَ
مَا فِيهَا لَهُمْ لَا شَيْءَ فِيهَا قَالُوا لَا خُصُومَةَ فِيهَا لِعُدُوِّهِمْ وَأَنْ يَكُونَ لَهُمْ فِيهَا
مَا يُحِبُّونَ وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَشِيعَتِهِمُ الْمِيثَاقَ
بِذَلِكَ وَإِنَّمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ تَذَكُّرُ نَفْسِ الْمِيثَاقِ وَتَجْدِيدُ لَهُ عَلَى اللَّهِ لَعْلَهُ
أَنْ يُعَجِّلَهُ جَلًّا وَعَزًّا وَيُعَجِّلَ السَّلَامَ لَكُمْ بِجَمِيعِ مَا فِيهِ. الكافي ج ۱
ص ۴۵۱

آخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

آن چه تا کنون از سایت «آشتی با خرد» چاپ شده است:

۱. از کرامت درویشانه تا کرامت انسانی
۲. اشراق خورشید (جهان در عصر طلایی ظهور)
۳. علل غیبت خورشید (دلایل حرمان از امام زمان عجل الله فرجه)
۴. شاقول اخباریت و اصولیت
۵. پیشینه نص زدگی (اخباریت لابلای تاریخ و روایات)
۶. درنگی نو بر لایه های تقلید
۷. ستون استوار دین (مرجعیت امینان دنیا و دین)
۸. پرسش ها و هیاهوها پیرامون مرجعیت و تقلید
۹. إعجاز و کرامت از واقعیت تا پندار
۱۰. فتنه وهابیت قوچان
۱۱. رسالة فی جواب عن شبهات کشف الارتیاب
۱۲. جواهر ناشناخته زندگینامه شیخ عبدالله ریزگی
۱۳. برترین لبیک به آیهی نفر، شناسنامه قرآنی طلبگی
۱۴. کافر در سه مدار آفرینش، انسانیت و احکام
۱۵. فاطمه سلام الله علیها به میدان آمد تا علی علیه السلام زنده بماند
۱۶. ماه در ماه، امام زمان عجل الله فرجه در ماه رمضان
۱۷. اسرار پنهانِ توطئه ازدواج
۱۸. مجموعه «روزنه ای به عبودیت فقیهانه» (۵ حلقه تا کنون)
۱۹. علی علیه السلام باید بماند جلد یکم
۲۰. علی علیه السلام باید بماند جلد دوم

۲۱. ✓ گذری بر تقلید (تلخیص شماره ۶)
۲۲. ✓ ضمانت الهی، پشتوانه ابلاغ ولایت
۲۳. ✓ طلبگی، دشوارترین ریاضت
۲۴. ✓ اولوا الامر ی بر تارک غدیر
۲۵. ✓ الولاية فی مرآة الوحی المجلد الاول (تحقیق)
۲۶. ✓ الولاية فی مرآة الوحی المجلد الثانی (تحقیق)
۲۷. ✓ نظرة على التقليد (ترجمه عربی شماره ۲۱)
۲۸. ✓ اخباریت زیر ذرهبین درایت جلد یکم
۲۹. ✓ اخباریت زیر ذرهبین درایت جلد دوم
۳۰. ✓ شاقول الأخباریة و الأصولیة (ترجمه عربی شماره ۴)
۳۱. ✓ آشتی با خرد چرا و چگونه؟
۳۲. ✓ علل غیبة الشمس، دلایل الحرمان من صاحب الزمان عج (تعریب رقم ۳)
۳۳. ✓ اشراق الشمس، العالم فی عصر الظهور الذهبی (تعریب رقم ۳)